

(وَآمَرُهُمْ سُورًا بَيْنَهُمْ)

شوراها

(نگرشی شناختی)

داود ندیم القلندیس

شوراها (نگرشی شناختی)

نویسنده: داود ندیم القلندیس

ناشر: مولف

تیراژ: دو هزار جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۵

چاپ:: نیکنام

لیتوگرافی: نگین فیلم

صحافی: لک لری

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

ISBN :

/ ۹۶۴-۰۶-۸۶۳۴-۴

شابک:

۶	پیشگفتار
۸	فصل اول : مفهوم شورا
۹	۱- اهمیت شوراها
۹	۲- اهمیت مشاوره در اسلام
۱۰	۳- شوراها در آیات قرآن کریم
۱۴	۴- شوراها در احادیث و روایات
۲۲	۵- شوراها در قانون اساسی
۲۵	فصل دوم : اخلاق شورایی
۲۶	۱- مشورت بزرگترین پشتیبان است
۲۷	۲- خودرایی یعنی هلاکت
۲۸	۳- استقبال از تمام افکار
۲۸	۴- لجاجت نکن
۲۹	۵- اختلاف نابود کننده اندیشه است
۳۰	۶- حسادت موقوف
۳۲	۷- پرهیز از دورویی
۳۳	۸- رعایت تقوا
۳۴	۹- وقت طلاست
۳۶	۱۰- الگوی انسان کامل
۳۷	۱۱- ضرورت عمل گرایی
۳۸	۱۲- هماهنگی با آداب و رسوم مردم
۳۹	۱۳- راه کشورداری (ایده آل ترین منشور حکومتی)
۴۱	فصل سوم : تاریخچه نظام شورایی :
۴۴	- سیر کلاسیک جمهوریت
۴۵	- فراز و فرود نظامهای سیاسی و حکومتی در ایران
۴۵	الف - دوران قبل از اسلام
۵۱	ب - دوران بعد از اسلام
۵۳	ج - دوران حمله مغولها
۵۵	د - اولین قانون شوراها
۵۵	ه - اولین قانون شهرداریها

فصل چهارم : شوراها بعد از انقلاب اسلامی

۵۷

فصل پنجم : تبیین یک نظام شورایی ایده آل

۶۰

۱- وظایف مردم در قبال نظام شورایی

۶۱

۲- وظایف فرهنگ جامعه در قبال نظام شورایی

۶۵

۳- وظایف دستگاههای اجرایی در قبال نظام شورایی

۶۷

۴- وظایف مجموعه وزارت کشور در قبال نظام شورایی

۷۰

۵- وظایف قانون گذاران در قبال نظام شورایی

۷۲

۶- وظایف اعضاء شوراها در قبال نظام شورایی

۷۳

فصل ششم : تحلیل اولین دور شوراهای اسلامی ایران

۷۷

- تحلیل عملکرد دور اول نظام شورایی کشور از دو منظر متفاوت

۸۱

الف) ثمره های نظام شورایی در دور اول

۸۱

ب) کاستی های نظام شورایی در دور اول

۸۸

فصل هفتم : انواع شوراها و فلوچارت سازمانی آنها

۹۴

۱- شورای اسلامی روستا

۹۵

- وظایف و اختیارات شورای اسلامی روستا

۹۷

- وظایف دهیار

۹۹

۲- شوراهای اسلامی شهر

۱۰۰

- وظایف و اختیارات شورای اسلامی شهر

۱۰۱

۳- شوراهای اسلامی بخش

۱۰۶

- وظایف و اختیارات شورای اسلامی بخش

۱۰۷

۴- شورای اسلامی شهرستان

۱۰۷

- وظایف و اختیارات شورای اسلامی شهرستان

۱۰۸

۵- شورای اسلامی استان

۱۰۹

- وظایف و اختیارات شورای اسلامی استان

۱۱۰

۶- شورای عالی استانها

۱۱۱

- وظایف و اختیارات شورای عالی استان ها

۱۱۲

فصل هشتم : فرهنگ شورایی

۱۱۴

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

“ الحمد لله الذى ليس لقضائه دافع و لا لعطاءه
مانع و لا كصنعه صنع صانع ... يا سيدى خاضع
ذليل حصير حقير ... لا اله الا انت سبحانك انى
كنت من المسبحين ... اللهم هذا ثنائى عليك
ممجدا و اخلاصى لذكرك موحدا و اقرارى بالائتك
معددا “

پیشگفتار:

در طول اعصار گذشته عمده ترین نظام تصمیم سازی و مدیریتی در ایران بر محوریت تصمیم گیری فردی بوده است و مدیریت و تصمیم گیری مشارکتی و تفکر کارگروهی به معنای واقعی جایگاهی نداشته است .

برگزاری انتخابات و استقرار اولین سیستم شورایی بصورت یکپارچه در ایران در چنان فضایی ، مشکلاتی را بوجود آورده است . گرچه انتخاب شدگان عنوان شورا را گرفته اند ولی هنوز با اصول و مبانی سیستم شورایی آشنایی لازم و کافی را نداشته و فرهنگ تصمیم گیری گروهی در بین این شوراها نهادینه نشده و همین عامل نیز یکی از علل اساسی برخی ناکارآمدیها در شوراها شده است .

این کتاب سعی دارد اعضای شوراها را به سمت تفکر شورایی ، اندیشیدن جمعی و تصمیم سازی مشارکتی سوق دهد تا تصمیمات و افکار تولید شده در شوراها با روح نظام شورایی تطابق داشته باشد .

یک شورای موفق ، شورایی است که تک تک اعضا ی آن شورایی بیاندیشند .

چنانچه فرهنگ شورایی در بین اعضای شوراها ی اسلامی شهرها و روستا ها و شوراها ی فرادستی آنها متبلور شود نه تنها در مراحل مختلف تصمیم گیری ، اختلاف و نزاعی صورت نخواهد پذیرفت بلکه بنا به مفهوم شورا ، تصمیم گیری در شوراها به شیرینی و حلاوت در آوردن شهد از کندوی عسل خواهد بود .جهت نایل آمدن به این مرحله ، زمان زیادی لازم است تا رسوبات ذهنی اعضای شوراها و آحاد مردم از تک اندیشی پاک شده و جای خود را به جمع اندیشی دهد.

جهت داشتن شورایی ایده آل باید فرهنگ شورایی بین اعضای شوراها به گونه ای نهادینه شود که هیچ یک از اعضا ، خودشان را فردی مستقل تصور نکنند بلکه همواره خود را بعنوان قسمتی از بدنه ی شورا که الزاما بایستی با سایر قسمتهای شورا هماهنگی ارگانیک داشته باشد بدانند.تصمیمگیری در شوراها باید به قدری شیرین وگوارا باشد که شهروندان احساس لذت نمایند .

هدف این کتاب کمک رسانی به افزایش درک افراد جامعه از موضوع شوراها میباشد و مخاطبین آن ابتدا اعضای شوراهای اسلامی شهرها و روستاها به لحاظ تقویت بنیان تفکر شورایی خویش و سپس جامعه ی علمی ، مسئولین و مدیران مرتبط بامور شوراها و مطبوعات و رسانه ها به لحاظ بسط و گسترش فرهنگ شورایی و نهادینه کردن اندیشه و عمل شورایی و نیز عامه مردم به لحاظ آشنایی با مفهوم واقعی نظام شورایی و پرورش استعدادها و سوق دادن تفکرها به سمت تفکرشورایی میباشد .

داود ندیم القلندیس

– فصل اول

مفهوم شورا :

عبارت “شورا” از کلمه “شور” برگرفته شده است. “شور” به (فتح شین) که یک کلمه عربی است. به معنی کنکاش و مشورت می باشد.^۱

کلمه “شور” در اصل به معنی “مکیدن زنبور از شیره گلهاست” و در مشورت کردن، انسان بهترین نظریه ها را جذب می کند. مولوی می گوید:

کاین خردها چون مصابیح انور است بیست مصباح از یکی روشنتر است^۲

اندیشه شورا در مفهوم جدید خود به معنی نهادی واسط بین مردم و نهادهای حکومتی که بطور خاص در عرصه امور اجتماعی فعالیت می نماید و ضمن فراهم آوردن زمینه های مشارکت مردم در امور مربوط به محله و منطقه خود، خواسته های تعدیل شده عمومی را به دولت منتقل می کند.

۱- فرهنگ عمید - حسن عمید - تهران - انتشارات امیرکبیر - ۱۳۶۲ - ص ۶۸۶

۲- تفسیر نور - شیخ محسن قرائتی - موسسه در راه حق - ۱۳۷۴ - جلد دوم - ص ۲۱۳

اهمیت شوراها :

اندیشمندان علوم اجتماعی و مسایل کشورداری ، بهترین نوع نظامهای حکومتی را سیستم شورایی ، مشارکتی و مردمی میدانند چرا که بزرگترین ، بهترین و ایده آل ترین پشتوانه برای هر حکومتی ، همانا پشتوانهٔ مردمی میباشد .

امروزه با پیشرفت جوامع انسانی ، نظامهای اجتماعی دستخوش تغییرات اساسی شده و روز به روز در اقصی نقاط دنیا ، نظامهای استبدادی فرو ریخته و به جای آن حکومت های مردم سالار رشد می نمایند . دنیا با شتابی قابل تأمل بسوی واگذاری اختیارات به مردم در حرکت است و در جوامع ، نظام های تصمیم گیری فردی و دولتی به نظام های تصمیم گیری گروهی و مردمی تبدیل میشوند . به بیان دیگر تمرکز در تصمیم گیری به عدم تمرکز در تصمیم گیری تغییر می یابد . امروزه بسیاری از اختیارات تصمیم گیری در سطح استان به مردم استان - در سطح شهرها به مردم آن شهرها - در مدارس به دبیران و دانش آموزان و در محلات به اهالی هر محله واگذار میشود تا مردم خود ، سرنوشت اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی و اقتصادی خود را تعیین نمایند و این شروعی است بر حکومت مردم بر مردم .

شیوهٔ حکومت مردم سالار یا نظام حکومت مردمی و توجه به نظر مردم ، مورد سفارش خداوند متعال ، پیامبران ، ائمه معصومین ، اندیشمندان علوم اجتماعی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است .

اهمیت مشاوره در اسلام :

بر روی موضوع مشاوره در اسلام تاکید خاصی صورت پذیرفته است بطوریکه خداوند متعال همه انسانها را امر به مشورت می نماید . حتی رسول الله (ص) که به مبداء وحی متصل بودند و علاوه از آن شخصاً نیز از نیروی اندیشه برخوردار بودند با این حال در تمام امورات (بغیر از احکام الهی که منشاء وحی داشتند) و تصمیم گیری ها ، جلسهٔ مشاوره تشکیل میدادند . مردمی که کارهای خود را با مشورت انجام دهند و با صاحبان اندیشه و صاحب نظران آن موضوع صلاح اندیشی نمایند ، کمتر گرفتار

لغزش میشوند چنانچه نتیجه مشورت منجر به پیروزی شود ، این پیروزی کمتر مورد حسد قرار خواهد گرفت چون همگان خود را در آن شریک میدانند و در صورتیکه نتیجه آن به شکست انجامد ، فاعل نه تنها کمتر مورد شماتت و اعتراض و ملامت قرار خواهد گرفت بلکه مورد دلسوزی و غمخواری و اظهار همدردی نیز قرار می گیرد .

در اسلام علاوه بر دستور مؤکد بر مشورت، برای چگونگی مشاوره نیز ضوابطی تعیین شده است . بطوریکه خیانت در مشورت ، یکی از گناهان بزرگ محسوب میشود حتی اگر فرد غیر مسلمانی از یک مسلمان در مسئله ای مشورت نماید ، مسلمان حق ندارد نسبت به او خیانت نموده و غیر از آنچه تشخیص میدهد به او اظهار نماید .

اسلام معتقد است مشورت موجب شکوفایی استعدادها ، مطرح شدن تمام نظرها در جامعه ، تالوؤ آزادی اندیشه ، احترام قائل شدن به شخصیت توده های مردم و محوریت قرار دادن مردم میشود فلذا شالوده حکومت اسلامی نیز بر مبنای مردم و مشاوره با آنان است .

شوراها در آیات قرآن کریم :

مطالعه قرآن کریم و تعمق در آیات آن نشان میدهد که خداوند تبارک و تعالی اهمیت ویژه ای به مردم قائل بوده و مشاوره با مردم را (حتی مردمی که در زمان خویش در طبقه فکری بسیار پائینی نسبت به رسولان قرار داشتند) به پیامبران توصیه فرموده اند .

کلمه مردم - "النَّاس" - به تعداد ۲۳۷ مورد در ۵۳ سوره از قرآن مجید آمده است که نشانگر توجه خاص این کتاب آسمانی به نظام مردمی می باشد و در آیات دیگری به صراحت موضوع شوری ، مشاوره و مشورت ، هم ردیف با سایر واجبات بیان میشود . تا جایی که حتی یکی از سوره های قرآن به نام شوری نامگذاری شده است .

قال الله العظيم في كتابه : **وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ** . (شوری - ۳۸)

« و آنها که دعوت پروردگارشان را اجابت می کنند و نماز را به پا می دارند و کارهایشان به مشورت یکدیگر انجام میشود و از آنچه روزی داده ایم انفاق می کنند » خداوند متعال در سوره شوری برخی از مشخصات مومنین راستگوار و ایمان آورندگان حقیقی را بیان می کند تا اینکه در آیه ۳۸ همین سوره صفات دیگری از آنها را یاد می کند :

– اجابت دعوت پروردگار

– برپا داشتن نماز

– مشورت در امور

– انفاق نمودن

در “ تفسیر نمونه ” در ذیل این آیه آمده است :

((بعد از آن (نماز) ، مهمترین مسأله اجتماعی همان اصل “شوری” است که بدون آن همه کارها ناقص است ، یک انسان هر قدر از نظر فکری نیرومند باشد نسبت به مسائل مختلف تنها از یک یا چند بعد می نگرد ، و لذا ابعاد دیگر بر او مجهول می ماند ، اما هنگامی که مسائل در شوری مطرح گردد و عقلها و تجارب و دیدگاههای مختلف به کمک هم بشتابند مسائل کاملاً پخته و کم عیب و نقص می گردد و از لغزش دورتر است. لذا در حدیث پرمعنایی از پیامبر اکرم (ص) می خوانیم : “ انه ما من رجل یشاور احداً الا هدی الی الرشده ” احدی در کارهای خود مشورت نمی کند مگر اینکه به راه راست و مطلوب هدایت میشود “

قابل توجه اینکه : تعبیر از شورا در اینجا به صورتی است که آن را یک برنامه مستمر مومنان می شمرد ، نه تنها در یک کار زودگذر و موقت ، می فرماید : همه

کارهای آنها در میانشان به صورت شوری است))^۱

اهمیت شوری و مشورت به قدری است که خداوند متعال در آیه فوق ضمن برشمردن صفات برجسته مؤمنین، موضوع شوری را همدریف اقامه نماز و انفاق روزی مقرر فرموده اند.

قال الله العظيم في كتابه: «... وَ شاورَهُمْ فِي الْأَمْرِ...» (آل عمران - ۱۵۹).

خدا به پیامبرش می فرماید «... و در کارها با مردم مشورت کن ...»

با تأمل در این آیه روشن میشود که باریتعالی به حضرت محمد (ص) که خود عقل کل بودند و با مبداء وحی ارتباط داشتند و فرستاده حق تعالی بودند، می فرماید که با مردم مشورت نماید. پیامبر اسلام با آن همه صفات با عظمت، خاتم الانبیاء، پیامبر کامل ترین دین، امین زمان، و متصل به مبدأ وحی، با این حال از جانب خدای بزرگ موظف میشود که با امت خویش در مسایل مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی مشورت نماید و بر اساس همین تعالیم الهی، رسول خدا همیشه نظر جمع را ترجیح میدادند حتی اگر از این ناحیه مشکلاتی نیز حاصل میشد چرا که برکات مشورت از زیانهای احتمالی آن به مراتب بیشتر است.

در تفسیر نمونه آمده است: «قبل از آغاز جنگ احد پیامبر خدا در چگونگی مواجهه با دشمن با یاران خود مشورت کرد و نظر اکثریت بر این شد که اردوگاه، دامنه احد باشد و دیدیم که این نظر، محصول رضایت بخشی نداشت. در اینجا این فکر به نظر بسیاری می رسید که در آینده، پیامبر (ص) نباید با کسی مشورت کند. قرآن به این طرز تفکر پاسخ می گوید و دستور می دهد که با آنها مشورت کن هر چند نتیجه مشورت در پاره ای از موارد سودمند نباشد زیرا اثری که در آن برای پرورش افراد در اجتماع و بالا بردن شخصیت آنها وجود دارد از همه اینها بالاتر است.»^۱

کلمه «الامر» در «شاورهم فی الامر» تمام امورات را شامل میشود بنابراین مفهوم گسترده تری دارد یعنی به غیر از احکام الهی که تابع وحی است در بقیه کارها امر به مشورت شده است.

قال الله العظيم في كتابه: «قَبَشْرُ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ

أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر - ۱۸)

« پس بندگان مرا که سخن را گوش میدهند و از بهترین آن پیروی می کنند مژده بده آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است و آنان خردمنداند »
 آیه شریفه مذکور ، بندگان خردمند و هدایت یافته خدا را چنین معرفی میکند که به نظر و آراء مختلف گوش فرا داده و بهترین آن را انتخاب و عمل می کنند . بدیهی است این همه بحث ها ، مذاکره ها ، همایشها ، میزگردها ، تبادل آراء و اندیشه ها برای رسیدن به نظریه خوب و بهترین نظریه ها یکی از مصادیق شوری و مشورت و نیز از مصادیق این آیه شریفه است .
 در تفسیر المیزان نیز آمده است^۱ :

« کلمه (مشاور) و (مشاورت) و (مشورت) به معنای استخراج رای صحیح است باینکه آدمی در مواقعی که خودش درباره کاری رای صحیح ندارد ، به دیگری مراجعه کند و از او رأی صحیح بخواهد و این کلمه از ماده (ش ، واو ، راء) گرفته شده ، عرب می گفت : (شرت العسل یعنی من عسل را از کندویش استخراج کردم) ، و در قرآن کریم نیز سخن از مشاوره رفته ، فرمود : (و شاورهم فی الامر) ، و کلمه (شوری) به معنای پیشنهاد امری است که درباره اش مشاوره شود ، این کلمه نیز در قرآن آمده ، فرموده (و امرهم شوری بینهم) ، این بود گفتار راغب ، بنابراین معنای آیه چنین میشود : مومنین آنهایند که در هر کاری میخواهند بکنند ، آن کار در بینشان شورایی میشود که پیرامونش مشورت میکنند . از گفتار بعضی از علمای لغت بر می آید که کلمه (شوری) مصدر است و بنا به گفته آنان چنین میشود که مومنین مشاورت در بین خویش است . و بهر حال چه به آن معنا باشد و چه به این معنا ، در این جمله اشاره ایست باینکه مومنین اهل رشدند و کاری می کنند که در واقع هم باید بکنند و در بدست آوردن و استخراج رای صحیح دقت بعمل می آورند و به این منظور به صاحبان عقل مراجعه میکنند . در نتیجه آیه شریفه قریب المعنای با آیه شریفه : (الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه)^۲ خواهد بود .

۲- تفسیر المیزان - جلد ۱۸ ص ۱۰۰

۱- قرآن کریم - سوره زمر - آیه ۱۸

اهمیت شوراها در احادیث و روایات :

اسلام دینی است که بر تمام زوایای زندگی بشر خصوصاً بر مسایل اجتماعی قوانین ، ضوابط و تدابیری را ارائه نموده است و در اداره امور جامعه تاکید وافری بر مشارکت مردمی ، کار گروهی ، احترام به آراء و نظرات مردم دارد .

مطالعه سیره رهبری رسول ... و ائمه اطهار (ع) نشان میدهد که بزرگترین پشتوانه آنها همین مردم بودند و شیوه اداره امور توسط ایشان بصورت شورایی بود .

احادیث و روایات متعددی از پیامبر اسلام و ائمه معصومین نقل شده است که همگی ، سیستم شورایی را مبارک شمرده و بهترین شیوه اداره جامعه می دانند .

ذیلاً به چهل مورد از آنها بصورت جدول اشاره میشود^۱:

«جدول چهل حدیث و روایت از معصومین (ع) پیرامون اهمیت شوراها»				
ردیف	معصوم (ع)	متن عربی	ترجمه فارسی	آدرس
۱	عزیر بن مهران	<p>إِذَا كَانَ أَمْرًا لَكُمْ خِيَارًاكُمْ وَ أَعْيَابًاكُمْ سَمَحَاتِكُمْ وَ أَمْرًاكُمْ شَوْرَى بَيْنَكُمْ فَظَهَرُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ بَطْنِهَا وَإِذَا كَانَ أَمْرًاكُمْ شِرَارًاكُمْ وَ أَعْيَابًاكُمْ بَخَلَاتِكُمْ وَ لَمْ يَكُنْ أَمْرًاكُمْ شَوْرَى بَيْنَكُمْ فَقَبْطُنُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ ظَهْرِهَا</p>	<p>هنگامی که زمامداران شما ، نیکان شما باشند و توانگران شما سخاوتمندان و کارهایتان به مشورت انجام گیرد در این موقع روی زمین از زیر زمین برای شما بهتر است (و شایسته حیات و زندگی هستید) ولی هرگاه زمامدارانتان بدان شما و ثروتمندان افراد بخیل باشند و در کارها مشورت نکنید در این صورت زیر زمین از روی زمین آن برای شما بهتر است .</p>	تخف العنول

۱ - مطالب این جدول عیناً از کتاب چهل حدیث شوری نقل میشود .

<p>منهج الصادق</p>	<p>هیچکس با مشورت کردن بدبخت نمی شود و هیچکس با خودرایی و استبداد خوشبخت نمی شود</p>	<p>مَا شَقِيَ عَبْدٌ قَطُّ بِمَشُورَةٍ وَلَا سَعِدَ بِاسْتِبْدَادِ رَأْيٍ</p>	<p>مجموعه (ص) ۸ فهرست:</p>	<p>۲</p>
<p>غرر و درر - جلد ۶ - ص ۳۸۹</p>	<p>هیچ پشتیبانی محکمتر از مشورت کردن نیست</p>	<p>لَا مَظَاهِرَةَ أَوْثَقُ مِنْ مُشَاوَرَةٍ</p>	<p>علی (ع) ۵ فهرست:</p>	<p>۳</p>
<p>سئالات الشیعه - جلد ۸ - ص ۴۲۵</p>	<p>هیچ تکیه گاهی همچون مشورت نیست و مشورت عین هدایت است</p>	<p>لَا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوَرَةِ وَالْإِسْتِشَارَةَ عَيْنُ الْهَدَايَةِ</p>	<p>علی (ع) ۸ فهرست:</p>	<p>۴</p>
<p>غرر و درر - جلد ۴ - ص ۱۷۹</p>	<p>مشورت کن پیش از اینکه تصمیم بگیری و فکر کن پیش از اینکه اقدام کنی</p>	<p>شَاوِرْ قَبْلَ أَنْ تَعَزِّمَ وَ فَكِّرْ قَبْلَ أَنْ تَقْدُمَ</p>	<p>علی (ع) ۵ فهرست:</p>	<p>۵</p>
<p>بحار الانوار / ۷۵ / ص ۱۰۵</p>	<p>انسان خودرای و مستبد در پرتگاه لغزشها ایستاده است</p>	<p>الْمُسْتَبِدُّ بِرَأْيِهِ عَلِيٌّ مَدَاخِصِ الزَّلَلِ</p>	<p>امام صادق (ع)</p>	<p>۶</p>
<p>میزان الحکمه ، ۴ ، ص ۳۴</p>	<p>کسی که از آرای گوناگون استقبال کند لغزشگاهها را خواهد شناخت</p>	<p>مَنْ اسْتَقْبَلَ وُجُوهُ الْأَرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَاةِ</p>	<p>علی (ع) ۵ فهرست:</p>	<p>۷</p>
<p>میزان الحکمه ، ۴ ، ص ۳۴</p>	<p>اندیشه های مختلف را با یکدیگر مقایسه کنید راه صحیح از آن بدست خواهد آمد</p>	<p>إِضْرِبُوا بَعْضَ الرَّأْيِ بِبَعْضٍ يَتَوَلَّدُ مِنْهُ الصَّوَابُ</p>	<p>علی (ع) ۵ فهرست:</p>	<p>۸</p>

غیر الحکم	هیچ عاقلی خود را بی نیاز از مشورت نمی بیند	لَا يَسْتَعْنِي الْعَاقِلُ عَنِ الْمَشَاوِرَةِ	۹ و (۵) ن	۹
غیر الحکم	سزاوار است که عاقل رای و فکر سایر عقلا را به رای و فکر خود اضافه کند و علوم دانشمندان را به علم خود ضمیمه نماید	حَقٌّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يُضِيفَ إِلَى رَأْيِهِ رَأْيَ الْعُقَلَاءِ وَ إِلَى عِلْمِهِ عُلُومَ الْعُلَمَاءِ	۱۰ و (۵) ن	۱۰
غیر الحکم	بر عاقل حق است که همواره از دیگران راهنمایی بخواهد و استبداد را ترک کند	حَقٌّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَسْتَدِيمَ الْأَسْتِشَادَ وَ يَتْرَكَ الْأَسْتِئْدَادَ	۱۱ و (۵) ن	۱۱
غیر الحکم	عاقل کسی است که فکر و نظر خود را متهم می کند و بر هر چه نفسش خوب جلوه می دهد تکیه نمی کند	الْعَاقِلُ مَنْ إِنْتَهَمَ رَأْيَهُ وَ لَمْ يَثْقُ بِكُلِّ مَا تَسَوَّلَ لَهُ نَفْسُهُ	۱۲ و (۵) ن	۱۲
نیج البلاغه حکمت ۱۶۱	کسی که استبداد ورزد و با رای خودش کارها را انجام دهد هلاک می شود و هر کس با افراد مشورت کند خودش را در عقل آنها شریک قرار داده است	مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عَقُولِهَا	۱۳ و (۵) ن	۱۳
مفاتیح الجنان ، دعای یستشیر	حمد و ستایش خدائی را که جز او خداوندی نیست او فرمانروای حق ، مبین و مدبری که از وزیر و مشاور بی نیاز است	الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ الْمُدَبِّرُ بِلَا وَزِيرٍ وَ لَا خَلْقَ مِنْ عِبَادِهِ يَسْتَشِيرُ	۱۴ محمد (ص) ن	۱۴

—	با عالمان صالح و شایسته مشورت کنید	شاورُوا الْعُلَمَاءَ الصَّالِحِينَ	محمد(ص) نضر(ز)	۱۵
نهج البلاغه - نامه ۵۳	درباره بقای نظام شهرها و مصالح مردم و اداره بهتر امور کشور بسیار با دانشمندان و حکما گفتگو و مذاکره کن	وَ أَكْثِرْ مُدَارَسَةَ الْعُلَمَاءِ وَ مُنَافَتَةَ الْحُكَمَاءِ فِي تَثْبِيتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرٌ بِإِلَادِكَ	علی(ع) نضر(ز)	۱۶
نهج البلاغه	بهترین کسی که با او مشورت می کنی صاحبان عقل و علم و کسانی که دارای تجربه و دوراندیشی هستند ، می باشد	خَيْرٌ مَنْ شَاوَرْتَ ذَوُوا النَّهْيِ وَالْعِلْمِ وَ أُولُو التَّجَارِبِ وَ الْحَزْمِ	علی(ع) نضر(ز)	۱۷
شرح ابن ابی الحدید - جلد ۲۰ ص ۳۳۵	با صاحبان تجارب هم نشین باش که آنها تجربه های خود را به گرانترین بها یعنی فداکردن عمر خود تهیه کرده اند و تو آن را با ارزانترین قیمت (یعنی با صرف چند دقیقه وقت) بدست می آوری	عَلَيْكَ بِمُجَالَسَةِ أَصْحَابِ التَّجَارِبِ فَإِنَّهَا تُقَوِّمُ عَلَيْهِمْ بِأَعْلَى الْغَلَاءِ وَ تَأْخُذُهَا مِنْهُمْ بِأَرْحَصِ الرَّخْصِ	علی(ع) نضر(ز)	۱۸
میزان الحکمه	نظر شخص به اندازه تجربه اوست	رَأَى الرَّجُلَ عَلَى قَدْرِ تَجْرِبَتِهِ	علی(ع) نضر(ز)	۱۹
میزان الحکمه - جلد ۲ - ص ۲۵	کسی که کم تجربه باشد فریب می خورد و کسی که تجربه اش زیاد باشد لغزشهای کم میشود	مَنْ قَلَّتْ تَجْرِبَتُهُ خُدِعَ وَ مَنْ كَثُرَتْ تَجْرِبَتُهُ قَلَّتْ غِرَّتُهُ	علی(ع) نضر(ز)	۲۰

<p>میزان الحکمه - جلد ۲ - ص ۲۸۹</p>	<p>کاش می دانستم کسی که از علم بی نصیب مانده چه چیزی بدست آورده است و آن کسی که از علم بهره مند شده چه چیز بدست نیاورده است</p>	<p>لَيْتَ شِعْرِي أَيَّ شَيْءٍ أَدْرَكَ مَنْ فَاتَهُ الْعِلْمُ بَلْ أَيَّ شَيْءٍ فَاتَ مَنْ أَدْرَكَ الْعِلْمَ</p>	<p>۹ (۵) شور</p>	<p>۲۱</p>
<p>غور و در - جلد ۴ - ص ۱۷۹</p>	<p>در کارها با کسانی که خدا ترسند مشورت کن تا هدایت شوی</p>	<p>شَاوِرْ فِي أُمُورِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ تَرْشُدْ</p>	<p>۹ (۵) شور</p>	<p>۲۲</p>
<p>غورالحکم</p>	<p>با خردمندان مشورت کن تا از لغزش و پشیمانی در امان بمانی</p>	<p>شَاوِرْ ذَوِي الْعُقُولِ تَأْمَنُ مِنَ الزَّلَلِ وَالنَّدَمِ</p>	<p>۹ (۵) شور</p>	<p>۲۳</p>
<p>غورالحکم</p>	<p>از انسان عاقل اطاعت کن بهره خواهی برد</p>	<p>أَطِعِ الْعَاقِلَ تَعْنَمُ</p>	<p>۹ (۵) شور</p>	<p>۲۴</p>
<p>غورالحکم</p>	<p>هر کس با خردمندان مشورت کند از نور خرد آنها روشنی میگیرد</p>	<p>مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْعُقُولِ اسْتَضَاءَ بِأَنْوَارِ الْعُقُولِ</p>	<p>۹ (۵) شور</p>	<p>۲۵</p>
<p>غورالحکم</p>	<p>کسی که به عاقلی بی اعتنائی کند ضعف عقل خود را نشان داده است</p>	<p>مَنْ ضَيَّعَ عَاقِلًا دَلَّ عَلَى ضَعْفِ عَقْلِهِ</p>	<p>۹ (۵) شور</p>	<p>۲۶</p>

<p>بهار الانوار - جلد ۷۰ - ص ۳۴</p>	<p>ای علی با آدم ترسو مشورت نکن که راه خروج از مشکلات را بر تو تنگ می کند و با بخیل مشورت مکن که تو را از بذل و بخشش بجا و رسیدن به هدف باز می دارد و با حریص نیز مشورت مکن که حرص و آز را برای تو زینت می دهد (و تو را به راه خطا می کشاند)</p>	<p>يَا عَلِيُّ لَا تُشَاوِرْ جَبَانًا فَإِنَّهُ يُضَيِّقُ عَلَيْكَ الْمَخْرَجَ وَ لَا تُشَاوِرِ الْبَخِيلَ فَإِنَّهُ يُقَصِّرُ بِكَ عَنْ غَايَتِكَ وَ لَا تُشَاوِرِ حَرِيصًا فَإِنَّهُ يُزَيِّنُ لَكَ شَرَّهُا</p>	<p>حضرت محمد (ص)</p>	<p>۲۷</p>
<p>نهج البلاغه</p>	<p>داخل مکن در مشورت خودت بخیل را که عدول می دهد تو را از تفضل کردن و کمک کردن به دیگران و به تو وعده فقر میدهد و با آدمهای ترسو هم مشورت نکن که تو را از اقدام در امور تضعیف کنند و با کسانی که حریص هستند مشورت نکن که حرص را در نزد تو می آریند . این سه صفت (بخیل و ترس و حرص) غرانز شتی هستند و این خصلتها حاکی از سوءظن نسبت به خداوند است</p>	<p>وَ لَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْذِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ وَ يَعْذِرُ الْفَقْرَ وَ لَا جَبَانًا يُضَعِّفُكَ عَنِ الْأُمُورِ وَ لَا حَرِيصًا يُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجَوْرِ فَإِنَّ الْبُخْلَ وَ الْجُبْنَ وَ الْحِرْصَ غَرَائِزُ شَتَّى يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ</p>	<p>حضرت علی (ع)</p>	<p>۲۸</p>
<p>غرر و درر - جلد ۶ - ص ۲۷۰</p>	<p>در کارهایت با جاهل و نادان مشورت نکن</p>	<p>لَا تُشَاوِرَنَّ فِي أَمْرِكَ مَنْ يَجْهَلُ</p>	<p>حضرت علی (ع)</p>	<p>۲۹</p>
<p>غرر و درر ، جلد ۲ - ص ۲۳۶</p>	<p>با دشمن عاقل خود مشورت کن اما از رای دوست نادان خود حذر کن</p>	<p>إِسْتَشِيرْ عَدُوَّكَ الْعَاقِلَ وَ احْذَرْ رَأْيَ صَدِيقِكَ الْجَاهِلِ</p>	<p>حضرت علی (ع)</p>	<p>۳۰</p>

<p>۳۱</p>	<p>حضرت علی (ع)</p>	<p>مُشَاوَرَةَ الْجَاهِلِ الْمُشْفِقِ خَطَرَ</p>	<p>مشورت کردن با نادانان مهربان خطر است</p>	<p>غرر و درر - جلد ۶ - ص ۱۴۶</p>
<p>۳۲</p>	<p>حضرت علی (ع)</p>	<p>لَا تَشَاوِرْ عَدُوَّكَ وَاسْتَرَّهُ خَبْرَكَ</p>	<p>مشورت مکن با دشمن خود و پوشان از او خبر خود را</p>	<p>غرر و درر - جلد ۶ - ص ۱۶۹</p>
<p>۳۳</p>	<p>حضرت علی (ع)</p>	<p>اسْتَشِيرْ أَعْدَائِكَ تَعْرِفْ مَنْ رَأَيْتَهُمْ مَقْدَارَ عَدَاوَتِهِمْ وَ مَوَاقِعَ مَقَاصِدِهِمْ</p>	<p>با دشمنان خود مشورت کن تا نظر آنها و مقدار دشمنی آنها و اهداف ایشان را بشناسی .</p>	<p>غرر و درر - جلد ۲ - ص ۲۳۳</p>
<p>۳۴</p>	<p>حضرت علی (ع)</p>	<p>لَا تَسْتَشِيرِ الْكَذَّابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يَبْعِدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ</p>	<p>مشورت مکن با بسیار دروغگو پس به درستی که او مانند سراب نزدیک می گرداند بر تو دور را و دور می گرداند بر تو نزدیک را</p>	<p>غرر و درر - جلد ۲ - ص ۲۱۰</p>
<p>۳۵</p>	<p>امام جواد (ع)</p>	<p>أَنَّ الْمَشُورَةَ مُبَارِكَةٌ</p>	<p>مشورت با برکت است</p>	<p>تفسیر عیاشی - جلد ۱ - ص ۲۵۰</p>
<p>۳۶</p>	<p>حضرت علی (ع)</p>	<p>عِنْدَ كَثْرَةِ الْعِنَارِ وَالزَّلَّلِ تَكْثُرُ الْمَلَامَةُ</p>	<p>با زیاد شدن خطاها و لغزشها ملامتها زیاد می شود</p>	<p>غزرا الحکم</p>
<p>۳۷</p>	<p>حضرت علی (ع)</p>	<p>مَنْ ضَعَفَتْ آرَأُهُ قَوِيَتْ أَعْدَائُهُ</p>	<p>هر کس که نظراتش ضعیف شود دشمنانش قوت می گیرند</p>	<p>غزرا الحکم</p>

فِرَارِ الْحَكْمِ	لغزش رای حکومت را نابود می کند و هلاکت را اعلام می دارد	زَلَّةُ الرَّأْيِ تَأْتِي عَلَى الْمُلْكِ وَ تُوذَنُ بِالْهَلْكِ	حضرت علی (ع)	۳۸
فِرَارِ الْحَكْمِ	کسی که همواره در کارها مشورت می کند در صورت موفقیت قطعاً تمجید می شود و در صورت خطا و شکست ملامت نخواهد شد	مَنْ لَزِمَ الْمَشَاوِرَةَ لَمْ يَعْذِمْ عِنْدَ الصَّوَابِ مَادِحاً وَ عِنْدَ الْخَطَا عَازِراً	حضرت علی (ع)	۳۹
—	کسی که با برادر دینی خود مشورت نماید و او هر چه در اندیشه دارد بطور خالص در اختیارش قرار ندهد خداوند عز و جل رای و نظر او را خواهد گرفت	مَنْ اسْتَشَارَ أَخَاهُ فَلَمْ يَنْصَحْهُ مَخْضَ الرَّأْيِ سَلَبَهُ اللَّهُ عِزًّا وَ جَلَّ رَأْيُهُ	امام صادق (ع)	۴۰

شوراها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران :

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که با الهام از تعالیم الهی و با بهره مندی از مترقی ترین حقوق رایج بین الملل و توسط خبرگان و نخبگان تدوین شده یکی از پیشرفته ترین قوانین اساسی حاکم بر کشورهاست . این قانون شامل یک مقدمه ، ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل می باشد که از فصول ۱۲ گانه آن یک فصل (فصل هفتم) مختص شوراهاست که شامل اصول ۱۰۰ الی ۱۰۶ می باشد . علاوه از آن در اصول ششم و هفتم نیز که از اصول کلی قانون اساسی هستند بر اداره امور کشور به اتکای آرای عمومی و شوراها بعنوان ارکان تصمیم گیری تاکید شده است .

اصول شوراها که در قانون اساسی آمده است عیناً به شرح زیر نقل میشود :^۱

فصل اول - اصل ششم :

در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود ، از راه انتخابات ، انتخاب رئیس جمهور ، نمایندگان مجلس شورای ملی ، اعضای شوراها و نظائر اینها ، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد.

فصل اول - اصل هفتم :

طبق دستور قرآن کریم : « و امرهم شوری بینهم » و « شاورهم فی الامر » شوراها ، مجلس شورای ملی ، شورای استان ، شهرستان ، شهر ، محل ، بخش ، روستا و نظائر اینها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند . موارد ، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می کند .

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - فصل اول ، اصول ۶ و ۷ - فصل هفتم ، اصول ۱۰۰ الی ۱۰۶ .

فصل هفتم - اصل یکصدم :

برای پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی ، اقتصادی ، عمرانی ، بهداشتی ، فرهنگی ، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی ، اداره امور هر روستا ، بخش ، شهر ، شهرستان یا استان با نظارت شورائی بنام شورای ده ، بخش ، شهر ، شهرستان یا استان صورت می گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می کنند .

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهاى مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می کند .

فصل هفتم - اصل یکصد و یکم :

به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه های عمرانی و رفاهی استانها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها ، شورای عالی استانها مرکب از نمایندگان شوراهاى استانها تشکیل می شود .
نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می کند .

فصل هفتم - اصل یکصد و دوم :

شورای عالی استانها حق دارد در حدود وظایف خود طرحهائی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای ملی پیشنهاد کند . این طرحها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد .

فصل هفتم - اصل یکصد و سوم :

استانداران ، فرمانداران ، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند .

فصل هفتم - اصل یکصد و چهارم :

به منظور تامین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی ، صنعتی و کشاورزی ، شوراهائی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران ، و در واحدهای آموزشی ، اداری ، خدماتی ، و مانند اینها شوراهائی مرکب از نمایندگان اعضاء این واحدها تشکیل می شود .

چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین میکند .

فصل هفتم - اصل یکصد و پنجم :

تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد .

فصل هفتم - اصل یکصد و ششم :

انحلال شوراها جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست . مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین میکند .

شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند .

فصل دوم

اخلاق شورایی :

اسلام برای تمامی زوایای زندگی فردی و اجتماعی بشر برنامه تدوین نموده بلکه راهکار اجرایی نیز مشخص نموده و مهمتر اینکه برای هر کاری ، معیار و استاندارد تعیین و برای هر قشر و مسئولیتی الگویی تعریف نموده است . این معیارها و الگوها در آیات ، احادیث و روایات و سیره ائمه معصومین (ع) به صراحت مشخص است و برای هر یک از اعضاء جامعه اسلامی در هر سمت و منصب و گروه ، درجه ، طبقه و مقامی دقیقاً برایش الگویی تعیین شده که بایستی اخلاق ، رفتار و کردار خویش را با آن الگو سنجیده و حداقلامکان شبیه سازی و مطابقت نماید .

مثلاً برای زنان جامعه اسلامی الگوهایی همانند حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س) - برای دانشمندان و اساتید و پژوهشگران الگویی همچون امام صادق (ع) - برای سربازان جامعه الگوهایی همچون حضرت ابوالفضل العباس (ع) و حضرت علی اکبر (ع) - برای فرماندهان لشکری الگوهایی همچون مالک اشتر ، مقداد و حمزه - حربن ریاحی مظهر آزادگی و ... و برای مدیران جامعه از رده های پایین حکومتی تا بالاترین رده هرم حکومت الگوی روشن شیوه حکومت حضرت امیرالمومنین امام علی (ع) وجود دارد .

فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر که نمونه ای از شیوه های حکومتی علی گونه است نشان میدهد که حتی برای اموری مانند : خوردن - خوابیدن - استراحت - طرز صحبت کردن - چگونگی معاشرت - چگونگی نگاه کردن و چگونه نشستن مسئولین جامعه اسلامی هم ضوابطی تعیین شده است که همیشه به روز بوده و اجرای صحیح این شیوه و سیره ، موجبات رضایت مردم را که همان رضایت خداست فراهم خواهد نمود .

برای تبیین اخلاق شورایی مباحث زیادی مطرح می باشد ولی در این کتاب به منظور خلاصه گویی و جمع بندی مطالب به توصیه هایی از رسول اکرم (ص) و مولای متقیان اما علی (ع) و سایر ائمه هدی (ع) اشاره میشود که رعایت آنها بر تک تک اعضاء شوراهاى اسلامى از ضروریات است و چنانچه عضوی از جامعه شورایی کشور بخواهد مدیریت و عملکرد خود را بسنجد بایستی با ملاک هایی که ذیلاً ذکر میشوند خود را مورد سنجش قرار دهد .

۱ - مشورت بزرگترین پشتیبان است .

قال رسول الله:

أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ . بحار - ج ۷۷ - ص ۱۱۲
عالم ترین مردم کسی است که علم دیگران را به علم خود بیفزاید .

قال رسول الله:

أَفْضَلُ النَّاسِ رَأياً مَنْ لَا يَسْتَعْنِي عَنْ رَأْيِ مُشِيرٍ . غررالحکم
برترین مردم در رای و نظر ، کسی است که خود را بی نیاز از نظر مشاور نداند .

قال علی (ع):

« ... وَ لَا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوِرَةِ وَالْإِسْتِشَارَةَ عَيْنِ الْهَدْيَايَةِ »

هیچ پشتیبانی همچون مشورت نیست و مشورت عین هدایت است .

اساس شورا بر مشورت استوار است . یک عضو شورا در نظر خواهی ها و رأی گیری ها نبایستی فقط متکی به آموخته های خود باشد بلکه می بایست در تمام امور هر چند کوچک با متخصص مورد اعتماد آن امر مشورت نموده و سپس رأی خود را اعلام نماید . طبیعی است که یک عضو شورا به هیچ وجه نمی تواند در تمام مسایل حیطة اختیارات خویش تخصص داشته باشد از سوی دیگر باید در خصوص همان امور اظهار نظر نموده و رأی بدهد علی ایحال تنها با مشورت با افراد آگاه به آن امور خواهد

توانست رأی صحیح صادر نماید . حتی اگر نظرش مغایر با نظر افراد مطلع باشد بایستی از خود رأیی خودداری نموده و نظر افراد آگاه به مسئله را قبول نماید . مشورت بهترین پشتیبان یک عضو شورا است ، هر چقدر در امور محوله با افراد متخصص مشورت گردد به همان نسبت شورا به فلسفه وجودی خویش نزدیکتر خواهد شد .

۲ - خود رأیی یعنی هلاکت :

قال رسول الله... : أَمَقَّتْ النَّاسِ الْمَتَكَبِّرُ .

مبغوض ترین و منفورترین مردم کسی است که متکبر و خودخواه باشد.

بحار - ج ۷۷ - ص ۱۱۴

قال رسول الله... : شَرُّ النَّاسِ مَنْ أَكْرَمَهُ النَّاسُ إِتْقَاءَ شَرِّهِمْ فَفَصَّاحُ

بدترین مردم کسی است که مردم از ترس شرش او را گرامی بدارند .

قال علی (ع) : « مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ ، وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا »

حکمت ۱۶۱

“ هر کس خودرأی شد به هلاکت رسید و هر کس با دیگران مشورت کرد در عقل

های آنان شریک شد “

این کلام از امیرالمومنین علی (ع) است همان شخصیتی که وصی و جانشین نبی

است ، همان اسدالهی که برق ذوالفقار او عمق لشکر کافران را می درید اما وقتی به

حکومت می رسد و امام و مقتدای مسلمین میشود روش حکومتی خویش را نظام مردم

سالاری دینی مبتنی بر اصل شورایی ، مشارکتی و مردمی بر می گزیند .

علی همان ابرمردی که جهان هستی به وجودش می بالد ، علی همان انسانی که

باب علم است و تمام علوم هستی را می داند علیرغم آن ، از کارهای منزل خویش تا

امورات مهم مملکتی همه را با مشورت انجام میدهد . آیا سزاست که بقیه انسانها که

حتی تار موئی از علم او را ندارند خودرأی شده و از مشورت بی نیاز باشند ؟

۳ - استقبال از تمام افکار

قال علی (ع) : " مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْارَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا " حکمت ۱۷۳
 « هر کس که از افکار و آرای گوناگون استقبال کند ، صحیح را از خطا خوب شناسد »

یکی از اصول شورا آن است که از طریق مشورت ، تمام آرا و افکار را صرف نظر از درست و یا غلط بودن آنها ، شناخته و مورد بررسی قرار داد تا از بین این افکار ، بهترین و صحیح ترین آنها انتخاب و به مورد اجرا گذاشته شود .

در بطن موضوع استقبال از افکار ، احترام به افکار و عقاید مختلف نیز مستتر است ، خصوصاً در جلسات شورا در مواقع بحث ، مذاکره ، تصمیم گیری و رای گیری هر دو طرف مخالف و موافق می باید برای چند لحظه هم که شده خود را به جای طرف مقابل گذاشته و موضوع را از آن سوی سگه نیز بررسی نماید و بعد از اتخاذ تصمیم و تصویب نهایی یک موضوع ، افراد مخالف نیز بایستی به آن تن در دهند ، در غیر این صورت اجرای مصوبات شورا عملاً غیر ممکن خواهد بود .

۴ - لجاجت نکن

رسول خدا می فرماید : از لجاجت بپرهیزید که انگیزه آن نادانی و حاصل آن پشیمانی است^۱

قال علی (ع) : " اَللَّجَاةُ تَسَلُّ الرَّأْيَ " حکمت ۱۷۹

" لجاجت تدبیر را سست می کند "

جمعی را در نظر بگیرید که هر تک تک آنها بر اندوخته فکری و خصائص و درک خود از موضوعات باقی باشند و حاضر نشوند نظر دیگران را شنیده و یا بدان عمل نمایند به بیان دیگر جمعی که یکایک افراد بر نظرات شخصی خود اصرار ورزند آیا در اینصورت هیچ وفاقی صورت خواهد پذیرفت ؟ مسلماً خیر .

نظام شورایی آن است که افراد به نفع یکدیگر از خواسته های شخصی و درونی خویش صرف نظر نمایند بدین ترتیب که با اصول رایج در نظام جمعی از نظرات خویش دفاع نمایند این دفاع باید تا جایی ادامه یابد که نظری بالاتر از نظر او مطرح نشود چنانچه طرحی یا سخنی برتر از نظر او مطرح شود بهتر است اطاعت کند ، و یا اگر امکان تشخیص نظرات برتر وجود نداشته باشد بهترین راه حل تعیین تعداد و کثرت نظرات است هر کدام رأی بیشتری آورد باید از آن اطاعت شود . اگر شخصی در نظر خود باقی باشد و علیرغم نظر اکثریت ، از آن اطاعت نکند از نظر اخلاقی نبایستی اقدام به جو سازی - متشنج نمودن اوضاع و اقدامات تخریبی نماید بلکه بهتر آن است که از طریقی که قانون مشخص نموده پیگیر طرح خود باشد تا با ارائه لوایح بعدی موضوع را از مجاری قانونی و بر اساس اصول منطق با یکایک مخالفین بحث و تبادل نظر نماید .

۵ - اختلاف نابود کننده اندیشه است .

قال رسول الله...: أَوْزَعُ النَّاسِ مِنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كَانَ مُحِقًّا . بحار - ج ۷۷ - ص

۱۱۲

پارساترین مردم کسی است که جدال و درگیری را ترک کند هر چند که حق با او باشد .

قال علی (ع) : " اَلْخِلَافُ يَهْدِمُ الرَّأْيَ " حکمت ۲۱۵

" اختلاف نابود کننده اندیشه است ."

در طول تاریخ زندگی بشری هر موقع بین اعضاء جامعه انسانی اختلاف بزرگی پدید آمده است نهایتاً به قتل ، خونریزی ، جنگها ، لشگرکشیها و کشور گشایی انجامیده و نتیجه آن توقف طویل المدت عقربه های ساعت پیشرفت ، توسعه و کمال بشریت بوده است . نمونه آنها عبارتند از : کشورگشایی های قبل و بعد از تاریخ - جنگهای بین المللی و جهانی - جنگهای داخلی کشورها و در سطح کوچک : خونریزیهای قبیله ای و طایفه ای - رقابت منفی بین دو شهر یا دو روستا - که عاقبت آنها نیز موجب عقب ماندن هر دو طرف از قافله پیشرفت بوده است و در مقیاس خردتر: اختلافات خانوادگی - اختلاف بین دو یا چند همکار و یا اختلاف بین زن و

شوهر که علاوه بر وارد شدن صدمات روحی و روانی به طرفین ، آثار زیانباری نیز در حال و آینده آنها باقی می گذارد که جبران آن مشکل و گاهاً غیر ممکن می نماید .

اعضاء یک شورا به مثابه اعضاء یک خانواده هستند چنانچه اختلاف سلیقه ها (که امری طبیعی هستند) به اختلافات پایدار بیانجامد نتیجه آن عقب ماندن امورات حوزه فعالیت آن شورا نسبت به سایر شوراها خواهد بود . اختلاف هم از آنجا ناشی میشود که یکی از طرفین برخواسته و نظر شخصی یا گروهی خویش اصرار ورزد و راه برخورد منطقی و چگونگی حل مشکل را نداند در اینصورت اختلافات کوچک با چاشنی هایی از قبیل لجاجت ، حسادت و استبداد رای مخلوط شده و سم مهلکی بنام تفرقه را تولید می نماید که آفت مضرّی برای اندیشه بوده و نوآوری ، ابتکار ، خلاقیت و توسعه را متوقف می نماید .

۶ - حسادت موقوف :

قال علی (ع):

“ حَسَدُ الصَّدِيقِ مِنْ سَقَمِ الْمَوَدَّةِ ” حکمت ۲۱۸
 “ حسادت بر دوست ، از آفات دوستی است . ”

قال علی (ع) :

“ صِحَّةُ الْجَسَدِ ، مِنْ قِلَّةِ الْحَسَدِ . ” حکمت ۲۵۶
 “ سلامت تن در دوری از حسادت است . ”

قال علی (ع) :

أَشَقَى النَّاسِ مَنْ بَاعَ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ . غررالحکم
 “ بدبخت ترین مردم کسی است که دینش را به دنیای دیگری بفروشد . ”

حسد آتشی است که بر هر خرمنی که بیافتد آن را خاکستر می نماید . ضرب المثلی است که میگوید :

“ حسود هرگز نیاسود ” . حسادت یک خصلت بسیار زشت و نازیباست که موجب از هم گسستگی پیمانهای دوستی و همکاری می گردد . کار شورایی و گروهی

مستلزم رعایت موقعیت تمام اعضاء میباشد چنانچه در یک گروه یا در یک شورا ، یک نفر تمام مناصب را به خود اختصاص دهد و دیگران را از دست یافتن به آنها باز دارد . مطمئناً با دست خویش تخم حسادت را در دل دوستانش می کارد . و نیز چنانچه عده ای از اعضاء ، تمام مناصب و موقعیتها را به خود اختصاص دهند و بقیه را محروم از آن نمایند مطمئناً در اینصورت هم حسادت شروع به رشد خواهد نمود .

برای نابودی حسادت ۲ شیوه لازم است اول پیش گیری : با تشریک مساعی و احترام به سایرین و تقسیم عادلانه امور از تولد حسادت پیش گیری می گردد . دوم درمان : در صورتی که موفق به پیش گیری نشویم بایستی درمان را شروع کرد که مراحل آن مختلف بوده و نسبت به هر مورد متفاوت است .

۱- ارتباط نزدیک و مذاکره با کسانی که در معرض حسادت قرار دارند .

۲- پنهان نمودن یا کم جلوه نمودن موفقیت ها و موقعیت های خود نزد سایرین.

۳- از مطرح شدن خویش بیش از حد متعارف پرهیز شود .

۴- مهیا نمودن موقعیت برای کسب موفقیت سایرین .

در خصوص حسادت به مبحثی از کتاب “ انسان کامل ” نوشته استاد شهید مرتضی مطهری اشاره میشود :

“ از نظر روان شناسی ، محرومیتها منشاء بیماریهای روانی هستند ... آدم حسود وقتی خیر و نعمتی در دیگران ببیند همه آرزویش این است که از او سلب نعمت شود . در حالی که انسان سالم “ غبطه “ دارد نه “ حسد “ .

اگر کسی همیشه در این اندیشه است که دیگری عقب بیفتد بیمار است ، مریض است و مرض او حسادت است حتی گاهاً بیماری حسادت نوعی پیشرفت می کند که آدم حسود حاضر میشود به خودش صد در صد ضربه زند تا رقیب او پنجاه درصد آسیب ببیند .^۱ “ مثل آن شخصی که غلامی اختیار کرد و به او خدمت نمود و سپس به او مبالغ زیادی پول پیشنهاد کرد تا غلام او را در پشت بام همسایه سر ببرد . وقتی غلام

علت را جویا شد آن مرد گفت : این همسایه رقیب من است و من حاضرم سرم را در پشت بام او از تنم جدا نمایند تا او متهم شده و به زندان بیافتد بلکه روح من آرام گیرد. وقتی غلام بی فکری صاحبش را دید او را سر برید و پولها را برداشت و رفت اما مردم گفتند اگر همسایه قاتل است پس چرا در پشت بام خویش این کار را کرده ؟ و موقع محاکمه همسایه ، غلام در اثر عذاب وجدان به قاضی مراجعه و حقیقت را می گوید و هر دو آزاد میشوند . آری چنین است که حسود خود را تباه می کند .^۱

۷ - پرهیز از دورویی و دروغ :

قال رسول الله...:

أَقَلُّ النَّاسِ مُرُوءَةً مَنْ كَانَ كَاذِبًا . بحار - ج ۷۷ - ص ۱۱۲
ناجوانمردترین مردم کسی است که دروغگو باشد .

قال علی (ع) :

“اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ ...” حکمت ۲۷۶

“ خدایا به تو پناه می برم که ظاهر من در برابر دیده ها نیکو ، و درونم در آنچه که از تو پنهان می دارم زشت باشد ، و بخواهم با اعمال و رفتاری که تو از آن آگاهی ، توجه مردم را به خود جلب نمایم و چهره ظاهرم را زیبا نشان داده با اعمال نادرستی که درونم را زشت کرده به سوی تو آیم تا به بندگان نزدیک ، و از خوشنودی تو دور گردم .”

امیر مؤمنان علی (ع) از دورویی به خدا پناه می برد و از ایزد منان عاجزانه می خواهد که ظاهر و باطن او را یکی گرداند . اما در جامعه کنونی ، مرز دورویی گسسته و افرادی هستند که هزار چهرگی را پیشه نموده اند یعنی در هر موقعیت و در هر مکان و زمانی ظاهرشان را تغییر می دهند و اصطلاحاً تابع اصل “بادیسم” هستند باد به هر طرف که بوزد به همان سو می روند با این تفاوت که باد از چهار سمت می وزد ولی اینان به چهار صد سمت رو می کنند .

۸ - رعایت تقوا :

قال رسول الله... : أَكْرَمُ النَّاسِ أَتْقَاهُمْ . بحار - ج ۷۷ - ص ۱۱۲

گرامی ترین مردم کسی است که باتقواترین باشد .

قال رسول الله... :

أَتَقَى النَّاسِ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِيمَالَهُ وَعَلَيْهِ . بحار - ج ۷۷ - ص ۱۱۴

باتقواترین مردم کسی است که حق را بگوید ، چه به نفعتش باشد چه به

ضررش .

قال علی (ع) :

« التَّقَى رَأْسُ الْأَخْلَاقِ . » حکمت ۴۱۰

« تقوا در رأس همهٔ ارزشهای اخلاقی است »

در تعالیم اسلامی ، انسانها با هم برابرند و هیچ کس امتیازی نسبت به دیگری ندارد مگر به تقوا . پیامبر اکرم اسلام می فرماید : « همانا گرامی ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست » « إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَنَا... أَتَقِيكُمْ » .

پیشه نمودن تقوا یعنی پرهیز نمودن از همهٔ بدیها ، دروغ ها ، تهمت ها ، حسادت ها ، غرور و سایر اخلاقیات ناپسند .

عضو شورا به جهت مسئولیتی که دارد در معرض خطرات ، تهدیدها و خواهش های نفسانی است و به لحاظ موقعیتی که دارد همیشه در محاصرهٔ اخلاقیات بد می باشد تنها سلاحی که میتواند انسان را در مقابل حملات نفسانی و اخلاقی حفظ نماید همان سلاح تقواست .

چگونگی دست یافتن به تقوا و حفظ آن ، در تعالیم اسلامی ، آیات ، احادیث و کتب مختلف آمده است ولی آنها همه جنبه تذکر و آموزشی دارند آنچه مهم است این است که انسان دل خود را صیقل دهد و رشته ارتباط معنوی خویش را با ایزد توانا برقرار نماید و برای رسیدن به آن هدف ابزار و وسایل و برنامه های متعددی وجود

دارد که هر فرد بسته به موقعیت ، استعداد و توان خویش باید یکی را انتخاب و طی مسیر نماید .

امام علی (ع) می فرماید :

“... وَ أَشَدُّ مِنْ مَرَضِ الْبَدَنِ مَرَضُ الْقَلْبِ . أَلَا وَ إِنَّ مِنْ صِحَّةِ الْبَدَنِ تَقْوَى الْقَلْبِ
حکمت ۳۸۸

“ ... سخت تر از بیماری تن بیماری دل است . آگاه باشید که همانا عامل ندرستی تن ، تقوای دل است .

۹ - وقت طلاست :

قال علی (ع) :

“كُلُّ مُعَاجِلٍ يَسْأَلُ الْأَنْظَارَ ، وَ كُلُّ مُؤَجَّلٍ يَتَعَلَّلُ بِالتَّسْوِيفِ . “

“ آنان که وقتشان پایان یافته خواستار مهلتند ، و آنان که مهلت دارند کوتاهی می ورزند “ حکمت ۲۸۵

حکمت فوق به روشنی ضرورت استفاده از فرصت ها را بیان می نماید . همه مسئولیت ها یک نقطه شروع و نیز یک نقطه پایان دارند ، تعلل و کوتاهی در دوران مسئولیت آثار زیانباری به حوزه مسئولیت خواهد داشت .

بهترین اقدام جهت استفاده بهینه از وقت ، عبارت است از برنامه ریزی دقیق و حساب شده در ابتدای هر طرح ، پروژه یا موضوع تحت مسئولیت و تهیه برنامه زمان بندی و رعایت جدول زمان بندی انجام امورات می باشد . یکی از عمده ترین وظایف و اختیارات شوراها ، کنترل و نظارت بر چگونگی انجام پروژه های فنی یا غیر فنی تحت مسئولیتشان می باشد .

الف) چه بسیار پروژه های بزرگ ، وقت بر ، نیرو بر ، هزینه بر و سنگین که علیرغم هزینه نمودن بودجه کلان متاسفانه مورد خوش آیند شهروندان قرار نگرفته است و علت آن تاخیرهای مکرر در اجرای پروژه و نیمه تمام ماندن آن مدتهای مدید است . اگر هدف جلب رضایت مردم است بایستی برای هر پروژه و طرح یک ظرف زمانی مناسب تعریف نموده تا مطابق آن عمل گردد و از آن ظرف عدول نشود . به بیان دیگر

زمانی که یک پروژه با توقف های طولانی و مکرر روبرو میشود از میزان مطلوبیت آن نزد افکار عمومی کاسته میشود .

بطور مثال : فرض کنید قسمتی از یک خیابان دارای ترافیک (پر رفت و آمد) بصورت عرضی حفاری شده و سپس با خاک پر شود . اگر همان روز لکه گیری و آسفالت گردد مطلوبیت آن عالی خواهد بود چنانچه روز بعد آسفالت گردد مطلوبیت خوب است دو روز بعد مطلوبیت ضعیف و یک هفته بعد مطلوبیتی ندارد و با گذشت روزهای بعد حتی اگر محل مذکور را با آلیاژهایی از طلا و نقره لکه گیری و اصلاح نمایند باز هم مطلوبیتی نخواهد داشت . با تاخیر در اصلاح و ترمیم محل مذکور هر لحظه تعداد بیشتری از شهروندان از وضعیت بوجود آمده رنجیده خاطر میشوند و علل رنجش شهروندان عبارت است از : بوجود آمدن دست انداز و افتادن وسائط نقلیه و آسیب های جانی و مالی - حرکت کند وسائط نقلیه در محل مذکور و بروز ترافیک سنگین - ترمزهای ناگهانی و تصادفات پشت سر آن - افزایش استهلاک وسائط نقلیه و آثار روحی و روانی موارد مذکور .

آذری زبانها ضرب المثل خوبی دارند : “ سفره گشوده نشده یک عیب دارد ولی سفره گشوده شده هزار عیب ” به بیان دیگر یا باید پروژه ای را شروع نکنیم و یا اینکه در ظرف زمانی مناسبی به پایان برسانیم .

ب (دوران مسئولیت ظرف زمانی محدودی دارد - ضربان قلب انسان مانند همداری است که گذشت بی وقفه زمان را گوشزد می نماید اکنون که “ ابرو باد و مه و خورشید و فلک ” همگی دست به دست هم داده اند و تو را در منسبی از مناسب قرار داده اند دیگر جای تعللی نمانده چرا که تضمینی برای فردا نیست و بایستی امروز و همین ساعت در ادای وظیفه محوله اقدام کنی .

خداوند سبحان در آیه آخر سوره تکاثر می فرماید : “ ثُمَّ لَتَسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ” . یعنی در روز قیامت از نعمتهایی که به انسان داده شده است سوال خواهد شد. عضویت در شوراهای اسلامی با رای مستقیم مردم یک نعمت و موهبت با ارزش است . در مقابل سوالات زیر در روز قیامت چه پاسخی داریم؟

- ۱ - فلانی تو که چهار سال در نهاد تصمیم گیری و نظارتی شهر و دیار خویش مسئول بودی چه کرده ای؟
- ۲ - چه ها می توانستی بکنی که نکردی؟
- ۳ - نحوه برخورد تو با این مسئولیت (موهبت الهی) چگونه بود؟
- ۴ - چه فرصتهایی را از دست داده ای؟
- امید آن که فرصت های باقیمانده از عمر و مسئولیت خود را در جهت تعالی انسانها بهره مند شویم . مولایمان علی (ع) می فرماید که فرصت ها مانند ابرهای بالای سرمان هستند که بی وقفه در حرکتند می گذرند و باز نمی گردند .
- ضرب المثل دیگری می گوید : آب رفته دیگر به جوی باز نمی گردد .
- “ بر لب جوی نشین و گذر عمر ببین ”

۱۰ - فرازهایی از الگوی انسان کامل :

- امام علی (ع) در یکی از حکمت های نهج البلاغه فرازهایی از الگوی انسان کامل را به شرح زیر بیان می فرماید :
- “ آن کس که در عیب خود بنگرد ، از عیب جویی دیگران باز ماند .
 - کسی که به روزی خدا خشنود باشد بر آنچه از دست رود اندوهگین نباشد .
 - کسی که شمشیر ستم برکشد با آن کشته شود .
 - هر کس خود را در گردابه های بلا افکند غرق گردد .
 - هر کس به جاهای بدنام قدم گذاشت متهم گردد .
 - کسی که زیاد سخن گوید زیاد هم اشتباه دارد و هر کس که اشتباه بسیار کرد ، شرم و حیاء او اندک است ، و هر آن که شرم او اندک ، پرهیزکاری او نیز اندک خواهد بود و هر کس که پرهیزکاری او اندک است دلش مرده ، و هر کس دلش مرده باشد در آتش جهنم سقوط خواهد کرد .
 - آن کس که زشتی های مردم را بنگرد و آن را زشت بشمارد سپس همان زشتی ها را مرتکب شود پس او احمق واقعی است .
 - قناعت مالی است که پایان نیابد .

– آن کس که فراوان به یاد مرگ باشد در دنیا به اندک چیزی خوشنود است .
– و هر کس بداند که گفتار او نیز از اعمال او به حساب می آید جز به ضرورت سخن نگوید . “

“ نهج البلاغه – حکمت ۳۴۹ “

۱۱ – ضرورت عمل گرایی :

قال رسول الله... :

خَيْرَ النَّاسِ مَنْ اَنْتَفَعَ بِهِنَّ النَّاسُ .

بهترین مردم کسی است که مردم از او بهره مند گردند . بحار – ج ۷۷ – ص ۱۱۴

قال علی (ع) :

“ مَنْ اِبْطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ ، ... “ حکمت ۳۸۹ “

مَنْ فَاتَهُ حَسَبٌ نَفْسِهِ لَمْ يَنْفَعَهُ حَسَبُ اَبَائِهِ . “

“ آن کس که کردارش او را به جایی نرساند ، بزرگی خاندانش ، او را به پیش نخواهد راند ...

آن کس که ارزش خویش را از دست بدهد ، بزرگی خاندانش او را سودی نخواهد رساند . “

چه بسیار کسانی که از خاندانی بزرگ و معروف به مقامی انتخاب میشوند ولی بدلیل ضعف در عملکرد ، هم خود شکست خورده و هم اعتبار خاندانش را تضعیف می کند و بالعکس چه بسیار کسانی که از طبقات پایین و ناشناس اجتماعی در مسئولیت محوله خویش با اتکا به عمل گرایی ، هم خود موفق شده و هم مایه افتخار اطرافیان و حتی دیگران شده اند . اینکه گفته شود برخی انسانها ذاتاً عمل گرا نیستند غلط است چرا که در جوهره بشر است و هر انسانی ذاتاً عمل گراست ولی آنچه مهم است زمینه عمل و یا رشته فعالیت است . هر شخص ، میزان توانایی و استعداد و علاقمندی خود را بهتر از دیگران می شناسد . عاقل آن است که مسئولیتی را بپذیرد که توان عمل به آن را داشته باشد و استعداد ، هنر و توانایی مدیریت را در خویش ببیند . اتکا به القاب و عناوین دولتی یا اجتماعی و یا خانوادگی ، راهکار اجرای وظایف محوله نیست بلکه

می توانند فقط بعنوان چاشنی مسئولیت تلقی شوند. در جوامعی که سیستم های پیشرفته مدیریتی وجود ندارد، اعطا مسئولیت و قبول آن بسیار ساده است و بدون مطالعه لازم و کافی و با معیارهای نامناسب صورت می پذیرد به همین علت اکثر مسئولان در جایگاه واقعی خویش قرار نداشته و آنکه سیاست می داند در اقتصاد مسئول میشود و آنکه بازرگانی نمی داند در بازار مسئول میشود، و بدین ترتیب هم نیروها ضایع میشوند و هم قافله پیشرفت کشور بارها متوقف شده و یا راه کج می نماید. پس جهت رسیدن به عمل گرایی واقعی باید به خود برگردیم و خودمان را کشف کنیم و آن مسئولیتی که با درونمان، فکرمان، توان بالقوه و بالفعل مان سازگار نیست آن را قبول نکنیم چرا که مایه تحقیر خودمان خواهد شد. خوشبختانه در مدیریت شهری و وظایف شوراها اسلامی، زمینه های فعالیت زیادند. سعی شود مسئولیت به نوعی تقسیم شود که با تجارب، تحصیلات، استعداد و توانایی های افراد منطبق باشد تا مجموعه مدیریت شهری به عمل گرایی برسد.

۱۲ - هماهنگی با آداب و رسوم مردم :

قال علی (ع) : "مُقَارَبَةُ النَّاسِ فِي اخْلَاقِهِمْ اَمْنٌ مِنْ غَوَائِلِهِمْ" "حکمت ۴۰۱"
 "هماهنگی در اخلاق و رسوم مردم، ایمن ماندن از دشمنان و کینه های آنان است"

قال رسول الله... : "أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ". "بحار - ج ۷۷ - ص ۱۱۴"

عاقلمترین مردم کسی است که بیشتر و بهتر با مردم مدارا کند.

قال رسول الله... : "أَفْضَلُ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا". "بحار - ج ۷۷ - ص ۱۱۲"
 برترین مردم از نظر ایمان کسی است که دارای خلق و خوی نیکوتری باشد.

قال رسول الله... : "أَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ". "بحار - جلد ۷۷ - ص ۱۱۲"

ذلیل ترین مردم کسی است که مردم را خوار و سبک شمارد.

قال رسول الله... : "أَشْكُرُّ النَّاسَ إِشْكْرَهُمْ لِلنَّاسِ". نهج الفصاحه

شکرگزارترین مردم کسی است که نسبت به مردم سپاسگزارتر باشد.

۱۳ - ایده آل ترین منشور حکومتی اسلام :

هر حکومتی در جهان نیازمند خط مشی ، اسلوب ، چارچوب و به بیان دیگر منشوری است که باید ها و نبایدها را مشخص می کند این منشور بعنوان میزان و مقیاس زمامداران بوده و هر یک باید خود را با آن تطبیق دهند .

شوراها نیز نوعی حکومت محلی هستند که زیر مجموعه ای از حکومت مرکزی بوده و طبعاً منشور حکومت مرکزی ، منشور حکومت محلی نیز خواهد بود . برای یک حکومت اسلامی ، ایده آل ترین منشوری که با صراحت و بلاغت بی نظیر تا بحال ، تدوین گردیده ، منشوری است که مولای متقیان علی (ع) در قالب فرمان خویش به مالک اشتر نخعی در سال ۳۸ ه . ق تدوین نموده اند .

نامه ۵۳ نهج البلاغه حاوی خطوط روشنی است که طرز حرکت و نحوه زمامداری را برای هر کسی که در جامعه اسلامی (و حتی جامعه انسانی غیر اسلامی) مسئولیتی دارد مشخص می نماید .

و بر هر شخص مسلمانی که بر مرتبه ای از مسئولیت خصوصاً مسئولیتهای اجتماعی قرار دارد ، این فرمان را سیره خود سازد .

آنچه در این فرمان آمده فهرست وار به شرح زیر است که خواندن و عمل به آن به تمام اعضا شوراهای اسلامی بعنوان یک خط مشی توصیه میشود :

- ۱ - ضرورت خودسازی .
- ۲ - روش برخورد با مردم .
- ۳ - پرهیز از غرور و خودپسندی .
- ۴ - مردم گرایی و حق گرایی .
- ۵ - ضرورت رازداری .
- ۶ - جایگاه مشورت .
- ۷ - اصول روابط اجتماعی .
- ۸ - شناخت اقشار گوناگون اجتماعی .

- نظامیان

- قضات و داوران

- کارگزاران حکومتی
- مالیات دهندگان
- نویسندگان
- بازرگانان و صاحبان صنایع
- محرومان و مستضعفان
- ۹- اخلاق زمامداران .
- ۱۰- روش برخورد با خویشاوندان .
- ۱۱- روش برخورد با دشمن .
- ۱۲- هشدارها و تذکرات
- خون ناحق
- خودپسندی
- منت گذاری
- شتابزدگی
- امتیاز خواهی

فصل سوم

تاریخچه نظام شورایی :

علم و دانش و تکنولوژی بشر تاکنون بدین نکته دست یافته است که خلقت جهان هستی به میلیاردها سال پیش بر میگردد و پیدایش کره خاکی حدود سیصد میلیون سال پیش و اولین انسانها متعلق به حدود سی هزار سال پیش می باشند .

خداوند سبحان ، نظام خلقت را بر مبنای مشارکت بنا نهاده است . ذات پاک باریتعالی ، یگانه و واحد است اما سیستمی که برای مخلوقات در نظر گرفته یک سیستم مشارکتی است تا جائیکه خود مخلوقات نیز در پروسه جهان هستی نقشهایی را بر عهده گرفته اند . موضوع جبر و اختیار نیز نشانگر نقش انسان در پروسه خلقت است بطوریکه انسان نیز در مسند خالق قرار گرفته و پدیده هایی را خلق می نماید با این تفاوت که این خالق خود مخلوق است . به بیان دیگر ، جهان هستی از یک سیستم باز پیروی می کند و مجموعه ای از مخلوقات مشارکت می نمایند تا مخلوق جدیدی پدید آید و میلیون ها چرخه طبیعی با همکاری یکدیگر ادامه می یابند .

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری

خداوند متعال علاوه بر گنجاندن مشارکت در طبیعت جماد و نبات و حیوان ، در زندگی انسانی هم سیستم مشارکت را بطور طبیعی پیش بینی نموده است بطوریکه با مطالعه تاریخ انسان ، مشاهده میشود که انسانها همواره به سوی زندگی اجتماعی ، همکاری متقابل و مشارکت در زندگی گام برداشته اند و به همین لحاظ گفته اند که انسان موجودی است اجتماعی .

انسانهای اولیه که بصورت پراکنده با یک زندگی شبه حیوانی روزگار می گذراندند برحسب شرایط غریزی و محیطی، زندگی در غارها را در گروههای دسته جمعی انتخاب نمودند و با همکاری یکدیگر شکار نموده و یک تقسیم کار ابتدایی بین گروه داشتند سپس گروههای انسانی به کنار جلگه ها و رودخانه ها کشیده شده و رفته رفته زندگی اجتماعی انسان شکل گرفته و جوامع انسانی در قالب قبایل، روستاها، شهرها، قلمروها و کشورها بوجود آمدند.

انسان در طول حیات خویش هیچگاه از هدایت الهی بی بهره نبوده و در تمام اعصار از طریق پیامبران مبعوث شده از جانب خداوند متعال و کتب آسمانی، مورد راهنمایی قرار گرفته است.

از آدم صفی ا... تا محمد نبی ا... تعداد ۱۲۴ هزار نفر پیام آور و مبلغ شریعت ها و ادیان آسمانی بوده اند و همواره مردم را به یکتا پرستی دعوت نموده و اصول زندگی انسانی را به انسانها تعلیم داده اند تمام این ادیان، زندگی اجتماعی را با محوریت مردم، آزادی و رعایت حقوق دیگران آموزش داده اند و به غیر از وحی الهی در بقیه امور با مردم مشورت می نمودند.

دلیل عمده مشورت پیامبران و اولیاء خدا با مردم، آموزش مردم به همکاری و همفکری با یکدیگر می باشد تا نشان دهند حتی انسانهای برگزیده که با منبع وحی در ارتباطند و در زمان خویش نسبت به سایر مردم از برتری فکری و اندیشه برخوردارند و به نوعی از مشورت بی نیاز هستند باز هم جهت فرهنگ سازی و نشان دادن ارزش و اهمیت موضوع، ابتداء خودشان راساً در امورات مشورت می نمودند سپس مردم را تشویق و ترغیب به مشورت می نمودند یعنی هم بصورت کلامی اهمیت موضوع مشورت را تبیین می نمودند و هم عملاً با انجام این کار، مردم را به این مسیر هدایت می کردند. البته بسیاری از امورات دیگر هم همینگونه بود مثلاً هیچ یک از پیامبران نیازی به سلام گفتن از سوی مردم نداشتند و اگر هیچ کس به آنها سلام نمی گفت و اگر سنگ هم بر سرشان می زدند باز هم از رسالت خویش دست بردار نبودند ولی با اینحال

همیشه در سلام کردن به دیگران سبقت گرفته و حتی برای کودکان و ضعفا و فقرا نیز ، پیش از خود آنها ، سلام می گفتند و این بر میگردد به همان موضوع بستر سازی فرهنگی و هدایت عملی مردم . با مطالعه سیره و رفتار انبیاء به این نتیجه می رسیم که تمام انبیاء مشورت با مردم را در رئوس برنامه های خویش قرار داده و حتی شکست های حاصل از برخی مشورت ها را شیرین میدانند . اهمیت مشورت به حدی است که حتی حضرت سلیمان (ع) با حیوانات و سایر پدیده های طبیعی نیز مشورت می نمودند . در مقابل هر پیامبری ، طاغوتی ظالم بود که بزرگترین مشخصه این طاغوتها ، استبداد و خودرایی ، تکبر ، خود محوری و حذف نمودن مردم از محوریت جامعه بود .

در بررسی تمدنهای ما قبل تاریخ و ما بعد آن در جهان ، هر کجا که نشانی از تمدن می یابیم در کنار آن تلالو اندیشه های مختلف و بروز و شکوفایی استعداد های مختلف را می یابیم و تلالو اندیشه ها لازمه اش وجود محیطی مشاوره ای و مشارکتی می باشد و بهترین تمدن ها ، آنهایی بودند که مردم را بیشتر از سایرین عزیز داشته و آنها را در تصمیم گیری های مهم جامعه دخالت داده اند .

اسلام بعنوان آخرین دین الهی ، در باب مشاوره و مشورت سنگ تمام گذاشته و اصول ، ضوابط و شرایط آن را نیز مشخص نموده است . بررسی رفتار هر یک از معصومین (ع) (که صد البته منطبق با گفتارشان می باشد) به روشنی اهمیت مشورت را نشان میدهد بطوریکه اسلام را میتوان مشارکتی ترین و مردمی ترین دین الهی دانست ، وقتی مردم تشخیص میدهند که “ باب علم “ باید ۲۵ سال در خانه نشسته یا باغبانی نماید ، علی (ع) تسلیم نظر مردم میشود و زمانی که همین مردم بعد از ۲۵ سال به درب منزلش آمده و او را به حکومت انتخاب می نمایند باز هم به نظر مردم ارزش قائل شده و تسلیم نظر جمع میشود و مسندی را می پذیرد که به اندازه آب دماغ یک بز برایش ارزش نداشت .

در واقع علی (ع) ، مسند را نمی پذیرد بلکه مطابق نظر مردم عمل می کند .
 علی (ع) ۱۴۰۰ سال پیش با این کار ، اعتقاد خود را به جمهوریت عملاً ثابت نمود چرا
 که اسلام به او آموزش داده بود که مردمی باشد .

سیر کلاسیک جمهوریت :

شاید به جرات بتوان گفت که افلاتون (افلاطون) (فیلسوف یونانی ۴۲۷ - ۳۴۷ قبل از میلاد) اولین کسی بود که بحث جمهوریت را بطور کلاسیک مطرح نموده و اثری نیز به همین نام به یادگار گذاشته است این فیلسوف بزرگ در کتاب جمهوریت خویش اولین تئوری های مربوط به کشورداری ، مردم داری و حکومت را ارائه نموده است .
 ارسطو (ارسطاطالیس) (فیلسوف یونانی ۳۲۲ - ۳۸۴ پیش از میلاد) که او را شاگرد افلاطون نامیده اند و ملقب به معلم اول است در زمینه سیاست نظریاتی مکتوب نموده و عقیده داشت حکومتها به ۳ دسته تقسیم میشوند : ۱ - آریستوکراسی (حکومت طبقه اعیان و اشراف) ۲ - سلطنتی (حکومت خانوادگی) ۳ - دموکراسی^۱ (حکومت مردم بر مردم) و در نوشته های خویش ، مشخصات هر یک را به تفصیل بیان نموده اند .

ابو نصر محمد فارابی (فیلسوف اسلامی ۲۶۰ - ۳۳۹ هجری) ملقب به معلم ثانی که در علوم حکمت ، فلسفه ، ریاضی ، نجوم ، طب و موسیقی مهارت داشته در آثار خویش از جمله “ اهل المدینه الفاضله ” همانند افلاطون به جامعه آرمانی می اندیشد و خصوصیات یک جامعه ایده آل و مدینه فاضله را بر میشمرد .

گرچه افلاطون این تئوریهها را قرنهای قبل از میلاد ارائه نموده بود لیکن نه در زمان خود افلاطون نه حتی قرنهای بعد از آن هرگز این تئوریهها نتوانستند در جامعه اجراء شوند و همواره حکومتهای دیکتاتوری ، خودکامه ، استبدادگر ، پادشاهی و سلطنتی با تفاوتهای اندکی با یکدیگر بر مردم جهان سیطره داشتند . در سال ۱۲۰۰ میلادی یکی از

۱ - دموکراسی از دو کلمه دموس به معنی “ مردم و توده ” و کراسی به معنی “ حاکمیت ” تشکیل یافته است .

پادشاهان انگلیس ، ظلم و تعدی را به حدی رساند که کلیسا و گروهی از نجبای انگلیس مجبوراً منشوری تدوین نمودند که طی آن اختیاراتی را برای پادشاه تعریف نموده و حدود و وظایف آن را معین نمودند . این منشور اولین اقدام اجرایی جهت محدود نمودن حکومتها در چارچوب قانون شد و بعدها با تکمیل آن ، یکی از اصول دموکراسی و لیبرال دموکرات غرب تحت عنوان اصل قانون گرایی شکل گرفت . تا اینکه در چند صد ساله اخیر و در پی تحولات اجتماعی در اروپا ، نظریات تکامل یافته تری در باب قراردادهای اجتماعی ، جمهوریت و نظام مردم سالاری ارائه شد و رفته رفته مفاهیمی همچون دموکراسی و اصولی همچون تفکیک قوا ، حق انتخاب و اصل قانون گرایی وارد مقوله حکومتها شد . ژان ژاک روسو (فیلسوف فرانسوی ۱۷۱۲ - ۷۸ میلادی) اصل تفکیک قوا را مطرح نموده و نظریات جدیدی در باب علوم اجتماعی و حکومتها ارائه نمود . آبراهام لینکلن (نویسنده آمریکایی ۱۸۰۷ - ۷۵ میلادی) می گوید : دموکراسی یعنی “ حکومت مردم بدست مردم و برای مردم ”، برای اولین بار در قرن ۱۹ میلادی در اروپا اولین شوراها با رای مستقیم مردم شکل گرفتند و منظور از تشکیل آنها عبارت بود از نظارت مستمر حکومت شوندگان بر کار حکومت کنندگان .

فراز و فرود نظامهای سیاسی و حکومتی در ایران :

الف) قبل از اسلام

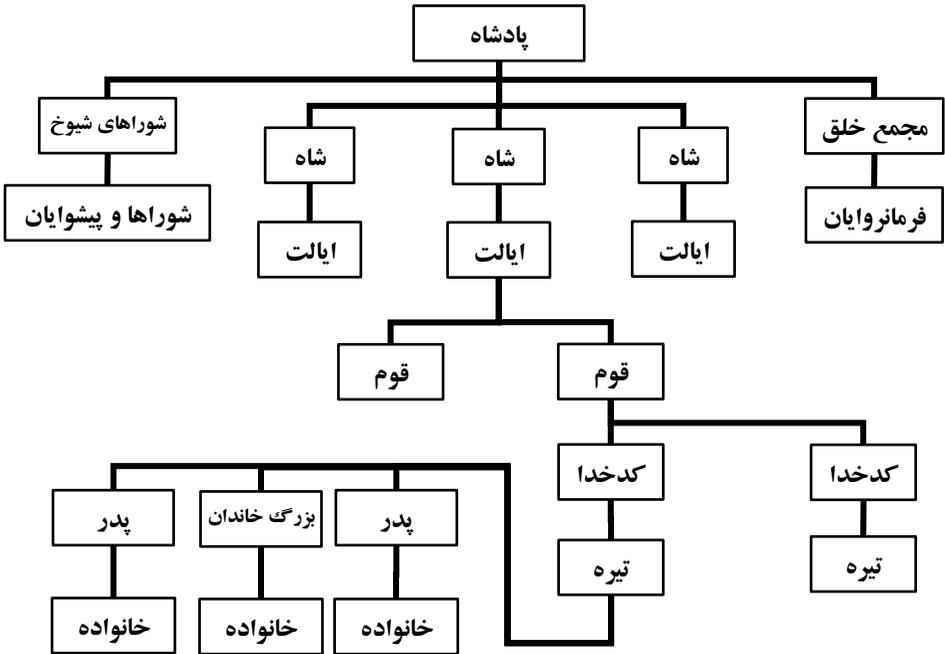
آریایی نژادانی که در کرانه های رود سیحون و جیحون میزیستند ، برای یافتن جای زیست بهتر ، آهنگ کوچ کردند ، دسته ای به هند رفتند ، دسته ای به اروپا و دسته ای نیز به ایران آمدند .

دسته ای که به ایران آمدند “ مادها ” یا “ مادی ” نام گرفتند .

قوم مادها (از ۷۰۸ تا ۵۵۰ سال پیش از میلاد مسیح) شهر هگمتانه (همدان) را بعنوان پایتخت انتخاب نموده و فرمانروایی بزرگی را سازماندهی کردند .

طبقات حکومتی مادها که مطابق آن امور جامعه اداره میشد به شرح فلوچارت

زیر بود :



در حکومت مادها ، همیشه در کنار پادشاه ، شوراهایی بودند که به نوعی بر کار پادشاه نظارت نموده و سیاستهای کلی کشور را تعیین می نمودند .

شوراهای شیوخ مرکب از بزرگان و پیشوایان هر قوم و قبیله بودند که مشاوره لازم را به پادشاه میدادند . البته دقیقا میزان مشارکت شوراهای شیوخ در تصمیمات کشوری معلوم نیست ولی آنچه مستند است این است که شکلی از سیستم رسمی مشاورتی در حکومت مادها وجود داشت و مادها از منافع شوراهای بهره مند بودند . در سیستم حکومتی مادها علاوه بر شوراهای شیوخ ، مجامع مشورتی دیگری نیز وجود داشتند که عمده ترین آنها عبارت بود از مجمع خلق که مرکب از فرمانروایان و شاهان ایالت بود .

مادها (از ۷۰۸ تا ۵۵۰ پیش از میلاد مسیح) با شیوه حکومتی مذکور توانستند حدود یکصد و پنجاه و هشت سال ایران را اداره نمایند .
پادشاهان مادها عبارت بودند :^۱

– دیوکس (دیاکو) ۷۰۸ – ۶۵۵ پیش از میلاد مسیح

– فرا آرات (فره ورتیش) ۶۵۵ – ۶۲۵ پیش از میلاد مسیح

– هوخشتر (سیاکزار) ۶۲۵ – ۵۸۴ پیش از میلاد مسیح

– آزی دهاک ۵۷۵ – ۵۵۰ پیش از میلاد مسیح

در سال ۵۵۰ پیش از میلاد ، کوروش هخامنشی ، خواهرزاده “ آزی دهاک “ آخرین پادشاه سلسله ماد ، آهنگ گرفتن هگمتانه را کرد و با شکست دادن دایی خویش ، فرمانروایی مادها را برانداخت و سلسله هخامنشی را پایه گذاری کرد .

تعدادی از شاهان هخامنشی به ترتیب عبارت بودند از :

– کوروش بزرگ (۵۵۰ تا ۵۲۹ پیش از میلاد) از کارهای مهم او کشور گشایی تا

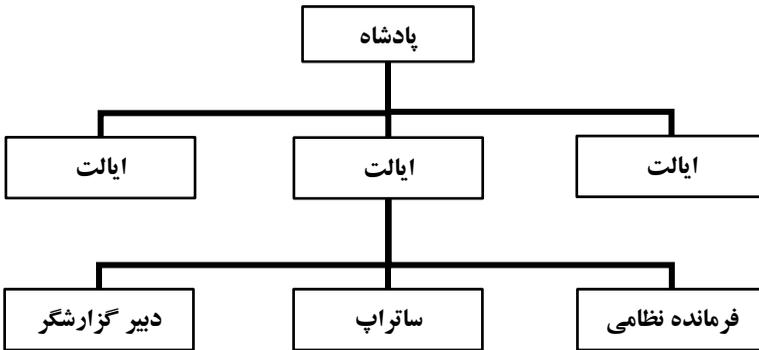
مصر و فتح بین النهرین بود .

– کمبوجیه (۵۲۹ تا ۵۲۳ پیش از میلاد) پسر بزرگ کوروش بود که مصر را فتح

کرد .

– بردیا (۵۲۲ پیش از میلاد) یک سال حکومت کرد .

- داریوش (۵۲۱ تا ۴۸۶ پیش از میلاد) ملقب به داریوش اول پسر " ویشتاسپ هخامنشی " کارهای مهمی بدین شرح داشت :
 - ضرب سکه .
 - فراهم آوردن سپاه بزرگی به نام سپاه جاویدان .
 - پیوند دریای مدیترانه به دریای احمر .
 - اجرای تقسیمات کشوری بصورت ایالات متحده .
- داریوش امپراطوری عظیم خود را به بیست ایالت بزرگ بنام ساتراپی تقسیم نمود و برای هر یک حاکمی به نام ساتراپ تعیین نمود .
- ساتراپ ها با نظر پادشاه منصوب میشدند و طبق دستور او انجام وظیفه می کردند و جهت جلوگیری از توسعه طلبی و قدرت یافتن شخص ساتراپ ها در سیستم حکومتی عوامل دیگری نیز گنجانده شدند که فلوجارت آن بدین شرح است :



سلسله هخامنشی نیز با این سیستم حکومتی توانستند به خوبی امپراطوری بزرگ ایران را به مدت دویست و بیست سال (از ۵۵۰ تا ۳۳۱ پیش از میلاد) اداره نمایند .

در سال ۳۳۱ پیش از میلاد ، اسکندر مقدونی امپراطور روم (که در آن زمان ۲۴ سال بیشتر نداشت) به ایران حمله و آن را تصرف نمود و از این سال تا سال ۹۶ پیش از میلاد مسیح ، خود و جانشینان یونانی او بر ایران (یا قسمتی از آن) فرمانروایی

کردند و بدین ترتیب سالهای استبداد و بردگی ایرانیان زیر حکومت های مستبد و خودکامه آغاز شد .

پس از گذشت مدتی از حضور حکمرانان یونانی در ایران ، اندک اندک با افول قدرت آنان ، حکومت‌های محلی پدیدار شدند ، یکی از شاخص ترین حکومت‌های محلی عبارت بود از “ پارت ها ” که قبلاً جزء یکی از ساتراپ های کوروش هخامنشی بوده و در حوالی خراسان سکنی گزیده بودند . “ پارت ها ” به مرور نیرومند شدند و “ سلوکیدها ” (جانشینان یونانی اسکندر مقدونی) را از ایران بیرون راندند و دودمان اشکانیان را پایه گذاشتند .

اشکانیان (تقریباً از ۲۵۰ پیش از میلاد تا ۲۲۶ میلادی) به مدت ۴۷۶ سال بر ایران حکمرانی کردند . در این دوره مرکزیت کامل اداری – سیاسی از بین رفت و بیشتر ساتراپی ها خود به ایالت های کوچکتری تبدیل شده و بصورت ملوک الطوایفی اداره میشدند .

در زمان اشکانیان نیز دو مجلس مشورتی وجود داشت :

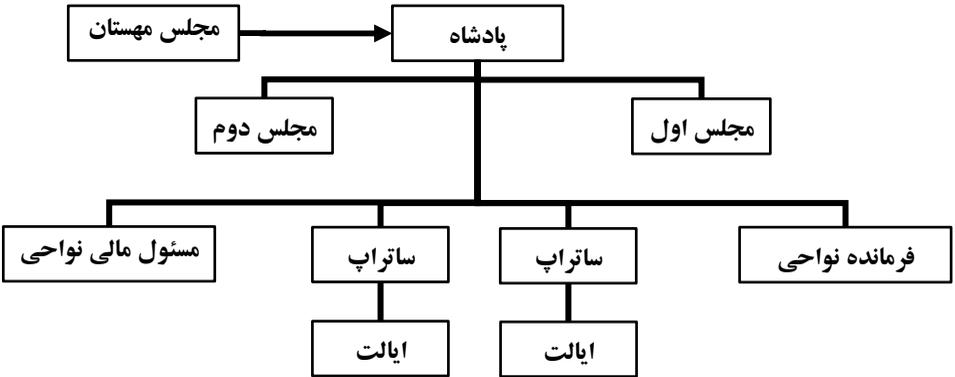
– مجلس اول یا مجلس خانوادگی .

– مجلس دوم یا مجلس شیوخ (ریش سفیدان) .

از ترکیب دو مجلس فوق الذکر ، مجلس مهستان بوجود می آمد که برای انتخاب و معرفی پادشاه تشکیل می شد .

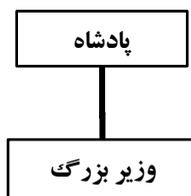
در زمان اشکانیان مرکزیت سیاسی و اداری از هم پاشیده و حکام محلی قدرت فوق العاده ای پیدا کردند به همین جهت بعضی از مورخین این دوره را دوره ملوک الطوایفی ایران قدیم نامیده اند .

فلوچارت حکومتی اشکانیان بدین شکل بود :



پنجمین سلسله حکومتی ایران ، سلسله ساسانیان (از سال ۲۲۶ تا ۶۴۲ میلادی) بود که مدت ۴۱۶ سال بر ایران حکومت کردند در دوره ساسانیان مجدداً مرکزیت نسبتاً شدیدی بوجود آمد و نفوذ دولت مرکزی در سراسر کشور بسط یافت و شیوه جدیدی از حکمرانی در ایران مستقر گردید بدین ترتیب که پست وزارت (وزیر بزرگ) در دولت ایجاد گردید و قسمتی از اختیارات اجرایی پادشاه به وزیر بزرگ محول شد در این دوره خصوصاً از زمان پادشاهی انوشیروان (۵۳۱ تا ۵۷۹ میلادی) به بعد طبقات اجتماعی ایران بر ۴ دسته تقسیم میشدند : ۱- اشراف . ۲- روحانیون . ۳- دهقانان . ۴- مردم ساده .

قسمتی از فلوچارت سیستم حکومتی در زمان ساسانیان :



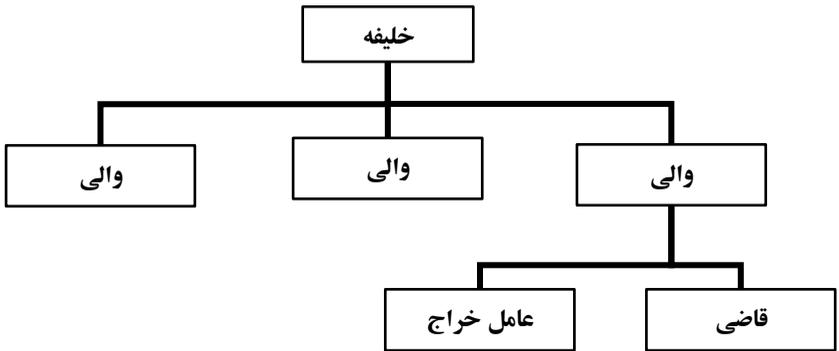
در سال ۶۴۲ میلادی یزدگرد سوم (آخرین پادشاه ساسانی) از اعراب شکست خورد و ایران بدست تازیها افتاد .

ب) بعد از اسلام

پس از فتح ایران توسط اعراب ، سیستم حکومتی خلافتی در ایران برقرار گردید (از سال ۱۳ هجری قمری یا ۶۴ میلادی تا سال ۱۹۷ هجری قمری یا ۸۲۶ میلادی) ، دولت اسلامی نیز تمرکز کافی داشت و اصولاً تمام قوا از شخص خلیفه فرمان می گرفتند .

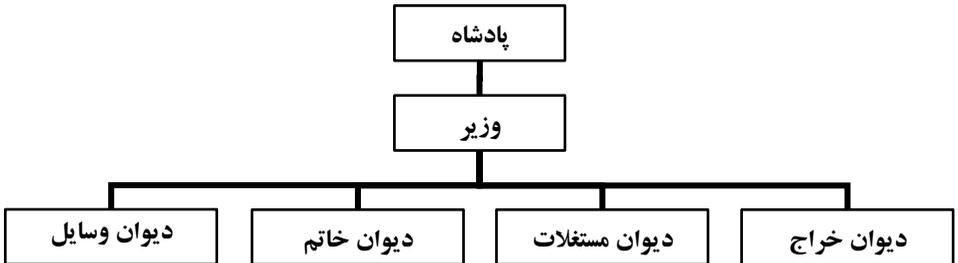
نمونه ای از فلوچارت های سیستم حکومتی صدر اسلام به شرح زیر است :

صدر اسلام و زمان خلفای راشدین : (از سال ۱۳ تا ۴۰ هجری قمری) :

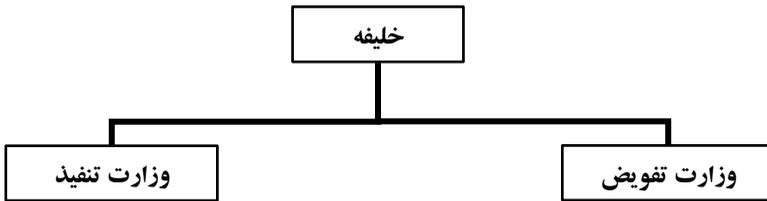


دوره امویان (بنی امیه) : (از سال ۴۱ هجری تا ۱۳۲ هجری) :

دوره امویان :



دوره عباسیان (از سال ۱۳۲ هجری تا سال ۶۵۶ هجری) :



وزیر تفویض : اختیاراتی مشابه خلیفه داشت ولی در عزل و نصب ها دخالتی نداشت (تقریباً عامل اجرایی خلیفه محسوب میشد) .
 وزیر تنفیذ : رابط بین خلیفه و مردم بود ، اوامر خلیفه را به مردم و درخواستهای مردم و حاکمان را به خلیفه می رساند .

ج (حمله مغولها :

مغولها قومی نیمه وحشی بودند که در آسیای میانه می زیستند و با روی کار آمدن چنگیز (تموچین) در سال ۶۱۷ هجری به ایران هجوم آوردند و پس از جنایات فراوان ، قتل ، غارت و ویرانی ، سلسله ایلخانان را در ایران تشکیل دادند . دیری نپائید که مغولهای ویران گر در فرهنگ ایرانی ذوب شدند ولی آثار ویرانگر حملات مغول ها تا صدها سال موجب از هم پاشیدگی کشورمان شد و حکومت های محلی یکی پس از دیگری قارچ وار رشد نموده و بر ضد یکدیگر شوریده و مجموعاً نظام ناپایداری را به مدت صدها سال در ایران رقم زدند .

– دوران صفویه (۹۰۶ تا ۱۱۴۷ هجری قمری) :

شاه اسماعیل صفوی (به سال ۹۰۶ هجری) در تبریز به حکومت رسید مذهب شیعه را در سراسر ایران رسمیت داد و دامنه فرمانروایی اش را تا عراق گسترش داد . سپس سلسله های بعدی به حکومت رسیدند :

- افشاریان (۱۱۴۸ تا ۱۲۱۸ هجری قمری) .

- زندیه (۱۱۶۳ تا ۱۲۰۹ هجری قمری) .

- قاجاریه (از ۱۲۰۱ تا ۱۳۴۳ هجری قمری) .

- دوران پهلوی (از ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ هجری شمسی) .

- جمهوری اسلامی ایران در ۱۳۵۷ هجری شمسی در ایران برقرار گردید .

همانطور که گفته شد پس از حمله مغولها ، نظام سیاسی - اداری کشور از هم پاشید از دوره صفویه به بعد مرکزیت و تمرکز سیاسی - اداری و دولت ملی در سراسر کشور توسعه یافت ولی تمرکز این دوره ها غالباً ظاهری و صوری بود اگرچه رسماً تمام حکام تابع مرکز بودند ولی عملاً بدلیل داشتن اختیارات فوق العاده ، خود فعال ما یشاء بودند و در حقیقت جان و مال مردم به دست آنها سپرده می شد .

اواسط زمامداری ناصر الدین شاه ، شروع حرکت‌های روشنفکری و نهادهای وابسته به آن است . در برخی ولایات مجلس محلی مرکب از معتمدان و شهرنشینان تشکیل دادند که در واقع سلف مجلس تنظیمات ولایتی هستند که پانزده سال بعد در عصر میرزا حسین خان سپهسالار در سراسر ایران بوجود آمد .

در سال ۱۲۸۸ ه . ق مجلس شورای حکومت با ترکیبی از علماء ، اعیان ، اشراف و اهل محل در برخی ولایات برپا گردید .

در سال ۱۲۹۱ ه . ق قانون مجلس تنظیمات با چهل و هشت ماده که فصل جداگانه ای هم در تکالیف حکام بدان افزوده شده بود به مرحله اجرا در آمد .

مجلس تنظیمات مرکب بود از روسای ادارات دولتی در هر ولایت (منهای شخص حاکم) - مستوفی یا سررشته دار - مامور وزارت جنگ - امین دیوانخانه - امین وظایف و اوقاف - امین تجارت و منشی .

صلاحیت مجلس تنظیمات از تقسیم میزان مالیات گرفته تا گمرک ، خالصه ، سرباز گیری ، ایلات ، سرشماری جمعیت ، امور عمومی شهری ، مستمری و وظیفه اوقاف و اجرای احکام شرعی در قانون تصریح شده بود . مجلس تنظیمات در اواخر سال ۱۲۹۲ ه . ق از رونق افتاد و از سال ۱۲۹۳ ه . ق به بعد دیگر چیزی از آن نمی شنویم .

د) اولین قانون شوراها :

پس از آنکه قانون اساسی مشروطه تدوین شد آزادیخواهان و سران مشروطه در تبریز اظهار نا خرسندی نموده و ایرادهایی به آن گرفتند و جهت تحکیم مبانی مشروطیت، درخواستهای هفتگانه ای پیشنهاد کردند که یکی از آنها راجع به تاسیس انجمن محلی در همه شهرها جهت مشارکت مردم در امورات خودشان بود. البته تبریزیها قبلاً چنین انجمنی را در شهر خود تاسیس کرده بودند و می خواستند در همه جا باشد.

بدین ترتیب طرح "قانون انجمن های ایالتی و ولایتی" به عنوان بخشی از متمم قانون اساسی در ربیع الثانی ۱۳۲۵ ه. ق به تصویب نخستین دوره مجلس شورای ملی نیز رسید (فصل هشتم متمم قانون اساسی در چهارده اصل راجع به انجمنهای ایالتی و ولایتی بود).

ش) اولین قانون شهرداریها :

پس از انقلاب مشروطیت، اولین قانون شهرداریها با عنوان "قانون بلدیة" در بیستم ربیع الثانی ۱۳۲۵ ه. ق برابر با ۱۲۸۵ هجری شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید. این قانون فقط چهارسال اجراء شد چرا که بدنبال بروز تشنجاتی در کشور، دولت اجازه انحلال انجمن های ایالتی و ولایتی را از مجلس کسب نمود و بدین ترتیب مدت حدود ۲۳ سال این قانون مسکوت ماند. در سی ام اردیبهشت ۱۳۰۹ هجری شمسی دومین قانون بلدیة به تصویب مجلس رسید. در بهمن ۱۳۲۸ ه. ش لایحه دیگری به تصویب مجلس رسید که برابر آن قانون مصوب ۱۳۰۹ ملغی گردید. بدین ترتیب در سالهای بعد نیز این قانون چندین بار دستخوش تغییرات اساسی گردید. در ۱۱ تیر ۱۳۳۴ ه. ش قانون دیگری تصویب شد که باز هم در بهمن ۱۳۴۵ ه. ش تغییراتی در آن بعمل آمد. و نیز قوانین دیگری به تصویب رسیدند که برخی از آنها فهرست وار به شرح زیر می باشد :

۱۲۸۵ ه. ش - طرح تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی در متمم قانون اساسی
مشروطیت به تصویب رسید .

۱۲۸۶ ه. ش - اولین قانون بلدیة که در آن تشکیل انجمن بلدیة پیش بینی شده
بود .

اردیبهشت ۱۳۰۹ ه. ش - دومین قانون بلدیة .

بهمن ۱۳۲۸ ه. ش - لغو قانون معیوب ۱۳۰۹ و تصویب قانون شهرداریها و انجمن
شهر .

۱۳۳۱ ه. ش - اصلاحیه قانون شهرداری .

۱۱ تیر ۱۳۳۴ ه. ش - تصویب قانون شهرداریها .

۶ بهمن ۱۳۳۶ ه. ش - قانون واگذاری امور بهداری به مردم .

۱۳ اسفند ۱۳۳۷ ه. ش - قانون تشکیل شوراهای کشاورزی .

۱۳۴۲/۶/۷ ه. ش - قانون تشکیل انجمنهای ده و اصلاح امور اجتماعی و عمرانی

دهات .

۲۳ اسفند ۱۳۴۳ - اصلاح قانون واگذاری امور بهداری به مردم .

۱۳۴۴/۲/۸ - قانون تشکیل خانه اصناف .

تیر ۱۳۴۵ - قانون تشکیل شورای داوری .

بهمن ۱۳۴۵ - اصلاح قانون شهرداریها و الحاق موادی به آن .

۱۳۴۷/۱۲/۱۸ - اصلاح قانون تشکیل خانه اصناف .

۱۴ مهر ۱۳۴۸ - لایحه قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی .

۱۳۴۸/۱۱/۲۵ - قانون تشکیل شورای آموزش و پرورش منطقه ای .

۳۰ خرداد ۱۳۴۹ - قانون تشکیل انجمنهای شهرستان و شهر .

اسفند ۱۳۵۳ - قانون تشکیل انجمن ده و دهبانی .

قوانین فوق الذکر اغلب جنبه صوری و فرمایشی به خود گرفته و هیچگاه اجراء

نشده اند .

فصل چهارم :

شوراها بعد از انقلاب اسلامی ایران :

فکر تشکیل شوراها را امام خمینی « ره » قبل از انقلاب و در پاریس مطرح نمود و تاکید داشتند حتی برخی از شوراها قبل از سقوط شاه تشکیل شوند بدین ترتیب شوراها ، کمیته ها و هیئت هایی در کارخانجات ، سازمان ها ، ادارات و محلات بوجود آمدند و نقش آنها در ابتداء سازمان دادن و رهبری تظاهرات بود و در ایام از هم پاشیدگی رژیم ، کنترل امور را تقریباً عهده دار بودند تا اینکه شورای انقلاب و دولت موقت توانستند کنترل امور را بدست گیرند .

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و تعیین نوع حکومت توسط مردم انقلابی در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ (جمهوری اسلامی) ، دقیقاً پس از گذشت ۲۷ روز از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران ، بنیانگذار این نهضت ، امام خمینی « ره » با دستور تاریخی خویش در نهم اردیبهشت سال ۱۳۵۸ خواستار استقرار نظام شورایی در کشور گردیدند .

متن این دستور چنین است :

شورای محترم انقلاب

در جهت استقرار حکومت مردمی در ایران و حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش که از ضرورت های نظام جمهوری اسلامی است لازم میدانم بیدرنگ به تهیه آئین نامه اجرایی شوراها برای اداره امور محل شهر و روستا در سراسر کشور ایران اقدام نمایند و پس از تصویب به دولت ابلاغ نمایند تا دولت بلافاصله به مرحله اجرا در آورد .

روح ا ... الموسوی الخمینی

پس از صدور این فرمان مهم ، اولین قانون شوراها توسط شورای انقلاب با عنوان “قانون شوراهای محلی” در نیمه اول همان سال به تصویب رسید و بر اساس آن برای اولین بار انتخابات شوراهای شهر در اوایل نیمه دوم همان سال در ۱۵۶ شهر برگزار گردید و شوراهای منتخب مردم به مدت دو سال فعالیت کردند اما بنا به دلایلی عدیده از جمله جنگ تحمیلی ، توطئه های داخلی و ... فعالیت آنها متوقف شد .

در ۱۲ آذر ۱۳۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تصویب مردم رسید در این قانون یک فصل از مجموع دوازده فصل به شوراها اختصاص دارد (فصل هفتم شامل اصول یکصد الی یکصد و ششم) و علاوه بر آن در اصول ششم و هفتم نیز اشاراتی به شوراها شده است .*

در اصل یکصدم قانون اساسی تشکیل پنج رده شورایی (روستا ، بخش ، شهر ، شهرستان ، استان) و در اصل یکصد و یکم تشکیل “شورای عالی استانها” و در اصل یکصد و چهارم تشکیل شوراهایی در واحدهای تولیدی ، صنعتی ، کشاورزی ، آموزشی ، اداری ، خدماتی پیش بینی شده است .

تدوین قانون شوراها مراحل زیر را سپری نموده است :

۱۳۵۸/۲/۹ – صدور فرمان امام به شورای انقلاب .

نیمه اول ۱۳۵۸ – تدوین آئین نامه اجرایی شوراها توسط شورای انقلاب .

نیمه دوم ۱۳۵۸ – برگزاری اولین دوره انتخابات شوراها در ۱۵۶ شهر کشور

بصورت آزمایشی .

۱۳۵۸/۹/۱۲ – تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که فصل هفتم آن

شامل شوراهاست .

آذر ۱۳۶۱ – تصویب “ طرح قانونی تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری ” در ۵۳

ماده و اجرای آن توسط جهاد سازندگی و وزارت کشور در بسیاری از روستاها .

* در این خصوص به مشروح در فصول قبلی مطالبی بیان شده و عین مفاد قانون آمده است .

۱۳۶۵ - تصویب طرح قانونی دیگری که مطابق آن تشکیل شوراها در رده های عشایری - دهستان - بخش - محله ، منطقه ، شهر ، شهرک ، شهرستان ، استان و عالی استانها به وزارت کشور محول شد ولی این قانون اجراء نگردید .

۱۳۷۱ - لایحه قانونی تشکیلات ، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران به مجلس تقدیم گردید .

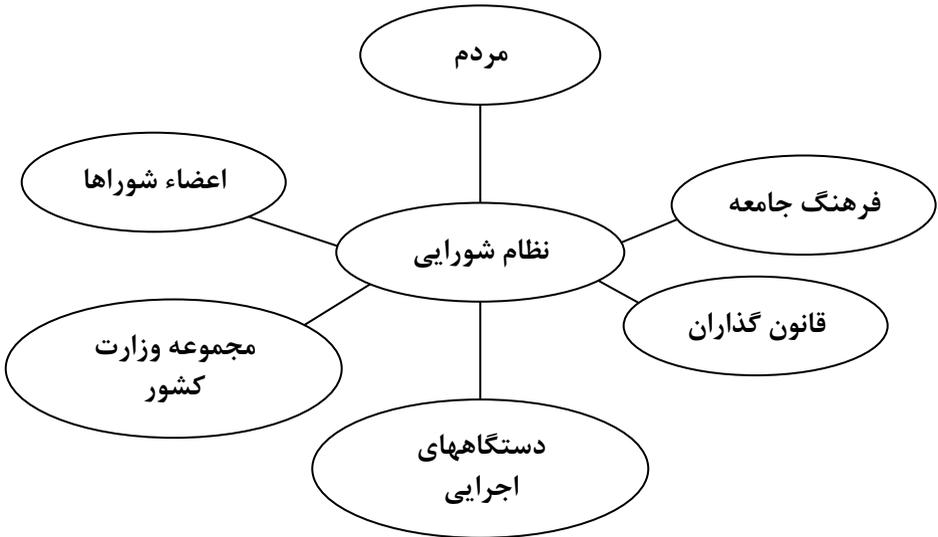
اول خرداد ۱۳۷۵ - لایحه فوق الذکر با بازنگری اساسی تحت عنوان " قانون تشکیلات ، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شهرداران " مشتمل بر ۵ فصل و ۹۴ ماده و ۵۱ تبصره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید .

پس از تصویب قانون فوق الذکر ، آئین نامه اجرایی آن توسط وزارت کشور تهیه و در تاریخ ۱۳۷۵/۱۰/۲ به تصویب هیأت وزیران رسید و مبنای برگزاری اولین انتخابات شوراهای اسلامی کشور قرار گرفت و بدین ترتیب برای اولین بار در تاریخ کشورمان ، آرزوی دیرینه تشکیل شوراها در سراسر کشور محقق گشت و در هفتم اسفند ۱۳۷۷ اولین انتخابات شوراهای اسلامی روستاها و شهرها برگزار گردید و حدود ۱۸۵ هزار نفر بعنوان اعضای اصلی و علی البدل برگزیده شدند و اعضاء منتخب شوراها از نهم اردیبهشت سال ۱۳۷۸ مقارن با سالروز صدور فرمان تشکیل شوراها (۱۳۵۸/۲/۹) رسماً شروع بکار نمودند .

در پی بروز یک سری اشکالات و نواقص اجرایی در قانون شوراها در دور اول اقدام به بازنگری در قانون مذکور شد بطوریکه برخی از مواد آن حذف ، برخی موارد اصلاح و موادی نیز الحاق شدند و قانون اصلاحی در سال ۱۳۸۲ به مجلس شورای اسلامی رسید و جهت اجراء به شوراهای دور دوم ابلاغ گردید .

فصل پنجم

تبیین یک نظام شورایی ایده آل :



یک نظام شورایی همواره با انبوهی از عوامل داخلی و خارجی مختلف در تعامل است که در قبال یکدیگر نقشها و وظایفی را به عهده دارد. یک نظام شورایی ایده آل آن است که بتواند تعامل و کارکرد متعادل و متوازنی با هر یک از طرفهای تعامل خود داشته باشد. از مهمترین طرفهای تعامل نظام شورایی میتوان به موارد زیر اشاره نمود :

- ۱- مردم .
- ۲- فرهنگ جامعه .
- ۳- دستگاههای اجرایی .
- ۴- مجموعه وزارت کشور .
- ۵- قانون گذاران .
- ۶- اعضاء شوراها .

اینک به بررسی مختصر کارکرد هر یک از طرفهای تعامل نظام شورایی می پردازیم :

۱ - وظایف و کارکرد مردم در قبال نظام شورایی :

در شکل گیری یک سیستم اجتماعی ، مردم نقش اول را دارند ، خصوصاً در برقراری نظام شورایی که اولین گام حکومت مردم بر مردم است . مردم نقش تعیین کننده دارند . در یک نظام شورایی ایده آل میتوان ۵ نقش عمده را برای مردم تعریف کرد :

۱-۱- نقش اول در ثبت نام کاندیداها :

نقش مردم از همین مرحله شروع میشود . یک شورای کارآمد مستلزم داشتن اعضاء کارآمد می باشد و این وظیفه مردم است که در محل خود (شهر ، روستا یا شهرک) جستجو کنند و افراد کارا ، با تجربه ، کارآفرین ، دلسوز و دارای مهارتهای لازم برای عضویت در شورا را پیدا نمایند و از آن افراد خواهش و تمنا کنند که برای عضویت در شوراها ثبت نام نمایند . طبیعی است چنین افرادی ، تمایل چندانی برای ثبت نام ندارند ولی بایستی با تشویق و روحیه دادن و قول پشتیبانی آنها را به صحنه انتخابات بکشیم . (البته باید قول پشتیبانی قولی صحیح و عملی باشد و چنانچه در یک دوره قول دهیم ولی عمل نکنیم در دوره های بعدی حتی قولهای همراه با قسم نامه را هم کسی قبول نخواهد کرد .)

چنانچه این کار صورت نپذیرد یعنی از افراد فوق الذکر دعوت نشود ، یک سری افراد خود به خود به صحنه خواهند آمد که از مهارت کمتری برخوردارند و اجباراً انتخابات بر روی همان افراد کم تجربه صورت خواهد گرفت و شوراها با همان ترکیب تشکیل خواهند یافت .

پس مردم جهت ادای اولین حق خویش در قبال شوراها بایستی از افراد لایق و شایسته دعوت به ثبت نام نمایند و این مرحله همان نهادن خشت اول است . اگر این مرحله بدرستی عمل شود گام اول یک شورای ایده آل پیموده شده است .

البته در کشورهایی که احزاب بصورت رسمی وجود دارند این کار بیشتر بعهدۀ احزاب است و مردم بایستی در خصوص کاندیداهای مستقل کار دعوت را انجام دهند .

۲-۱- نقش دوم در تبلیغات :

در زمان تبلیغات سعی شود جوّی ایجاد شود که تمام کاندیداها به ارائه برنامه های خویش بپردازند .

عده ای که ضعف دارند و از انتخاب نشدن می ترسند سعی خواهند کرد جوّ انتخابات را مخدوش کنند و با یکسری شایعه پراکنی و ضد تبلیغ علیه کاندیداهای مطرح که احتمال پیروزی دارند آنها را خراب کرده و از آب گل آلود ماهی بگیرند . این وظیفۀ مردم است که در سخنرانی ها ، محافل و مجالس در مقابل هر ضد تبلیغی مقاومت کنند و از سخنران بخواهند که برنامه های خودش را ارائه دهد نه اینکه دیگری را متهم کند .

متأسفانه در چندین انتخابات اخیر کشورمان چنین مد شده است که هر کاندیدایی که علیه دیگران شعار میدهد و به افراد مطرح حمله می کند ، مردم به او رأی میدهند . و در نتیجه روز به روز این مد غلط گسترش پیدا می کند و کاندیداها بیشتر ترجیح میدهند که کاندیداهای دیگر و یا افراد صاحب نفوذ و مطرح را بکوبند و کمتر کسی علاقه دارد تا برنامه هایش را ارائه دهد که این روش بسیار خطرناک است . دومین وظیفۀ مردم در قبال شوراها این است که جوّی ایجاد کنند که کاندیداها در رقابت انتخاباتی خویش اقدام به ارائه برنامه نمایند نه تخریب این و آن .

۳-۱- نقش سوم در رأی گیری :

موقع رأی گیری هم بایستی ملاک صرفاً شایستگی افراد برای تصدی آن سمت باشد .

ملاک های دیگری از جمله : صرفاً آشنا بودن ، فامیل بودن ، دوست یا دشمن بودن ، هم محل بودن ، زیبا بودن و ... موجب انحراف شوراها از مسیر اصلی خود خواهد شد .

نام هر کاندیدایی که بر روی برگه رأی نوشته میشود باید نتیجه تجزیه و تحلیل وجدان خودمان در قبال کشورمان و نیز آیندگان باشد حتی یک رأی هم در سرنوشت یک روستا یا شهر می تواند تأثیر داشته باشد. این مرحله حساس ترین مرحله نظام شورایی است. اگر خواهان شورایی توانمند، کارآمدتر هستیم و اگر خواهان توسعه، ترقی و پیشرفت روستاها، شهرها و کشورمان هستیم خشت اول همین جا بدست خودمان نهاده میشود. پس باید در کار گذاشتن آن دقت کنیم و نقش خود را در قبال نظام شورایی و در قبال توسعه کشورمان خوب ایفاء نمائیم و بدون نیت های شخصی و ملاک های جناحی و فقط با ملاک قراردادن شایستگی و لیاقت افراد رأی را به صندوق بیاندازیم در غیر اینصورت باید چهار سال حسرت و افسوس بخوریم. (چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی).

۴-۱- نقش چهارم در پشتیبانی :

فلسفه وجودی شوراها، مردمی بودن آن است، شوراها منتخبین مردم در امور محل خویش هستند و اتکاء شوراها قبل از همه به مردم می باشد فلذا میزان پشتیبانی مردم از منتخبین خود نقش مؤثری در پیشبرد اهداف تعیین شده دارد. در برخی شهرها و روستاها، مردم تا مرحله رأی گیری مشارکت فعالی دارند ولی بعد از مشخص شدن ترکیب اعضاء شوراها، خود را کنار میکشند و انتظار دارند اعضاء شوراها به رتق و فتق امور بپردازند در حالیکه این رویه خلاف ماهیت وجودی شوراهاست. در برخی محلها وضعیت بدتر از آن هم هست یعنی نه تنها مردم خود را کنار میکشند بلکه با حرف و حدیثهایی کنایه دار و نیشدار موجبات تضعیف روحیه اعضاء شوراها نیز میشوند.

خصوصاً در شهرهای کوچک و روستاها که روابط اجتماعی در هم تنیده و در عین سادگی بدلیل گستردگی اندک اجتماع، سطح نفوذپذیری شایعات و حرف و حدیثهای این و آن عمیق تر است فلذا اعضاء شوراها محلی کوچک بیشتر از شهرهای بزرگ دچار تضعیف روحیه میشوند. از این رو مردم بایستی ضمن برقراری ارتباط مستمر با اعضاء شوراها، نظرات، نیازها و خواسته های خود را به اعضاء شوراها منتقل سازند و از برنامه ها و سیاستهای شورا، حمایت، جانبداری و پشتیبانی نمایند.

۵-۱- نقش پنجم در پی گیری برنامه های شورا و وعده های

اعضاء

در ایام تبلیغات انتخاباتی هر کاندیدایی برای خود شعارها ، اهداف و برنامه هایی را مطرح می نمود اینک نوبت مردم است که با یادآوری آن شعارها پی گیر برنامه های شورا باشند .

علاوه از آن هر شورایی هم در بدو تاسیس یک سری برنامه هایی برای خود تدوین می نماید که مردم باید در جریان آن برنامه ها قرار گرفته و ضمن همکاری جهت اجرای آن برنامه ها ، پی گیری لازم را جهت تحقق اهداف و برنامه های شورا بنمایند .
پی گیری توسط مردم می تواند بصورت های متنوعی انجام پذیرد از جمله :
- مراجعه به دفتر شورا و مکاتبه یا مذاکره با اعضاء شورا .
- مذاکره با اعضاء شورا در دیدارهای عمومی (مساجد ، محافل ، مجالس پرسش و پاسخ و ...)

- پی گیری از طریق مطبوعات و رسانه های گروهی .

اما در هر حال این پی گیریها بایستی به شیوه ای انجام پذیرد که به شخصیت ، اعتبار و وقار شورا و اعضاء آن لطمه ای وارد نیاید .

ایفاء نقش در این مرحله توسط مردم در قالب پی گیری برنامه ها و شعارها علاوه بر اینکه عزم اعضاء شوراها را جزم می نماید و سبب تلاش بیشتر آنها جهت تحقق برنامه هایشان میشود بلکه از سوی دیگر ادامه این روند سبب میشود تا کاندیداها در دوره های بعد ، از گزافه گویی پرهیز نموده و یک روبه سالم با برنامه های معقول و حساب شده در فضای انتخابات برقرار گردد .

۲- وظایف فرهنگ جامعه در قبال شوراها

هر اجتماع ، جامعه ، محل و حتی قشرها و طبقات مختلف ، فرهنگ خاص خود را دارند . فرهنگ عبارت است از مجموعه آداب و سنن ، ارزشها ، باورها ، اعتقادات ، رفتارها ، هنجارها ، تاریخ ، اساطیر ، گویش ها و ...

فرهنگ حاکم بر کشورمان فرهنگ ایرانی و اسلامی است ولی هر شهر و دیار ، استان یا منطقه و حتی هر روستایی با تبعیت از فرهنگ مذکور یک سری خرده فرهنگهای محلی و بومی هم دارد .

موضوع شوراها در یک سری از فرهنگها وجود داشت و عملی میشد مثل موضوع ریش سفیدان در یک روستا .

در برخی فرهنگها وجود داشت ولی عملی نمی شد و در بعضی فرهنگها هم اصلاً آثاری از شور و مشورت وجود نداشت .

نظام شورایی به شیوه جدید در هیچ یک از فرهنگها یا خرده فرهنگهای موجود در کشورمان قبلاً وجود نداشت . اکنون که قرار است سیستم شورایی در شهر و روستاها برقرار گردد بایستی فرهنگ جامعه نقش جدید خود را باز یابد و مسئولیت جدید را به نحو مطلوبی ایفاء نماید .

فرهنگ جامعه جهت قبول و پذیرش نظام شورایی و نیز ایفاء نقش خود در قبال آن به چهار طریق میتواند عمل نماید :

۱-۲- آموزش مردم

نظام شورایی یک نظام کاملاً مردمی است و جهت توسعه این نظام بایستی مردم را در جریان وظایف و نقش خویش در قبال شوراها آگاه ساخت . عموماً فرهنگ کار و فعالیت در کشورما بصورت کار انفرادی یا حداکثر کار خانوادگی بوده است . کارهای گروهی و مشارکتی کمتر موفق بوده اند و خلاف این امر در ژاپن صادق است . ژاپنی ها در کارهای گروهی نتایج مطلوب تری کسب می کنند ولی هر چقدر به طرف غرب حرکت کنیم ، از میزان موفقیت کارهای گروهی کاسته شده و بر میزان موفقیت کارهای انفرادی افزوده میشود . این موضوع در طول سالیان دراز در فرهنگ مردم نیز تاثیر

گذاشته و علیرغم آنچه در فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی تاکید فراوانی بر شور و مشورت و انجام امور بصورت تعاونی، مشارکتی و گروهی شده است لیکن به موجب عواملی که ذکر آنها از حوصله این بحث خارج است ایرانی ترجیح میدهد تا یک تنه در مقابل کار محوله اقدام نماید و این موضوع در بسیاری از کارکردهای اجتماعی قابل مشاهده است مثلاً در موضوع ورزش، آن قسم ورزشهایی که بصورت انفرادی کار میشود مثل کشتی، وزنه برداری و ... همواره در ایران با موفقیت همراه بوده است ولی قسم دیگری از ورزشها که بصورت گروهی هستند علیرغم سرمایه گذاری کلان از نتایج خوبی برخوردار نیستند. حال در چنین فضایی می خواهیم نظام شورایی را برقرار کنیم طبیعی است که مردم پذیرش چندانی نخواهند داشت و حتی اعضاء شوراها جهت نشستن دور یک میز با یکدیگر مشکل خواهند داشت. فلذا اینجاست که فرهنگ باید کار خود را آغاز کند و خرده فرهنگی بنام "کار انفرادی" یا قهرمان بازی را کنار زده و به جای خود انتقال دهد و محل مناسبی را در خود برای خرده فرهنگی بنام "کار شورایی" یا کار گروهی ایجاد نماید و چگونگی کارکرد آن را به افراد جامعه آموزش دهد و یاد دهد که:

- چگونه با مخالفین خود در سر یک میز نشسته، مذاکره کرده و نتیجه بگیریم؟
 - چگونه از خواسته های خود به نفع اکثریت چشم پوشی کنیم؟
 - چگونه نظرات خودمان را بصورت علمی، منطقی و مستدل و شفاف بیان نمائیم؟
 - چگونه نظرات دیگران را هضم نمائیم؟
 - چگونه همدیگر را تحمل نمائیم؟
 - چگونه به نظرات دیگران ارزش قائل شویم؟
 - چگونه برنامه ریزی گروهی داشته باشیم؟
- انجام این مهم (آموزش همگانی نظام شورایی) همکاری تمام ارگانها خصوصاً دستگاهی متولی فرهنگ جامعه را می طلبد خصوصاً آموزش عالی آموزش و پرورش - صدا و سیما و مطبوعات نقش ارزشمندی در این ارتباط می توانند ایفاء کنند.

۲-۲- آموزش و پرورش

مدارس اولین پایگاه رسمی آموزش عمومی به حساب می آید. جهت ایجاد و تقویت فرهنگ کارهای گروهی و مشارکتی باید در کنار درس "دهقان فداکار" یا آن پسری که با انگشت خود سوراخ یک سد را گرفته بود، درس دیگری را نیز به فرزندانمان آموزش دهیم و چگونگی کار کردن در یک گروه را به آنها بیاموزیم.

البته کارهای مفیدی در این ارتباط در آموزش و پرورش در حال انجام است. تشکیل شورای دانش آموزی مدارس، تشکیل مجلس دانش آموزی، انتخاب شهردار مدارس همگی گامهایی مثبت و آموزنده هستند تا نسل آینده بتواند به راحتی یک نظام شورایی ایده آل را رهبری کند.

۲-۳- صدا و سیما و مطبوعات

صدا و سیما تنها رسانه فراگیری است که برای تمام سنین و گروهها برنامه دارد. پخش برنامه های مختلف برای گروههای سنی مختلف در قالب فیلم، کارتون و ... که بتواند بصورت مستقیم و غیر مستقیم کار گروهی و کمیته ای را آموزش دهد جهت تقویت و بهبود فرهنگ شورایی ضروری می باشد خصوصاً تهیه برنامه ها و فیلم های مستند از شوراهای موفق در سطح جهان و نمایش آن بسیار تاثیر گذار است.

مطبوعات هم همین نقش را می تواند ایفاء نماید. هر روزنامه، مجله، کتاب و سایر مکتوبات در جامعه انتشار می یابد که اگر هر کدام به سهم خویش و به وسع خویش و به صور مختلف فرهنگ شورایی را آموزش دهند قطعاً در اندک مدت شاهد پیشرفتهای خوبی در این خصوص خواهیم بود.

۳- وظایف و کارکرد دستگاههای اجرایی محلی در قبال نظام

شورایی :

هر یک از شوراهای شهر، شهرک یا روستا در تعامل مستقیم با دستگاههای اجرایی، ادارات و سازمانهای مرتبط با آن شهر یا روستا هستند. یک شورای روستا با ادارات مستقر در آن بخش یا شهرستان از قبیل: بخشداری، جهاد کشاورزی، آموزش

و پرورش و ... ارتباطات کاری و اجرایی مستقیم دارد. در پیگیری مسایل روستا با مراجعه حضوری به این ادارات و بحث و مذاکره و تبادل نظر با مدیران یا کارشناسان این ادارات نسبت به رفع مسایل و گشودن گره های محل انتخابیه خود اقدام می نماید. در واقع شوراها بعنوان نمایندگان مردم با جمع بندی خواسته های مردم بصورت یکجا و متمرکز با ادارات وارد مذاکره میشوند و این امر سبب میشود مراجعات انفرادی تک تک روستائیان به ادارات جهت حل و فصل مسایل روستا سامان بپذیرد.

همین موضوع در شهرها نیز صادق، شوراها می توانند با برقراری ارتباط ارگانیک با ادارات شهر از تمام امکانات و پتانسیل ادارات در راه تحقق اهداف و برنامه های واحد استفاده نمایند. در واقع شوراها می توانند برنامه های ادارات را در یک مسیر مشخص هدایت کنند و از دوباره کاریها یا اقدامات و برنامه های ضد و نقیض ادارات جلوگیری نمایند. چه بسا اجرای یک عملیات عمرانی توسط اداره ای خاص موجب بروز مشکل برای برنامه های یک اداره دیگر شود و اینجا شورای شهر است که مصلحت شهر را تعیین خواهد نمود.

دستگاههای اجرایی و شوراها ۳ نقش عمده در قبال یکدیگر دارند :

۱-۳- همکاری و هماهنگی متقابل

چه بسا پروژه هایی توسط ادارات مختلف برنامه ریزی و اجراء شده اند که علیرغم صرف هزینه های زیاد متاسفانه مورد پسند مردم قرار نگرفته اند و یا پروژه هایی که علیرغم مردم پسند بودن آنها بدلیل نا هماهنگی و عدم همکاری بین بخشهای مختلف به شکست انجامیده است.

یکی از بزرگترین وظایف دستگاههای اجرایی همکاری و هماهنگی در کلیه امورات با شوراهای محلی است از مرحله برنامه ریزی و اخذ تصمیم تا مرحله اجرای پروژه ها و برنامه ها.

یک دستگاه اجرایی نباید نظر و رأی خود را بر شورای آن محل و مردم آن محل تحمیل نماید بلکه همیشه به یاد داشته باشیم که هر محلی، فرهنگ و عرف مخصوص خود را دارد که باید در اجرای امورات آنها را مد نظر قرار داشت و به اصطلاح باید برنامه ها بصورت محلی اجرا گردند (جهانی فکر کنیم و محلی عمل نمائیم) گرچه هر

سازمانی اهداف و خط مشی ملی خود را دارد ولی این دلیل نمیشود که در همه جا بصورت کلیشه ای عمل شود بلکه باید مقتضیات محلی نیز رعایت شود .
به هر میزان که همکاری و هماهنگی ادارات با شوراهای محلی و مردم بیشتر شود به همان نسبت از میزان مقاومت منفی کاسته شده و بستر فرهنگی لازم برای اجرای پروژه ها مهیا میشود .

۲-۳- تعامل سالم

یک تعامل سالم آن است که طرفین به حقوق همدیگر احترام قائل شوند . دستگاههای اجرایی باید بپذیرند که تصمیم نهایی در هر محلی با شورای آن محل است و باید بپذیرند که در اجرای کارهای خود تصمیمات شوراهای را مد نظر قرار دهند و به شورای شهر یا روستا حقوق تعریف شده قانونی را قائل شوند تجربه دور اول شوراهای نشان داد که برخی مدیران و کارشناسان ادارات هنوز شوراهای را قبول نداشتند که این یک خطای بسیار بزرگ است یا برخی دیگر ، شوراهای را رقیب خود میدانستند که آن هم اشتباه است . شوراهای هم نباید بیش از حد و حدود و اختیارات ادارات از آنها انتظار انجام کاری را داشته باشند .

تمام این مسایل موقعی حل و فصل میشود که یک تعامل سالم بین طرفین برقرار گردد و هر طرف علاوه بر عدم تجاوز از حد و مرز خویش به حدود دیگران نیز احترام قائل شود .

۳-۳- مشارکت در تصمیم گیری :

در بندهای قبلی توضیح داده شد که یک مدیر یا کارشناس اداره یا دستگاه اجرایی چگونه بایستی همکاری شوراهای را جلب نماید و یک ارتباط سالم بین شورا و دستگاه برقرار نماید تا یک تعامل سالم بوجود آید . اینک به یکی از رهیافتهایی که می تواند در این مورد مؤثر باشد اشاره میشود و آن مشارکت دادن نمایندگان مردم (شوراهای محلی) در تصمیم گیری های آن محل می باشد .

هر سازمان و اداره ای در رده های مختلف ملی - استانی - شهرستانی - محلی برنامه های دراز مدت و سالانه ای را برای خود تدوین و اجرا می نماید . این برنامه ها حتماً بایستی با مشارکت شوراهای در رده خاص خود تهیه گردند بعنوان مثال برنامه های

استانی با مشارکت شورای استان و برنامه های یک روستا با مشارکت شورای آن روستا تدوین شود. هر چقدر برنامه ها به خود قالب محلی و بومی بگیرند به همان میزان مطلوبیت آن برای مردم بیشتر خواهد شد.

نمونه این کار دایر کردن شبکه های استانی سیما می باشد که در هر استان با زبان، لهجه، فرهنگ و خصوصیات مردم همان استان برنامه هایی تهیه و پخش میشوند که مورد استقبال نیز قرار می گیرند.

در برخی موارد هم، بومی کردن پروژه مفهومی ندارد بعنوان مثال: دیجیتالی کردن خطوط تلفن یک روستا در همه جای دنیا به یک شکل صورت می گیرد و سیم و کابل و ... بومی و غیر بومی ندارد و در اینجا هم بایستی در نحوه اجرای پروژه مشارکت صورت پذیرد.

۴ - وظایف مجموعه وزارت کشور در قبال شوراها :

۴-۱- حمایت از شوراها

اگر شوراها با ادارات دیگر بصورت اعم در تعامل هستند با مجموعه وزارت کشور (وزارت کشور - استانداریها - فرمانداریها - بخشداریها - شهرداریها و ...) بصورت اخص در تعامل می باشند.

نحوه برخورد زیر مجموعه های وزارت کشور با شوراها، آئینه ای تمام نما برای سایر وزارت خانه ها و زیربخشهای آنها خواهد بود فلذا این موضوع از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و بر تمام استانداران، فرمانداران، بخشداران و شهرداران فرض است تا شوراها را در جایگاه قانونی خود قرار دهند و از هر گونه حرکتی که موجب تضعیف شوراها شود خودداری شده و بر غنای کیفی (علمی و تخصصی و تجربی) شوراها بیافزایند.

یک فرماندار همیشه باید رئیس شورای شهرستان را بالاتر از رؤسای ادارات دیگر ببیند این همان چیزی است که قانون می گوید و در تصمیم گیری ها به نظرات شوراها بهاء بیشتری را بدهد چرا که این لازمه نظام مردم سالاری است. گرچه در اوایل، این کار کمی غیر مترقبه به نظر می رسد اما اساساً بایستی شوراها در رأس هرم

تصمیم گیری قرار گیرند و رساندن شوراها به جایگاه واقعی خویش از وظایف مجموعه وزارت کشور است .

۲-۴- توسعه کمی و کیفی شوراها

صرفاً برگزاری انتخابات و انتخاب شدن چند نفر جهت عضویت در فلان شورای شهر یا روستا کافی نیست بلکه گام بعدی توسعه کمی و کیفی شوراهاست و این کار از وظایف وزارت کشور است . وزارت کشور و زیربخشهای آن باید با یک نگرش بین المللی به شوراها نگاه کنند و آخرین دستاوردهای جهانی را در خصوص شوراها کسب و پس از آنالیز و ملی نمودن یا محلی نمودن آن ، در شوراهای کشورمان تعمیم دهد . در این میان آموزش اعضاء شوراها در همه ابعاد بسیار ضروری است به شرطی که مفاهیم آموزشی و سرفصلهای آن از متد جدید و آخرین پیشرفتهای سیستم شورایی جهان پیروی کند .

۳-۴- تهیه لوایح مورد نیاز :

از آنجایی که سیستم شورایی در کشورمان یک سیستم جدید می باشد فلذا قوانین و ضوابط فعلی آن جوابگوی نیازهای روز افزون آن نبوده و لازم است از هر چند گاه ، نیازهای قانونی شوراها جمع آوری ، تدوین و در قالب لوایح به مجلس و دولت ارائه شود گرچه طبق قانون ، شورای عالی استانها هم می تواند لوایحی را تهیه و به دولت و مجلس پیشنهاد نماید ولی این بدان معنی نیست که کارشناسان وزارت کشور از اصلاح و تکمیل قوانین شوراها دست بردارند .

۴-۴- تامین اعتبارات شوراها :

تامین اعتبارات جاری شوراها خصوصاً شورای عالی استانها - استان - شهرستان و بخش از اهم کارکرد وزارت کشور در قبال شوراهاست . بودجه شوراهای شهر از بودجه شهرداریها قابل تامین بوده و بودجه شوراهای روستایی هم از محل درآمدهای روستا قابل تامین است ولی بودجه شوراهای بخش - شهرستان - استان و عالی استانها در ردیف خاصی تعریف نشده اند فلذا اختصاص بودجه معقول و مورد نیاز برای این

شوراها، موجب بهبود کارآیی و افزایش قدرت مانور آنها در برنامه های خویش خواهد بود.

۵- وظایف قانون گذاران در قبال نظام شورایی :

قوه مقننه حسب وظایف قانونی خویش دو وظیفه عمده در قبال شوراها دارد :

۵-۱- تصویب قوانین

سیستم جدید التاسیس شوراها بیش از هر چیز دیگر از عدم وجود قوانین شفاف، شرح وظایف و اختیارات مشخص رنج می برد و این عوامل موجب گردیده تا علیرغم مشخص شدن جایگاه شوراها در قانون اساسی نتواند در جایگاه واقعی خویش قرار گیرد و شوراها که یک سیستم باز می باشند در مصاف با سیستم کاملاً بسته نظام اداری کشور مغلوب میشوند. قانون گذاران بایستی با اهتمام جدی به این موضوع، ضمن دریافت پیشنهادات شوراها سراسر کشور، در قالب لایحه از دولت یا شورای عالی استانها و با نقطه سنجی، کامل و لازم و با یک رویکرد جهانی (بررسی قوانین شوراها محلی کشورهای توسعه یافته) نسبت به اصلاح، تغییر و تصویب قوانین لازم برای توسعه کیفی سیستم شورایی کشور اقدام نمایند.

۵-۲- نظارت بر اجرای قوانین

نظارت صحیح و دقیق بر قوانین مصوب، به مثابه " بازخور سیستم " عمل می نماید. هر قانونی که تصویب و جهت اجراء ابلاغ میشود موقع اجراء نقاط ضعف و قوت خود را نشان میدهد. یکی از وظایف قوه مقننه نظارت بر اجرای قوانین و یافتن نقاط ضعف و قوت آنهاست تا با تقویت نقاط مثبت و حذف نقاط منفی قوانین موجود، ساختار قانونی جامعه را اصلاح نماید که شوراها هم بیش از پیش به این نظارت قانونی نیاز دارند.

۶ - وظایف اعضاء شوراها در قبال نظام شورایی :

خانواده ۱۶۴ هزار نفری شوراها که در هر دوره چهارساله تعداد آنها نسبت به دوره قبل (به لحاظ رشد جمعیت و تبدیل روستاها به شهرها) افزایش می یابد از زمره عوامل مؤثر بر عملکرد شوراها می باشد ، بلکه میتوان گفت که مجموعه عملکردهای اعضاء شوراها بیش از سایر عوامل در سیستم شورایی کشور مؤثر است . به هر میزان که سطح معلومات ، آگاهی ، تجربه ، روحیه کار و تلاش و انگیزه تک تک و گروهی اعضاء این خانواده بیشتر باشد به همان میزان سیستم کلان شورایی شاهد رشد و ترقی روزافزون خواهد بود .

اعضاء شوراها هشت وظیفه عمده در قبال سیستم شورایی دارند که عبارتند از :

۱-۶- نهادینه کردن مشارکت :

مشارکت چیزی نیست که فقط از دیگران انتظار داشته باشیم بلکه در بحث مشارکت همیشه باید گامهای اول و دوم را خودمان برداریم تا بستر و زمینه لازم جهت مشارکت دیگران نیز فراهم شود .

مطمئن باشید با طی شدن گامهای اول و دوم توسط “ ما “ ، گام سوم توسط “ آنها “ برداشته میشود و اگر چنین نشد یعنی از گام سوم خبری نشد باید مجدداً گامهای اول و دوم را با رویکردی متفاوت تکرار کنیم . تا به نقطه سر به سر جهت شروع مشارکت برسیم .

نقطه سر به سر در مشارکت جایی است که اهداف ، منافع و برنامه های “ ما “ با اهداف ، منافع و برنامه های “ آنها “ همخوانی دارد .

به یاد داشته باشیم که مشارکت هیچگاه یکطرفه نمی شود و حتماً بایستی مصالح هر دو طرف مورد نظر قرار گیرد .

یک مشارکت خوب آن است که طرفین مشارکت به نیازها ، خواسته ها و منافع یکدیگر واقف باشند و انگیزه لازم را جهت برآوردن نیازهای یکدیگر داشته باشند .

منظور از نهادینه کردن مشارکت ، آن است که مشارکت را در عقاید ، باورها ، هنجارها ، رفتارها و فرهنگ مردم بگنجانیم . و تشکیل شوراها در بخشهای مختلف جامعه از مدارس تا بازار ، از ادارات تا کارخانجات ، از جمع دوستان تا شوراهای شهر ،

در واقع بالفعل نمودن مشارکت است و چنانچه در یک جامعه ای ، مشارکت بصورت بالقوه وجود نداشته باشد مطمئناً هر شورایی هم تشکیل شود با خطر شکست و از هم پاشیدگی و یا کج پیمایی مسیر مواجه خواهد شد .

پس جهت موفقیت در کارهای گروهی ، حرکت‌های تیمی و نهادهای شورایی نیاز است مشارکت را نهادینه کنیم .

۲-۶- اخلاق شورایی

در این خصوص در فصول قبلی بصورت مفصل مطالبی بیان گردید و مختصراً چنین گفته شود که هر یک از اعضاء شوراها اعم از شوراهای شهر یا روستا باید اخلاق شورایی را در خود پرورش دهند و در گفتار ، رفتار ، کردار و عملکرد خویش ، از منیت خویش بیرون آیند و خود نباشند بلکه نماینده مردم باشند .

یک عضو شورا بداند ، که از وقتی که مردم او را به عنوان نماینده خویش در شورا برگزیده اند از همان روز :

او دیگر “خودش” نیست بلکه “مردم” است و خودش نیز جزئی از مردم است .
او دیگر مال خودش نیست بلکه از آن مردم است و باید خود را وقف مردم کند .
او باید مردمی باشد و در مردم ذوب شود .

۳-۶- فرهنگ سازی

یکی از وظایف مهم اعضاء شوراها ، کمک به فرهنگ سازی در زمینه شوراها می باشد . رفتار ، اعمال ، گفتار و منش هر یک از اعضاء شوراها معرف نهاد شورا می باشد هر عضو شورا بایستی در هنجارها و اخلاقیات خویش ، وسواس لازم را داشته باشد و سعی کند آن گفتاری را بگوید آن عملی را انجام دهد که موجب تقویت سیستم شورایی شود چرا که هر حرکت یک عضو شورا چه منفی و چه مثبت به حساب کل سیستم شورایی گذاشته میشود . بطور مثال : چنانچه یکی از اعضاء شوراها در مجامع عمومی یا محافل خصوصی اقدام به هتاکی دیگران نماید این حرکت به حساب سیستم شورایی گذاشته شده و مردم شوراها را با آن روش خواهند شناخت و آن روش خود به خود به یک خرده فرهنگ در فرهنگ شورایی تبدیل شده و در صورت تکرار و مداومت

چنین خرده فرهنگهایی، کل فرهنگ شورایی بدین سان شکل خواهد گرفت. واضح است که هر عضو شورا با کنترل اعمال خویش می تواند الگوی مثبتی برای اعضاء دیگر و نیز آیندگان شود.

وظیفه اعضاء شوراها در این خصوص بسیار خطیر است چرا که حتی حرکات ریز آنها هم زیر ذره بین بوده و هر چه از اعضاء شورا سر بزند به حساب سیستم شورایی گذاشته شده و معرف شورا خواهد شد پس جهت فرهنگ سازی صحیح شورایی نیاز است روی اعمال - حرکات - رفتار - گفتار و هنجارهای خویش حتی در محافل خصوصی کنترل داشته باشیم.

۴-۶- موتور محرکه توسعه

توسعه هیچگاه در خلاء اتفاق نمی افتد و عامل اصلی توسعه عبارت است از نیروی انسانی. یک عضو شورا بعنوان نماینده مردم باید با تلاش، کوشش و خلاقیت خویش همانند موتور محرکه توسعه محل انتخابیه خویش عمل کند.

توسعه دو سمت دارد یک سمت توسعه، از بالا به پایین است و آن عبارت است از سیاستهای کلان ملی و بین المللی و پروژه های بزرگ ملی و سمت دیگر آن از پایین به بالاست و آن عبارت است از توسعه هر واحد کوچک اجتماع، توسعه ده، روستا، شهر، شهرک، استان و بالاخره کشور.

اعضاء شوراها موظفند در محل انتخابیه خویش سیاستهایی را اعمال و پروژه هایی را اجرا نمایند که آن محل را به سمت توسعه سوق دهند. اگر تمام شوراها موفق به حرکت در آوردن موتور توسعه در محدوده خویش باشند با استناد به قیاس از جزء به کل، یک سمت توسعه را پیموده ایم و قطعاً شوراها می توانند به توسعه سرعت بیشتری را ببخشند.

۵-۶- ایجاد رابطه ارگانیک با سایر عوامل :

سیستم شورایی در تعامل مستقیم با دهها عامل مختلف از جمله : مردم، قوانین، فرهنگ ها، دستگاههای اجرایی و ... می باشند هر شورا بایستی در سیاست گذاریهای خویش و هر عضو شورا در رفتار و اعمال خویش چنان عمل نماید که موجب ایجاد یک رابطه ارگانیک سالم با تمام عوامل تأثیر گذار در سیستم شورایی شود.

یک عضو شورا می تواند با یک سخنرانی یا مصاحبه غیر منطقی نسبت به یکی از عوامل مذکور بنازد و همین عمل موجب کدر شدن ارتباط آن عامل با شورا خواهد شد و عکس آن نیز صادق است پس بر اعضاء شوراها لازم است تا سعی و اهتمام خود را در تقویت ارتباط خویش با عوامل مؤثر بر شورا بکار گیرند . هر چقدر این ارتباطات صحیح و شفاف باشند به همان نسبت کامیابی شورا بیشتر خواهد شد .

۶-۶- فکر سازی و اندیشه پروری

در هر جامعه ای فقط افراد معدودی هستند که دارای فکر بدیع ، اندیشه خلاق و ایده های جالب باشند یکی از وظایف شوراها این است که همین فکرها را پیدا کنند و در راه توسعه پیشرفت محل خویش بکار گیرند . نباید اعضاء شوراها ، شورا را فقط محل افکار خود بدانند بلکه بهتر آن است که همیشه یک جای خالی بزرگ و یک فضای بکر نیز در شورا برای افکار جدید نگه داریم به بیان دیگر شورا محل تعامل و تبادل افکار است پس سعی شود اندیشه های نوآور را به سمت شورا سوق دهیم . پیدا کردن این اندیشه ها و حمایت از آنها از وظایف تک تک اعضاء شوراهاست . یک شورای موفق آن است که همیشه تغذیه مناسبی از افکار بدیع داشته باشد .

۶-۷- یافتن راهکار جدید :

صحن شورا ، محل تضاد افکار و برخورد اندیشه ها نیست بلکه شورا محل تعامل و تبادل افکار مختلف است تا راهکارجدیدی برای سرعت بخشیدن به توسعه و پیشرفت یافته شود. هر عضو شورا وظیفه دارد قبل از حضور در جلسه ، راهکارهای مختلفی را برای حل معضلات و مسایل مطروحه در جلسه بیابد . هر چه تعداد راهکار ارائه شده توسط یک عضو شورا بیشتر باشد رسیدن به نقطه مشترک آسان تر خواهد شد . هر عضو شورا باید اهتمام لازم را به خرج دهد تا راهکار جدید یا منابع تازه ای را بیابد و این مهم از طریق مشاوره با افراد آگاه و کارشناس و مطالعه نتایج تحقیقات و آخرین نظریات و دست آوردهای دیگران باشد . خصوصیت یک نظام شورایی ایده آل آن است که اعضاء آن توان و نیروی خود را صرف جناح بندی – گروه بندی و رقابت منفی با یکدیگر نکنند تمام توان و استعداد خود را بکار گیرند تا راهکارهای منطقی تری را برای توسعه انتخاب نمایند .

فصل ششم :

« تحلیل اولین دور شوراهای اسلامی

ایران ۸۱ - ۱۳۷۸ »

فریادهای آزادیخواهان و مشروطه خواهان در سال ۱۳۲۵ ه. ق به ثمر نشست و در متمم قانون اساسی مشروطه طرح تاسیس " انجمن های ایالتی و ولایتی " در فصل هشتم آن در چهارده اصل تصویب گردید اما هیچگاه اجرا نگردید چرا که نهضت مشروطیت رو به افول گذاشت و حکومتهای مستبد و یا با رنگ و بوی استبداد حکمرانی کردند .

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران که بیش از همه طعم تلخ استبداد را کشیده بود درست پس از گذشت ۲۷ روز از استقرار جمهوری اسلامی ایران ، با صدور فرمان تاریخی خویش در نهم اردیبهشت ۱۳۵۸ ه. ش خواستار استقرار نظام شورایی در کشور گردیدند . گرچه بلافاصله پس از صدور این فرمان قوانین مربوط در قالب اصولی مجزا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش بینی گردیده و آئین نامه اجرایی آن نوشته شده و بصورت آزمایشی در چندین شهر و روستا ، شوراهای اسلامی تشکیل گردیده اما عملاً بنا به دلایلی از جمله : جنگ تحمیلی ، توطئه های داخلی و ... اجرای کامل این سیستم متوقف گردید .

هفتم اسفند ۱۳۷۷ مردم سراسر ایران اسلامی با حضور سبز خویش در پای صندوق های رأی ، اولین شوراهای اسلامی شهر و روستا را انتخاب نمودند و بدین سان تخم آزادی و دموکراسی و مردم سالاری در خاک گهر خیز ایران زمین کاشته شد . اما اینبار افول یا توقفی در کار نبود گویی همه ایرانیان عزمشان را جزم کرده بودند تا

بزرگترین راهکار رسیدن به توسعه را عملی سازند. گرچه تجربه اول بود اما موفقیت دور اول به وضوح، رشد فکری و عقلی و اجتماعی مردم را نشان داد. اینک به بررسی اختصاری این دوره در قالب آمار و ارقام می پردازیم:

«برخی آمار و ارقام از شوراهای اسلامی شهر و روستا در دور اول» (۸۱ - ۷۸)

تعداد شوراهای تشکیل شده ۳۴۱۴۶ شورا
 شهر ۷۱۷
 روستا ۳۲۶۷۷
 شهرک ۲۴

- تعداد اعضای اصلی ۱۰۷۲۹۳ نفر

- تعداد اعضای علی البدل ۵۶۷۲۹ نفر

- تعداد مجموع اعضای اصلی و علی البدل ۱۶۴۰۲۲ نفر

- تعداد زن از مجموع اعضاء ۱۳۷۳ نفر

- تعداد مرد از مجموع اعضاء ۱۶۲۶۴۹ نفر

- دارندگان مدرک تحصیلی زیر دیپلم ۸۰٪ یا ۱۳۰۸۴۹ نفر

- دارندگان مدرک تحصیلی بالای دیپلم ۲۰٪ که ۲۵۱۴۸ نفر دیپلمه و فوق دیپلم

و ۸۰۲۵ نفر لیسانس به بالا

- مجموعاً ۷۲۷۶ نفر زن داوطلب عضویت شده بودند که ۷۸۷ نفر آنها منتخب

شده اند.

- مجموعاً ۲۳۶۶۸۷۴۹ برگ رای به صندوق ها ریخته شده بود که از آن تعداد

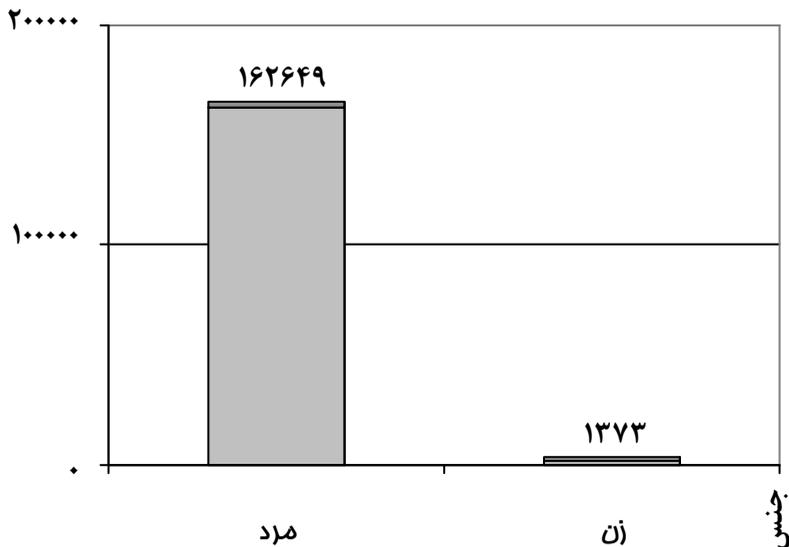
۱۳۸۰۷۱۰۱ برگ متعلق به شهرها و تعداد ۲۸۴۷۵ برگ متعلق به شهرک ها و

۹۸۳۳۱۶۳ برگ متعلق به روستاها بود.

نمودار اعضای اصلی و علی البدل

تعداد - نفر

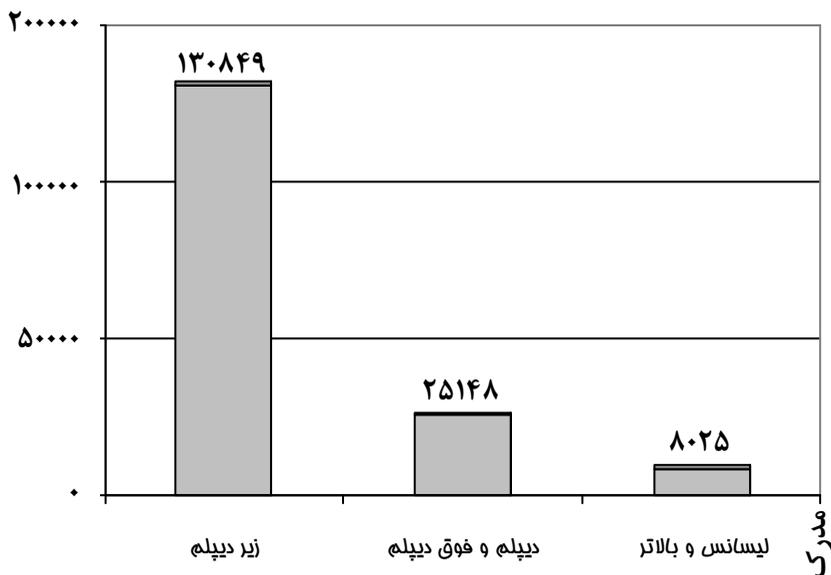
شوراهای دور اول به تفکیک جنس



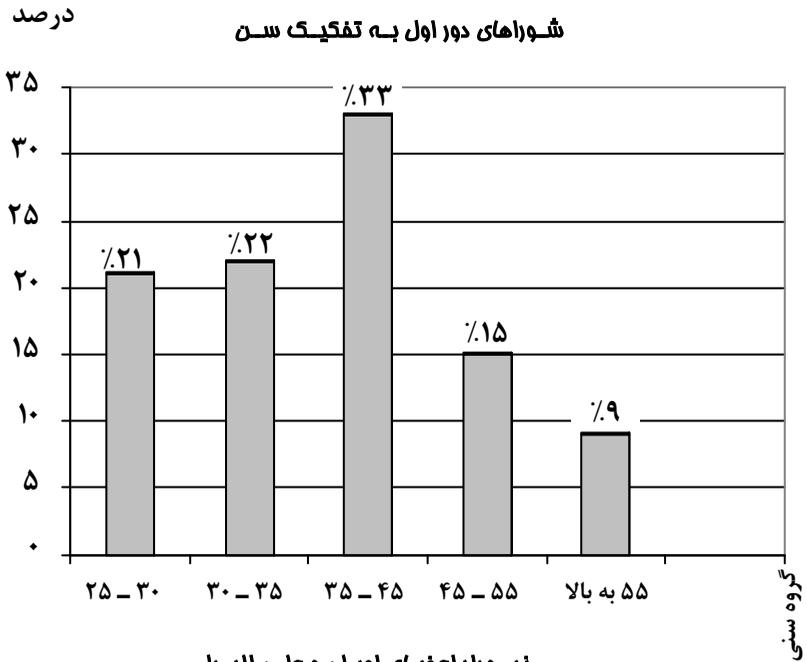
نمودار اعضای اصلی و علی البدل

تعداد

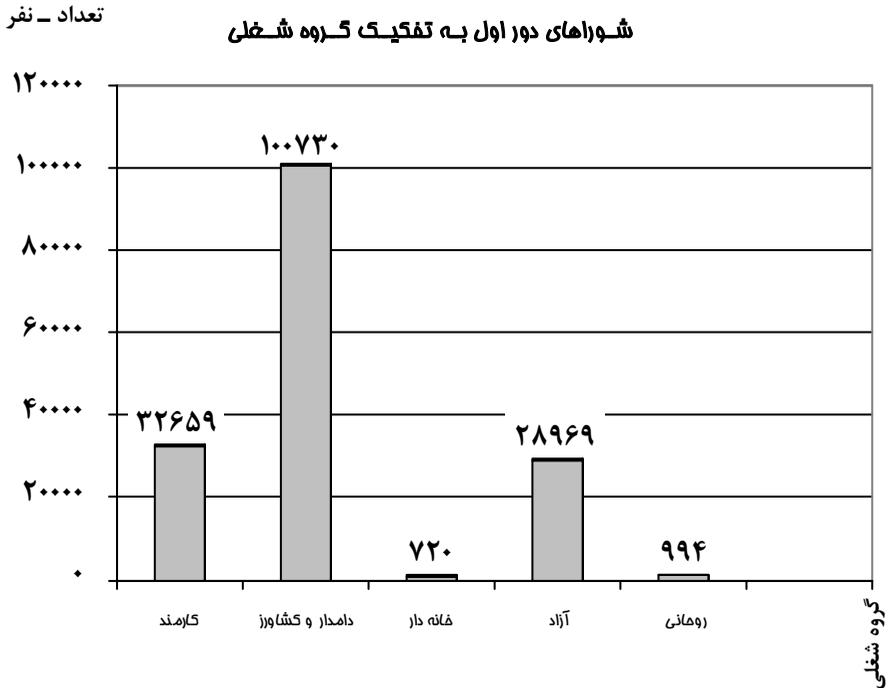
شوراهای دور اول به تفکیک مدرک تحصیلی



نمودار اعضای اصلی و علی البدل
شوراهای دور اول به تفکیک سن



نمودار اعضای اصلی و علی البدل
شوراهای دور اول به تفکیک گروه شغلی



تحلیل عملکرد دور اول نظام شورایی کشور از دو منظر متفاوت :

- | | |
|--|--|
| الف (ثمره های نظام شورایی در دور اول | ب (کاستی های نظام شورایی در دور اول |
| ۱ - مشارکت مستقیم ۱۶۴۰۲۲ نفر نیروی مردمی در اداره کشور | ۱- فقدان قانون شفاف در باب اختیارات و وظایف شوراها |
| ۲ - تمرین و آموزش مدیریت شهری | ۲- ضعف فرهنگ مشارکتی و شورایی |
| ۳ - نهادهای ناکارآمد دموکراسی و حرکت سوی جامعه مدنی | ۳ - نظام تمرکز اداری و مقاومت ها |
| ۴ - کاهش تصدی گری دولت | |
| ۵ - جلب مشارکت های مردمی | |
| ۶ - افزایش توان نظارتی مردم | |
| ۷ - تمرکز زدایی یک گام جلو | |
| ۸ - تولید سرمایه نهادی | |
| ۹ - افزایش حاکمیت مردم | |

الف (ثمره های نظام شورایی در دور اول : (۱۳۸۱ - ۱۳۷۸)

۱) مشارکت مستقیم ۱۶۴۰۲۲ نفر نیروی مردمی در اداره کشور
قبل از برقراری نظام شورایی در کشور ، کلیه تصمیمات راجع به شهرها و روستاها توسط چند نفر مدیر و کارشناس در چند وزارت خانه ی بخصوص به انجام می رسید و آن تصمیمات به کل کشور تسری داده میشد و به هیچ عنوان شرایط خاص و محدودیتها یا توانمندی های یک محل در قیاس با محل دیگر ملاک عمل قرار نمی گرفت . طبیعی است چنین تصمیماتی در عمل و اجرا با مشکلات ، نارسایی ها و نارضایتی های متعدد مواجه میشد که در نهایت دود آن به چشم مردم می رفت از سوی دیگر ، مردم بعنوان محوری ترین پارامتر توسعه از دخالت مستقیم در امور و مشارکت در تصمیمات محل خویش بدور بودند .

در دور اول شوراهای تعداد ۱۶۴۰۲۲ نفر بعنوان اعضاء اصلی و علی البدل شوراهای شهر و روستا در قالب ۳۴۱۴۶ شورا به تفکیک تعداد ۳۲۶۷۷ شورای روستا و تعداد ۷۱۷ شورای شهر و تعداد ۲۴ شورای شهرک در نحوه اداره و مدیریت محل خویش دخالت مستقیم داشتند .

دخالت مستقیم مردم در امور راجع به محل زندگی خویش (شهر ، روستا ، شهرک) میزان مشارکت آنها را افزایش داده و قائل شدن حق نظارت مردمی بر عملکرد دستگاهها ، موجب شده است تا اهالی یک محل خود را بیش از گذشته صاحب آن پروژه ها بدانند .

به بیان دیگر کل مردم ایران بصورت نیمه مستقیم و حدود یکصد و شصت هزار نفر بصورت مستقیم در اداره محلهای سکونت خویش نقش ایفاء نمودند و هر محل بر حسب نیازهای خاص خود ، و خواست مردم آن اداره شد .

گرچه در دور اول نارسایی های متعددی وجود داشت که اجازه نداد حلاوت نظام شورایی به کام مردم گوارا شود ولی پیاده نمودن همین نظام شورایی ناقص ، نارسا و ابتدایی ، موجب ایجاد و تقویت حس مشارکت در مردم گردید .

۲ - تمرین و آموزش مدیریت شهری و بهره وری منابع انسانی :

قبل از شوراهای ، فقط تعداد بسیار اندکی از شهروندان در اداره امور محل (برنامه ریزی - تصمیم گیری - اجراء - نظارت) نقش محوری داشتند و خیل عظیم مردم تنها به نظاره امور (بدون حق اظهار نظر) بسنده می کردند ولی با آغاز فعالیت شوراهای ، صدها هزار نیروی مردمی وارد عرصه تصمیم گیری و نظارت بر مدیریت شهری شدند که طبعاً هر کدام سلیق و ایده های جدیدی داشتند از سوی دیگر بدلیل ماهیت مردمی بودن نهاد شورا همه روزه در تعامل مستقیم ، بازخوردهای سیستم را دریافت کرده و به دستگاههای مجری و برنامه ریز ارائه می نمودند . این کار ، علاوه بر دخالت دادن مردم در اداره امور محل سکونت خویش ، باعث شده است که صدها هزار نفر ، تمرین مدیریت شهری بنمایند و چهره هایی از بطن مردم جهت اداره شهرها و روستاها روی کار آیند و با آموزش و تمرین مدیریت شهری گامی در جهت افزایش تعداد مدیران مردمی و تجربی بردارند با اتمام دور اول شورا به یقین میتوان گفت که حدود یکصد و

شصت هزار نفر از مردم این کشور در موضوع مدیریت شهر و روستای خویش خبره شده اند و این یعنی یک گام بلند در توسعه نیروی انسانی و بهینه سازی منابع انسانی . در حالی که قبل از دوران شورایی همین افراد ، تجربه ، تبخّر و دانش مدیریتی لازم را در این خصوص نداشتند و یا علمشان در این مورد خیلی کم و ناقص بود . با این فرض اگر ده دوره دیگر نظام شورایی در این کشور ادامه یابد با فرض عدم تغییر آمار اعضاء شوراها تعداد نزدیک به دو میلیون نفر از مردم این کشور در مسایل مدیریت شهری و روستایی ، صاحب دانش و تجربه خواهند شد . در واقع میتوان گفت : شوراها به مثابه “ دانشگاه تربیت مدیران بومی ” هستند و در هر دور چهار ساله حدود دویست هزار نفر دانشجو به آن وارد و فارغ التحصیل میشوند .

فلذا لازم است این دانشگاه به ساز و کار علمی و تخصصی مدرن مجهز شود تا فارغ التحصیلان آن بتوانند نقش خود را در جامعه چه در قالب افراد مدیر و چه در قالب افراد غیر مدیر (اما مسئول) (کلهم راع و کلهم مسئول) ایفاء نمایند .

تشکیل شوراها علاوه بر اهداف مذکور در قانون ، عملاً منجر به توسعه نیروی انسانی و افزایش بهره وری منابع انسانی نیز میشود و این بزرگترین فرصت برای کشورمان است که از مزیت های وافر این نهاد بهره مند شود . اما تهدیدی که در این خصوص وجود دارد آن است که چنانچه دانشگاه مذکور به آخرین دستاوردهای روز دنیا مجهز نشود و دانشجویان آن با متد ابتدایی و دموده شده آموزش ببینند ، موجب هدر رفتن منابع و سرمایه ها و فرصت ها خواهد شد .

جهت تجهیز این دانشگاه به ابزار لازم برای آموزش ، ابتدا قانون شوراها باید اصلاح و تکمیل شود .

برای اینکار میتوان از قوانین شوراها در کشورهای پیشرفته که یکصد و پنجاه الی دویست سال پیش نظام شورایی را تجربه کرده اند بهره برد .

۳ - نهادینه کردن دموکراسی و حرکت به سوی جامعه مدنی

بهترین شیوه حکومت در تمام ادیان الهی خصوصاً اسلام و در تمام مکاتب بشری ، حکومتی است که بواسطه آن ، مردم در آرامش و آسایش و رفاه باشند و مردم

سرنوشتشان را خود تعیین کنند . یعنی حکومت مردم بر مردم که اصطلاحاً بدان “دموکراسی” گفته میشود .

اسلام پا را از آن فراتر گذاشته و حکومت مردم بر مردم را متعالی تر از شیوه های مکاتب بشری ترسیم نموده است . اسلام حکومتی را پیشنهاد می کند که علاوه بر هر آنچه مکاتب بشری در بعد آسایش ، رفاه و آزادی مردم گفته اند یک بُعد معنوی و مقدس را نیز به حکومت و جامعه قائل است که اصطلاحاً به آن “مردم سالاری دینی” می گویند .

تعبیر مکاتب بشری از رفاه آن است که مردم هر چیزی نیاز داشته باشند در دسترسشان باشد ولی اسلام به همین موضوع یک بُعد دینی و معنوی هم میدهد . از نظر اسلام رفاه آن است که مردم تمام نیازهایشان برآورده شود اما با رعایت حلال و حرام .

در باب آزادی هم همینطور و الی آخر .

اسلام آن آزادی را پیشنهاد می کند که در چارچوب دین باشد ، البته دینی مانند اسلام که مترقی ترین ادیان است . نه بعضی از ادیان که احتمال تحریف در آن ها وجود داشته باشد .

دموکراسی به چندین شیوه ممکن است در یک کشور پدیدار گردد ولی آنچه مهم است دوام و بقاء آن است و هیچ شیوه حکومت یا فرهنگی دوام نمی یابد مگر اینکه نهادینه شود و منظور از نهادینه شدن دموکراسی ، یعنی همگانی کردن آن ، توسعه آن ، بسط و گسترش آن در تمام ابعاد جامعه بطوریکه دموکراسی تبدیل به یکی از بنیادی ترین فرهنگها و آداب و رسوم در جامعه شود .

بدین ترتیب بستر لازم در جامعه فراهم میشود تا حرکت به سوی جامعه مدنی آسان تر اتفاق افتد .

شوراها نیز یکی از ابزار های توسعه اجتماعی ، فرهنگی و مدنی جامعه هستند . دور اول شوراها با تمامی نواقص و کم و کاستی که در خود داشت توانست نهاد شورا را بعنوان یک نهاد ضروری در جامعه معرفی کند .

۴ - کاهش تصدی گری دولت :

تجربه کشورهای موفق در اداره مملکت نشان میدهد که سازمان دولت هر چقدر کوچک ، کم حجم و کم هزینه باشد به همان اندازه کارتر ، مفید تر و منظم خواهد بود . در کشور ایران قبل از تشکیل شوراها ، دولت مجبور بود حتی در ریزترین مسایل یک روستا یا شهر دخالت نموده و مستقیماً تصدی امور را بر عهده گیرد در حالیکه این همه شهر و روستا و محلاً عملاً خارج از توان نظارتی و کنترل دولت بوده و دولت مجبور بود برای برنامه ریزی ، اجراء و نظارت از یک متد کلیشه ای و ثابت برای کلیه محلهها استفاده کند در حالیکه چنین متدهایی در تمام نقاط کشور جواب نمی دهند چرا که هر محل ، خصوصیات مختص خود را دارد . از سوی دیگر طراحی برنامه های ریز و کوچک به شکل بومی برای هر منطقه از عهده دولت خارج بود ولی شوراها ، رافع این مشکل هستند و هر شورا به راحتی و در آرامش خیال می تواند نیازهای بومی و مختص محل خویش را پیدا نموده و یک راه حل بومی و کم هزینه نیز برای آن طراحی نماید . در اینصورت مقدار زیادی از بار مالی دولت کاسته میشود و به مقدار فراوانی تصدی گری دولت نیز کاهش می یابد در اینصورت دولت می تواند با زدن شاخ و برگ اضافی به اصلاح تنه اصلی خویش بپردازد و در حوزه پروژه های ملی با فراغت خیال ، فکر و اندیشه و زمان لازم را صرف نماید .

شوراها نوعی حکومت های محلی هستند که بار سنگین تصدی گری را از کول حکومت مرکزی برداشته و نقش حکومت را در اعمال حاکمیت شفاف تر و قدرتمند تر می نماید .

۵ - جلب مشارکت های مردمی :

تحقق نظام شورایی ، اداره امور هر محل را بصورت مستقل و خود گردان در چار چوب حکومت مرکزی خواهد نمود . اهالی هر محل که بیشترین مشارکت را در برنامه های اداره آن محل داشته باشند شاهد توسعه محل خویش خواهند بود فلذا به عینه ، نتیجه مشارکت را دیده و آن نیز سبب تقویت روحیه مشارکت مردم در اداره شهر و روستا می باشد .

میزان توسعه هر محل رابطه مستقیم با میزان مشارکت مردم آن دارد بطوریکه با افزایش میزان مشارکت مردم ، بهره وری پروژه ها نیز افزایش خواهد یافت .
 از سوی دیگر ، چون نهاد جلب مشارکت (شورا) برخاسته از میان همان مردم و با همان خصوصیات فرهنگی و اجتماعی است پس دقیقاً می داند که چه گروههایی در چه زمینه هایی علاقمند به مشارکت هستند و یا چه کسانی در چه مواقعی یا در چه مکانی حاضر به مشارکت هستند .

جهت جلب بهینه مشارکت مردم و اهالی ، مشارکت گیرنده باید شناخت کاملی از روحیات ، اخلاق ، فرهنگ ، سنن و آداب اهالی داشته باشد . طبیعی است نهاد شورا که از امتیاز بزرگ شناخت جامعه ، برخوردار است با برنامه ریزی و مدیریت صحیح می تواند حداکثر مشارکت مردم و گروهها را جهت انجام کارهای عام المنفعه جلب نماید .

اهالی یک شهر یا یک روستا شیوه های گوناگونی و متفاوتی برای مشارکت دارند ممکن است گروهی راغب باشند در مسایل فرهنگی مشارکت کنند ، افرادی در زمینه هیئت های حسینی ، کسانی در مورد مدرسه سازی ، عده ای در عمران شهری و بالاخره هر کس در خود نوعی ظرفیت برای مشارکت دارد که بایستی این ظرفیت ها شناخته شده و بر اساس آن دعوت به مشارکت شود در غیر اینصورت مشارکت ، بهره وری نخواهد داشت . بطور مثال : چنانچه در یک هیئت یا موكب عزاداری حسینی جهت اجرای یک تئاتر خیابانی با مضمون غیر دینی دعوت به مشارکت کنیم هیچگاه موفق نخواهیم شد ولی در همین هیئت جهت اجرای یک برنامه زبارتی به عتبات عالیه مشارکت بخواهیم موفقیت تضمین شده است و باز میزان موفقیت آن بستگی به شرایط دیگری هم دارد از جمله : نحوه خواستن مشارکت - چه کسی مشارکت بخواهد - چگونه بخواهد - از کی و با چه زبانی و در چه زمانی و مکانی بخواهد . حتی لهجه ، نوع گویش و تن صدا مشارکت جوینده در میزان مشارکت ، مشارکت کننده تاثیر گذار است .

جهت افزایش بهره وری در مشارکت بایستی به مباحث روان شناسی و جامعه شناسی نیز توجه شود .

۶ - افزایش توان نظارتی مردم :

نظارت مردم بر ادارهٔ امور کشور ، یکی از مشخصه های جمهوری اسلامی است که در قانون اساسی نیز خصوصاً در فصل هفتم (فصل شوراها) بدان پرداخته شده است .

در سیستم حکومتی جمهوری اسلامی ، نهادها ، ارگانها و سازمانهای نظارتی متعددی جهت کنترل ، بازرسی و نظارت بر امور کشور پیش بینی شده و استقرار یافته اند ولی هر کدام به نوعی به حاکمیت متصل بوده و حالت دولتی و رسمی دارند . تنها نهاد شورا است که از این مورد مستثنی است و در حوزه عملکرد نظارتی ، یک ناظر بالفعل مردمی به حساب می آید .

شورا بواسطهٔ ارتباطات مستقیم و فوری با تک تک شهروندان ، توانایی کسب اطلاعات دقیق و به روز را داشته و حتی از ریزترین مسایل نیز باخبر میشود . از سوی دیگر اختیار نظارت بر امور را هم دارد و این نظارت ، مردمی ترین نظارت نظام است که دقت ، صحت و میزان نفوذ آن بسیار بالاتر از سایر ارگانهای نظارتی رسمی و دولتی است .

۷ - تمرکز زدایی یک گام به جلو

برنامه ریزان توسعهٔ کشور یکی از اقدامات لازم برای تحقق توسعه را ، تمرکز زدایی در کشور می دانند . اعطاء اختیارات لازم به شوراها علاوه بر کاستن از میزان تصدی گری دولت ، موجب تمرکز زدایی در برنامه ریزی ، اجراء و ادارهٔ امور کشور میشود .

تمرکز در حاکمیت و سیاست گذاری کلی ، اشکالی ندارد اما در مسایل پایین دستی هر چقدر به بخشهای پایین ، اختیارات بیشتری واگذار شود ادارهٔ امور روان تر ، سهل تر و بهینه تر خواهد بود .

شوراها نیز با دریافت بسیاری از اختیارات دولت ، در زمینه های تصمیم گیری ، برنامه ریزی ، اجراء و نظارت ، گامی در جهت تمرکز زدایی محسوب میشوند .

اگر تا دیروز ، جهت دریافت یک مصوبه در امور شهرداری برای یک شهروند می بایست از طریق استانداری و مرکز استان اقدام میشد ، با تشکیل شوراها این رویه آسان تر و روان تر شده و همان مصوبه در همان شهرستان صادر میشود و همینطور تصمیمات لازم برای اهالی یک روستا در همان روستا اخذ و تصویب میشود .

از طرق مهم و پایدارتری که نشانگر حاکمیت مردم است تشکیل نهاد شوراها و برقراری نظام شورایی در کشور است .

در یک نظام شورایی ، حاکمیت مردم از زیر بخشهایی مانند روستاها و شهرهای کوچک شروع شده و به ارکان بالای جامعه تسری پیدا می کند .

به هر میزان که حاکمیت مردم در جامعه افزایش یابد به همان میزان نیز احساس تعلق خاطر و حس وطن پرستی و خدمت به کشور در میان مردم افزایش می یابد .

نظام شورایی سبب میشود تا مردم در اسرع وقت به آنچه که خود می خواهند دسترسی داشته باشند و خود حاکم بر سرنوشت و امورات خویش باشند .

در دین اسلام نیز تاکید فراوانی بر حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش شده است و همیشه بر حکمرانان سفارش شده تا خلاف میل مردم رفتار نکنند .

گرچه در ایران ، بعد از انقلاب اسلامی در طول ۲۳ سال ، بیش از ۲۰ انتخابات سراسری با حضور گسترده مردم انجام پذیرفته بود که حاکی از وجود حاکمیت مردم در جامعه است ولی با برقراری نظام شورایی در کشور ، حاکمیت مردم تجلی دیگری پیدا نمود و پایه های حکومت مردمی مستحکم تر گردید .

ب) کاستی های نظام شورایی در دور اول (۸۱ - ۱۳۷۸) :

۱ - فقدان قانون شفاف در باب اختیارات و وظایف شوراها .

اعضاء دور اول شوراها را میتوان به پیشگامان نظام شورایی در جاده های تاریک تشبیه کرد که فاقد قوانین و اختیارات روشن کننده مسیر حرکت بودند . اختیارات شوراها به حدی اندک بود که حتی در مورد صدور یک روز مرخصی به شهرداران توسط شوراها اختلاف نظر بود و با اینکه در قانون پیش بینی شده بود ولی در برخی استانها

واقعاً سوال این است با این اختیارات اندک ، شورایی به عظمت شورای شهر تهران چگونه خواهد توانست این شهر را اداره کند ، جالب اینجاست با مطالعه همین یک ماده نیز در می یابیم که بیشتر به یک انشاء دبیرستانی شباهت دارد تا به قانونی که اراده اداره شهر به اعضاء بدهد مثلاً به یکی از بندهای آن توجه کنید :

بند ۴ ماده ۷۱ قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراها ... : " همکاری با مسئولین اجرایی و نهادها و سازمان های مملکتی در زمینه های مختلف اجتماعی ، عمرانی ، فرهنگی ، آموزشی ، اقتصادی بنا به درخواست آنان . " مفهوم و تفسیر این بند چنین است : مادامی که مسئولین ادارات از شوراها همکاری نخواهند ، شوراها حق دخالت ، همکاری و اظهار نظر در خصوص آنها را ندارند .

یعنی شوراها فقط و فقط در صورت درخواست از آنان می توانند به ادارات شهر مراجعه و همکاری کنند لایغر . مثلاً اگر در سیستم گازرسانی ، شبکه آب یا توزیع نیرو مشکلی پیش آمد ، شوراها حقّی برای مراجعه به دستگاه مربوطه ندارند مگر اینکه خود آن دستگاهها از اعضاء شورا دعوت به همکاری نمایند .

البته در عمل این اتفاق روی نداد و شوراهای دور اول علیرغم وجود قوانین بازدارنده و عدم وجود اختیارات ، به دستگاههای اجرایی مراجعه ، مکاتبه و حق و حقوق محل خود را استیفا می کردند ولی بعضاً دستگاههای اجرایی استنکاف می کردند.

بنابراین می توان گفت در دور اول شوراها ، هر پیشرفتی که در امور شهر و روستاها انجام پذیرفته نه به لحاظ وجود اختیارات قانونی بلکه به لحاظ عملکرد خارج ار چارچوب قانونی شوراها بوده است .

بطور مثال از میان هزاران دستگاه اجرایی کمتر میتوان سراغ داشت که به شورایی نامه نویسد و از او دعوت به همکاری نماید ولی از میان ۳۴۱۴۶ شورای شهر ، روستا و شهرک ، میتوان گفت همگی بدون دعوت نامه ، به ادارات مراجعه و مشکل محل خود را طرح ، پی گیری و تا حدّ مقدمات رفع نموده اند .

سایر مفاد قانون شوراها هم در باب وظایف شوراها مشابه همین است .

انتظارات مغایر با واقعیات است .

به واقعیات موجود در خصوص اختیارات شوراها مختصراً اشاره شد ولی انتظاراتی که جامعه، خصوصاً رای دهندگان از شوراها داشتند ۱۸۰ درجه مغایر واقعیات بود.

مردم، شوراها را در رأس امور محل خویش دیده و انتظار داشتند که از کوچکترین مسایل تا بزرگترین طرحها را شوراها بانجام رسانند و این دیدگاه در مردم در نتیجه ۳ عامل پدید آمده بود.

۱- شوراها در کشورهای پیشرفته.

مردم از طریق رسانه‌ها مطلع هستند که شوراها در کشورهای توسعه یافته همه کاره آن محل هستند و هر تصمیمی اتخاذ کنند دستگاههای اجرایی باید بپذیرند. حتی پلیس نیز زیر نظر شوراها عمل می‌کند و انتظار دارند شوراهای کشورمان نیز در همان حد و حدود باشد.

۲- شوراها در تعاریف مسئولین.

مسئولین کشور در آستانه انتخابات تعاریف گوناگونی ارائه نمودند یکی می‌گفت “شوراها به مثابه مجلس محلی هستند” آن دیگری می‌گفت: “شوراها به مثابه دولت کوچک هستند.”

این تعبیر و تفاسیر انتظاراتی را در مردم پدید آورد که شوراها را منجی محل خود فرض کرده بودند ولی در عمل چنین اختیاراتی به شوراها داده نشد و امید مردم به یاس مبدل شد و نتیجه آن در انتخابات دور دوم شوراها با افول میزان شرکت کنندگان در رای گیری مشاهده گردید بطوریکه در برخی شهرها میزان رای دهندگان حتی به ۱۶٪ واجدین شرایط نیز نرسید در حالیکه در انتخابات دور اول در همین نوع شهرها میزان مشارکت مردم بالاتر از ۸۰٪ بود. این سیر نزولی شکننده، بیش از سایر عوامل به فقدان قانون شفاف و اختیارات و وظایف شوراها بر می‌گردد.

۳- هدف و فلسفه وجودی شوراها.

از سوی دیگر اساساً فلسفه وجودی شوراها و هدف از برقراری سیستم مشارکتی در جامعه، آن چیزی نبود که در دور اول شوراها اتفاق افتاد.

در بررسی علل عدم اعطاء اختیارات به شوراها در دور اول شاید بزرگترین علت آن باشد که قانون گزار نخواستند است اختیارات سیستم دولتی را به یکباره خالی و اختیارات سیستم شورایی را به یکباره پر نماید پس بهترین ، امن ترین و بی درد سرتترین روش این بود که ابتدا شوراها تشکیل شوند و سپس اختیارات ، اندک اندک به آنها واگذار گردد .

۲ - ضعف فرهنگ مشارکتی و شورایی :

سایه افکندن صدها سال استبداد بر مردم ایران در قرون اخیر ، مردم را منزوی نموده و از مشارکت در امور کشور بازداشته و دولت ها را بعنوان دشمن درجه یک ملت قلمداد نموده بود و نوعی فرهنگ عدم همکاری با دولت ها در مردم شکل گرفته بود به گونه ای که ملت سعی داشتند در همه موارد تا جایی که میتوانند خود را جدا از حکومت نگه دارند ، بعنوان مثال : اگر از کسی ساعت و وقت پرسیده می شد همان وقت قبلی بعنوان " ساعت ملت " گفته میشد نه وقت جدید که به دستور دولت یک ساعت جلو و عقب کشیده میشد که به آن هم " ساعت دولت " می گفتند .

مردم حتی پولهای خود را در بانکها نمی گذاشتند و آن را نوعی گناه می شمردند .

تقسیم بندی ماهها هم چنین بودند : " ماه ملت " ماه قمری و " ماه دولت " ماه شمسی بود و هزاران مثال دیگر از جمله : عدم تمایل به خدمت سربازی - عدم تمایل به مدارس دولتی و ...

در چنین فضایی که ملت خود را در بند حکومتهای خودکامه می دیدند بارها اقدام به قیام ها و حرکتهای آزادیخواه نمودند ولی هر بار ، استبداد پیروز میشد . نهضت مشروطه ، نهضت جنگل و قیام های مردمی دیگر ، همگی با شکست مواجه میشدند و مردم بیش از پیش خود را با حکومتهای مستبد بیگانه میدیدند و طبیعتاً میزان مشارکت مردم در برنامه های دولت نیز به مرز صفر می رسید .

و همین رویه موجب شد تا مردم ، فرهنگ تک محوری و عدم مشارکت با دولت را پیش گیرند و این موضوع در سایر زوایای زندگی مردم نیز تأثیر گذاشت و اگر امروزه

می بینیم که حتی در ورزشهای انفرادی موفق به کسب مدال شده و در ورزشهای گروهی مانند فوتبال و والیبال و ... همیشه مشکل داریم قسمت اعظم آن بر می گردد به همین موضوع .

دور اول شوراها هم با همین مشکل دست به گریبان شد . اولاً اعضاء یک شورا با هم مشکل داشتند چرا که قبلاً کار گروهی و مشارکتی را تمرین نکرده بودند و قواعد این بازی را نمی دانستند ثانیاً مدیران اجرایی هم علاقه ای ، به مشارکت با شوراها نداشتند و از سوی دیگر همین مردم که شوراها را انتخاب کرده بودند بعد از انتخابات احساس بیگانگی نمودند ، در نتیجه شوراها ماندند و خودشان ، و البته در میان خودشان نیز بیگانه با یکدیگر . در چنین فضایی هیچگاه توسعه اتفاق نخواهد افتاد پس لازم است همگام با طی مراحل برقراری سیستم شورایی در کشور ، بر روی فرهنگ مشارکتی نیز در جامعه کار گردد و در این میان ، مدارس و رسانه ها ، بعنوان زیر بنایی ترین فرهنگ سازها می توانند نقش اصلی خود را ایفاء نمایند . باید به کودکانمان پیاموزیم که چگونه به رای و نظر دیگران احترام بگذارند - چگونه رای و نظر خود را طرح و از آن دفاع کنند - چگونه تابع اکثریت باشند و چگونه با مخالفان خود به گفتمان پردازند .

۳ - مقاومت نظام متمرکز اداری :

یکی دیگر از کاستی های دور اول شوراها ، مقاومت نظام متمرکز اداری بود . نظام شورایی کشور در دور اول در حالی شکل می گرفت که با یک سیستم کاملاً متمرکز گرا ، دیوانسالار و بروکرات اداری روبرو بود که با روح آزاد و غیر متمرکز شورایی به هیچ وجه همخوانی نداشت ، علاوه از آن ، همین نظام شورایی ، قصد داشت تا اختیارات نظام اداری را از آن بگیرد و طبیعی است هیچ نظام خصوصاً نظامهای بروکرات نمیخواهند در وظایف و اختیارات آنها خللی وارد آید یا دخالتی صورت پذیرد ، بنابراین نوعی مقاومت در نضج گرفتن شوراها بعمل می آمد .

بعنوان مثال : شهرداران ، بخشداران ، فرمانداران و کارکنان آنها ، روحیه پذیرش نظام شورایی را نداشتند . چه برسد به اداراتی دیگر که از تشکیلات وزارت کشور نبودند .

فصل هفتم

انواع شوراها ، فلوجارت سازمانی ، نحوه

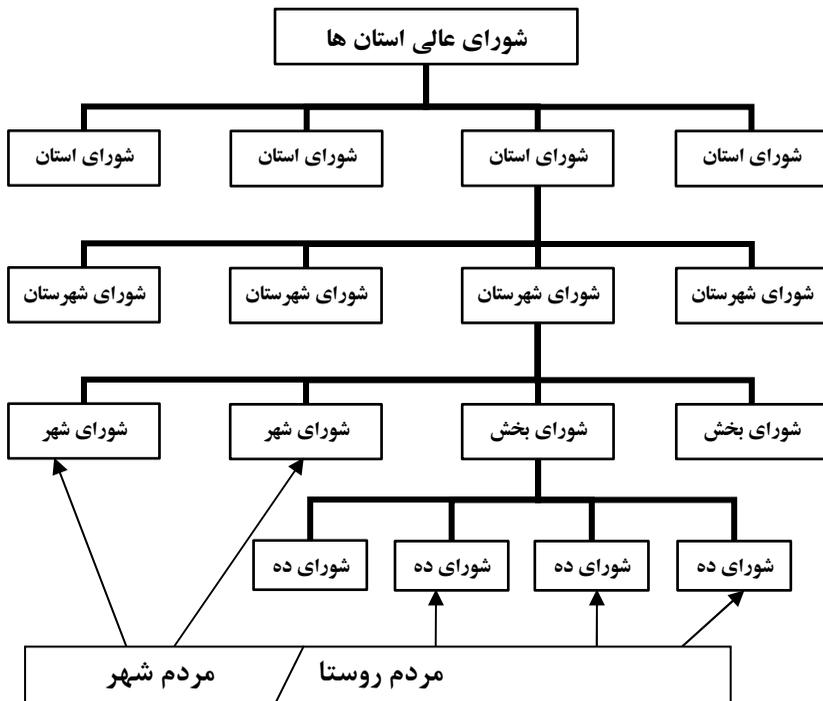
تشکیل و وظایف آنها :

مطابق اصل ششم قانون اساسی : در جمهوری اسلامی ایران ، امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود ... بر همین اساس سیستم شورایی بر تمام امور تصمیم گیری و اجرایی کشور تسری پیدا می کند و مطابق اصل یکصدم قانون اساسی ، بایستی کلیه برنامه های اجتماعی ، اقتصادی ، عمرانی ، بهداشتی ، فرهنگی ، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی ، تحت نظارت شوراها انجام گیرد و در اصل ۱۰۴ قانون اساسی تشکیل شوراهایی در واحدهای تولیدی ، صنعتی ، کشاورزی ، آموزشی ، اداری ، خدماتی و مانند اینها ذکر شده است .

لهذا جهت تحقق این امر ، در هر یک از موضوعات و بخشهای مربوطه ، شوراها ، هیئت ها و یا انجمن هایی تشکیل میشوند تا نظارت بر امور مربوطه را عهده دار شوند . مثلاً در مدارس ، انجمن اولیاء و مربیان - در کتابخانه ها ، هیئت های امنا کتابخانه - در فدراسیون های ورزشی ، هیئت های ورزشی - و شوراهای کارگری ، کارمندی و ... نمونه هایی از تحقق سیستم شورایی در کشور است که برای هر یک آئین نامه ، ضوابط و قانون خاصی تعیین شده است .

اما رکن اساسی سیستم شورایی کشور ، همان شوراهای شهر و روستا هستند که تحقق آن موجب نهادینه شدن سایر ارکان سیستم شورایی در کشور خواهد شد . مطابق اصل یکصدم قانون اساسی : " ... اداره امور هر روستا ، بخش ، شهر ، شهرستان یا استان با نظارت شورایی بنام شورای ده ، بخش ، شهر ، شهرستان یا استان صورت گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می کنند ... " و در اصل یکصد و یکم قانون اساسی به ضرورت تشکیل شورای عالی استانها پرداخته شده است .

فلوچارت و نمودار سلسله مراتب شوراهای شهر و روستا بدین قرار می باشند :



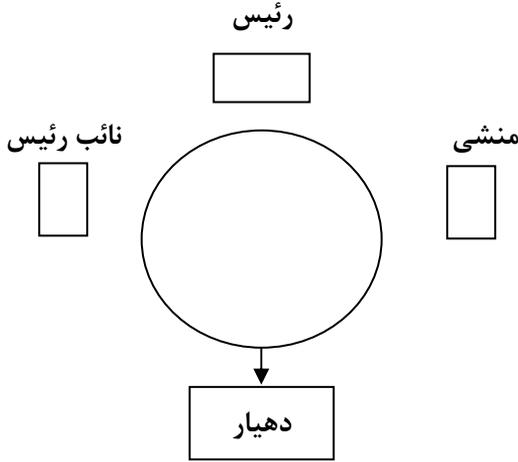
اینک به نحوه تشکیل شوراهای فوق الذکر و چگونگی ارتباط آنها با یکدیگر و اختیارات آنها اشاره میشود :

۱ - شورای اسلامی روستا

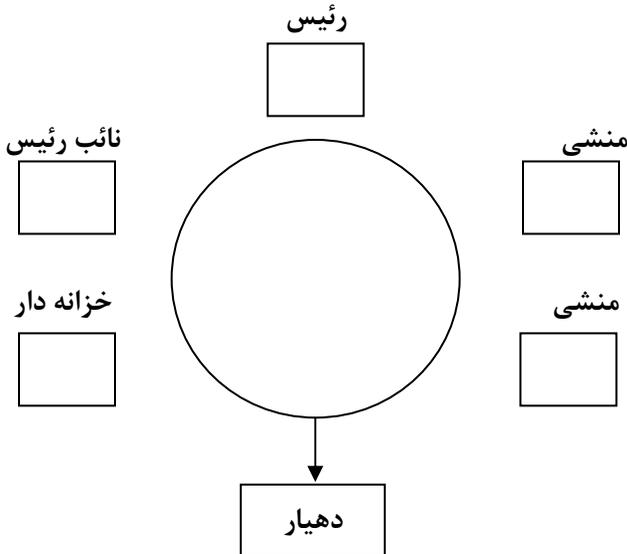
اعضاء شوراهای اسلامی روستا بصورت مستقیم ، عمومی ، با رأی مخفی و اکثریت نسبی آراء مردم آن محل به مدت چهار سال انتخاب میشوند تعداد اعضاء شوراهای اسلامی روستاها تا ۱۵۰۰ نفر جمعیت سه نفر و روستاهای بیش از ۱۵۰۰ نفر جمعیت پنج نفر خواهد بود .

این شوراها در اولین جلسه از بین خود یک رئیس ، یک نائب رئیس و حداقل یک منشی انتخاب می نمایند .

چارت سازمانی شوراهای اسلامی روستاهای تا ۱۵۰۰ نفر جمعیت :



چارت سازمانی شوراهای اسلامی روستاها بیش از ۱۵۰۰ نفر جمعیت :



وظایف و اختیارات شورای اسلامی روستا* :

- الف) نظارت بر حسن اجرای تصمیم های شورای اسلامی روستا .
- ب) ارائه پیشنهاد جهت رفع کمبودها ، نارسایی ها و نیازها به مقامات ذی ربط . مقامات مذکور موظف به بررسی پیشنهادها و ارائه پاسخ ، حداکثر ظرف مدت دو ماه ، به شورا هستند . در صورت عدم ارائه پاسخ در موعد مقرر ، مراتب برای پیگیری قانونی به اطلاع مقامات مافوق می رسد .
- ج) تشکیل گردهمایی عمومی جهت ارائه گزارش کار دریافت پیشنهادها و پاسخ به سوالات و جلب مشارکت و خودیاری مردم برای پیشبرد امور روستا حداقل دو بار در سال و با پانزده روز اعلام قبلی .
- د) تبیین و توجیه سیاستهای دولت و تشویق و ترغیب روستاییان جهت اجرای سیاستهای مذکور .
- ه) نظارت و پیگیری اجرای طرحها و پروژه های عمرانی اختصاص یافته به روستا.
- و) همکاری با مسئولان ذیربط برای احداث ، اداره ، نگهداری و بهره برداری از تاسیسات عمومی ، اقتصادی ، اجتماعی و رفاهی مورد نیاز روستا در حدود امکانات .
- ز) کمک رسانی و امداد در مواقع بحرانی و اضطراری مانند جنگ و وقوع حوادث غیرمترقبه و نیز کمک به مستمندان و خانواده های بی سرپرست با استفاده از خودیاریهای محلی .
- ح) تلاش برای رفع اختلافات افراد و محلات و حکمیت میان آنها .
- ط) پیگیری شکایات اهالی روستا از ادارات حوزه مربوط از طریق مقامات مسئول .
- ی) همکاری با نیروهای انتظامی جهت برقراری امنیت و نظم عمومی .
- ک) ایجاد زمینه مناسب و جلب مشارکت عمومی در جهت اجرای فعالیتهای تولیدی وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی .

* عین ماده ۶۸ از فصل سوم قانون شوراها مصوب ۷۵/۳/۲۳ و آخرین اصلاحات آن در سال ۱۳۸۲

ل) فراهم نمودن زمینه مشارکت و جلب همکاری مردم در جهت ایجاد و توسعه نهادهای مدنی، کتابخانه ها و مراکز فرهنگی، بهبود و ارتقای فرهنگی اقشار مختلف به ویژه جوانان و بانوان و برنامه ریزی در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی، سوادآموزی و سایر امور با موافقت و هماهنگی مراجع ذیربط.

م) انتخاب فردی ذیصلاح به سمت دهیار برای مدت چهارسال بر اساس آیین نامه مربوط و معرفی به بخشدار جهت صدور حکم.

تبصره - عزل دهیار با رای اکثریت اعضای شورای اسلامی روستا بر اساس آیین نامه مربوط انجام میشود به بخشدار جهت صدور حکم عزل اعلام می گردد.

ن) ایجاد زمینه مناسب برای توسعه اشتغال و جلب مشارکت های عمومی در جهت گسترش فعالیتهای تولیدی.

س) مشارکت در تهیه طرحهای هادی روستا و بهسازی بافتهای فرسوده و ضوابط و مقررات ساخت و ساز.

ع) نظارت بر حسن اجرای مقررات مربوط به حفاظت و بهسازی محیط زیست روستا و بهره برداری از منابع طبیعی و جلوگیری از فرسایش خاک و حفظ عمران، مزارع، باغها، مراتع، جنگلها، محدوده های زیست محیطی، احیاء و لایروبی قنوات و نهرهای متروکه و ارائه طرح و پیشنهاد در این زمینه ها به شورای بخش.

ف) بررسی برنامه های پیشنهادی ارگانهای اجرائی در زمینه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از نظر تطبیق با ضرورت های موجود در حوزه انتخابیه شورا و ارائه گزارش نارسایی ها به شورای مافوق و مراجع اجرایی ذی ربط.

ص) نظارت بر حفظ و نگهداری تاسیسات عمومی و عمرانی و اموال و دارایی های روستا.

ماده ۶۸ مکرر - هر تیره از عشایر کوچ رو کشور با حداقل بیست خانوار در حکم روستا (ده) بوده و شورای عشایری با وظایف و اختیارات شورای روستا در آن تیره

تشکیل می گردد. شورای عشایری مذکور در زمان تشکیل شورای بخش محل استقرار خود همانند شورای روستا مشارکت خواهد داشت.

همکاری در امور مربوط به دام، مرتع و کوچ جزو وظایف شورای عشایری خواهد

بود.

وظایف دهیار*:

- ۱- اجرای تمام مصوبات شورای اسلامی روستا.
- ۲- همکاری با نیروی انتظامی در خصوص اعلام وقوع جرائم، اجرای مقررات خدمت وظیفه عمومی، حفظ نظم عمومی و سعی در حل اختلافات محلی.
- ۳- اعلام قوانین و فرامین مقررات دولتی.
- ۴- همکاری در حفظ و نگهداری تاسیسات عمومی و عمرانی و اموال داراییهای روستا.
- ۵- همکاری با سازمانها و نهادهای دولتی و ایجاد تسهیلات لازم در جهت ایفای وظایف آنان.
- ۶- مراقبت در اجرای مقررات بهداشتی و حفظ نظافت و ایجاد زمینه مناسب برای تامین بهداشت محیط.
- ۷- همکاری با سازمان های ثبت احوال و اسناد در جهت ثبت وقایع چهارگانه سجلی و اسناد و املاک.
- ۸- همکاری با مسئولین ذیربط در جهت حفظ، نگهداری و بهره برداری منابع طبیعی و میراث فرهنگی واقع در روستا.
- ۹- اجرای طرحهای عمرانی و خدماتی در محدوده روستا در صورت آمادگی با تایید کمیته برنامه ریزی شهرستان.
- ۱۰- تشکیل پرونده برای ایجاد بناها، تاسیسات و تفکیک اراضی در محدوده قانونی روستا و ارجاع به بخشداری جهت صدور مجوز.

* عین ماده ۶۹ از فصل سوم قانون شوراها مصوب ۷۵/۳/۲۳ و آخرین اصلاحات آن در سال ۱۳۸۲.

تبصره - درآمد حاصل از وصول عوارض مربوط به اجرای این بند در امور عمومی روستا و زیر نظر شورای روستا هزینه می شود .

۲ - شورای اسلامی شهر :

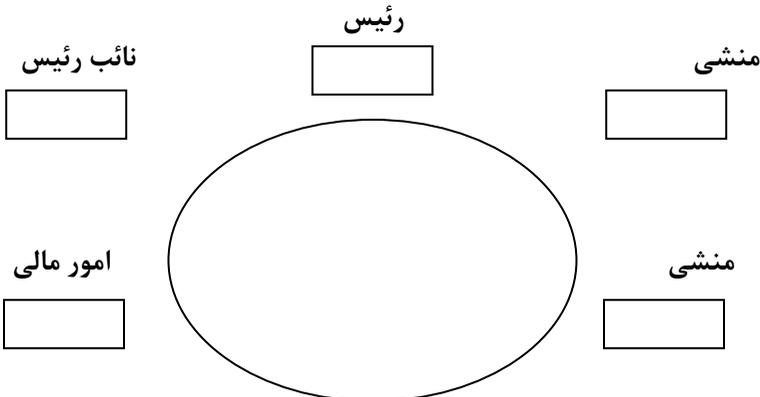
اعضاء شورای اسلامی شهرها بصورت مستقیم ، عمومی ، با رای مخفی و اکثریت نسبی آراء مردم آن محل به مدت چهار سال انتخاب میشوند .

تعداد اعضاء شوراهاى اسلامى شهرها طبق ماده هفت قانون شوراها مصوب ۷۵/۳/۲۳ به شرح زیر بود:

تعداد عضو على البدل - نفر	تعداد عضو اصلى - نفر	عنوان
۲	۵	- شهرهای تا ۵۰ هزار نفر جمعیت
۳	۷	- شهرهای بیش از ۵۰ هزار نفر تا دویست هزار نفر جمعیت
۴	۹	- شهرهای بیش از ۲۰۰ هزار نفر تا یک میلیون نفر جمعیت
۵	۱۱	- شهرهای بیش از یک میلیون نفر جمعیت
۶	۱۵	- شهر تهران

نمونه چارت سازمانی شورای اسلامی شهرهای تا ۵۰ هزار نفر جمعیت طبق قانون

مصوب ۷۵/۳/۲۳



تعداد اعضاء شوراهای اسلامی شهرها طبق قانون اصلاحی شوراها مصوب سال ۱۳۸۲ به

شرح زیر میباشد :

بند	عنوان	تعداد عضو اصلی (نفر)	تعداد عضو علی البدل (نفر)
الف	شهرهای تا بیست هزار نفر جمعیت	۵	۲
ب	شهرهای از بیست هزار نفر تا پنجاه هزار نفر جمعیت	۷	۳
ج	شهرهای از پنجاه هزار نفر تا یکصد هزار نفر	۹	۵
د	شهرهای از یکصد هزار نفر تا دویست هزار نفر جمعیت	۱۱	۵
ه	شهرهای از دویست هزار نفر تا پانصد هزار نفر جمعیت	۱۳	۶
و	شهرهای از پانصد هزار نفر تا یک میلیون نفر جمعیت	۱۵	۷
ز	شهرهای از یک میلیون نفر تا دو میلیون نفر جمعیت	۲۱	۸
ح	شهرهای بیش از دو میلیون نفر جمعیت	۲۵	۱۰
ط	شهر تهران	۳۱	۱۲

تبصره : ملاک تشخیص جمعیت هر شهر و روستا ، آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن با اعلام رسمی مرکز آمار ایران خواهد بود .

شورای اسلامی شهر در اولین جلسه منعقد شده طی یک انتخابات داخلی اقدام به تعیین ترکیب هیئت رئیسه می نمایند بدین نحو که یک نفر رئیس ، یک نفر امور مالی و حداقل یک نفر منشی از بین خودشان انتخاب می نمایند . در جلسات بعدی ، اعضاء شورای شهر ، یک نفر را از بین خود جهت عضویت در شورای اسلامی شهرستان انتخاب و به فرماندار معرفی می نمایند .

وظایف و اختیارات شورای اسلامی شهر* :

۱- انتخاب شهردار برای مدت چهار سال .

تبصره ۱- شورای اسلامی شهر موظف است بلافاصله پس از رسمیت یافتن نسبت به انتخاب شهردار واجد شرایط اقدام نماید .

* عین مفاد ماده ۷۱ از فصل سوم قانون شوراها مصوب ۷۵/۳/۲۳ و آخرین اصلاحات آن در سال ۱۳۸۲ .

- تبصره ۲ - شهردار نمی تواند همزمان عضو شورای شهر باشد .
- تبصره ۳ - نصب شهرداران در شهرها با جمعیت بیشتر از دویست هزار نفر و مراکز استان بنا به پیشنهاد شورای شهر و حکم وزیر کشور و در سایر شهرها به پیشنهاد شورای شهر و حکم استاندار صورت میگیرد .
- تبصره ۴ - دوره خدمت شهردار در موارد زیر خاتمه می پذیرد .
- الف - استعفای کتبی با تصویب شورا .
- ب - برکناری توسط شورای شهر با رعایت مقررات قانونی .
- ج - تعلیق طبق مقررات قانونی .
- د - فقدان هر یک از شرایط احراز سمت شهردار به تشخیص شورای شهر .
- ۲ - بررسی و شناخت کمبودها ، نیازها و نارساییهای اجتماعی ، فرهنگی ، آموزشی ، بهداشتی ، اقتصادی و رفاهی حوزه انتخابیه و تهیه طرح ها و پیشنهادهای اصلاحی و راه حل های کاربردی در این زمینه ها جهت برنامه ریزی و ارائه آن به مقامات مسئول ذیربط .
- ۳ - نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورا و طرح های مصوب در امور شهرداری و سایر سازمانهای خدماتی در صورتی که این نظارت مخل جریان عادی این امور نگردد .
- ۴ - همکاری با مسئولین اجرایی و نهادها و سازمانهای مملکتی در زمینه های مختلف اجتماعی ، فرهنگی ، آموزشی ، اقتصادی و عمرانی بنا به درخواست آنان .
- ۵ - برنامه ریزی در خصوص مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی ، اقتصادی ، عمرانی ، فرهنگی ، آموزشی و سایر امور رفاهی با موافقت دستگاه های ذیربط .
- ۶ - تشویق و ترغیب مردم در خصوص گسترش مراکز تفریحی ، ورزشی و فرهنگی با هماهنگی دستگاههای ذیربط .
- ۷ - اقدام در خصوص تشکیل انجمنها و نهادهای اجتماعی ، امدادی ، ارشادی و تاسیس تعاونیهای تولید و توزیع و مصرف ، نیز انجام آمارگیری ، تحقیقات محلی و توزیع ارزاق عمومی با توافق دستگاههای ذیربط .

۸ - نظارت بر حسن اداره و حفظ سرمایه و داراییهای نقدی ، جنسی و اموال منقول و غیر منقول شهرداری و همچنین نظارت بر حساب درآمد و هزینه آنها به گونه ای که مخل جریان عادی امور شهرداری نباشد .

۹ - تصویب آیین نامه های پیشنهادی شهرداری پس از رسیدگی به آنها با رعایت دستورالعملهای وزارت کشور .

۱۰ - تایید صورت جامع درآمد و هزینه شهرداری که هر شش ماه یک بار توسط شهرداری تهیه میشود و انتشار آن برای اطلاع عموم و ارسال نسخه ای از آن به وزارت کشور .

۱۱ - همکاری با شهرداری جهت تصویب طرح حدود شهر با رعایت طرح های هادی و جامع شهرسازی پس از تهیه آن توسط شهرداری با تایید وزارت کشور و وزارت مسکن و شهرسازی .

۱۲ - تصویب بودجه ، اصلاح و متمم بودجه و تفریغ بودجه سالانه شهرداری و موسسات شرکتهای وابسته به شهرداری با رعایت آیین نامه مالی شهرداری ها و همچنین تصویب بودجه شورای شهر .

تبصره : کلیه درآمدهای شهرداری به حساب هایی که با تایید شورای شهر در بانک ها افتتاح می شود واریز و طبق قوانین مربوطه هزینه خواهد شد .

۱۳ - تصویب وامهای پیشنهادی شهرداری پس از بررسی دقیق نسبت به مبلغ ، مدت و میزان و کارمزد .

۱۴ - تصویب معاملات و نظارت بر آنها اعم از خرید ، فروش ، مقاطعه ، اجاره و استیجاری به نام شهر و شهرداری صورت می پذیرد با در نظر گرفتن صرفه و صلاح و با رعایت مقررات آیین نامه مالی و معاملات شهرداری .

تبصره - به منظور تسریع در پیشرفت امور شهرداری ، شورا می تواند اختیار تصویب و انجام معاملات را تا میزان معینی با رعایت آیین نامه معاملات شهرداری به شهردار واگذار نماید .

۱۵ - تصویب اساسنامه موسسات و شرکتهای وابسته به شهرداری با تایید و موافقت وزارت کشور .

- ۱۶ - تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می شود .
- ۱۷ - نظارت بر حسن جریان دعاوی مربوط به شهرداری .
- ۱۸ - نظارت بر امور بهداشت حوزه شهر .
- ۱۹ - نظارت بر امور تماشاخانه ها ، سینماها و دیگر اماکن عمومی که توسط بخش خصوصی ، تعاونی یا دولتی اداره می شود با وضع و تدوین مقررات خاص برای حسن ترتیب ، نظافت و بهداشت این قبیل موسسات بر طبق پیشنهاد شهرداری و اتخاذ تدابیر احتیاطی جهت جلوگیری از خطر آتش سوزی و مانند آن .
- ۲۰ - تصویب مقررات لازم جهت اراضی غیر محصور شهری از نظر بهداشت و آسایش عمومی و عمران و زیبایی شهر .
- ۲۱ - نظارت بر ایجاد گورستان ، غسلخانه و تهیه وسایل حمل اموات مطابق با اصول بهداشت و توسعه شهر .
- ۲۲ - وضع مقررات و نظارت بر حفر مجاری و مسیرهای تاسیسات شهری .
- ۲۳ - نظارت بر اجرای طرح های مربوط به ایجاد و توسعه معابر ، خیابانها ، میادین و فضاهای سبز و تاسیسات عمومی شهر بر طبق مقررات موضوعه .
- ۲۴ - تصویب نامگذاری معابر ، خیابان ها ، کوچه و کوی در حوزه شهری و همچنین تغییر نام آنها .
- ۲۵ - تصویب مقررات لازم به پیشنهاد شهرداری جهت نوشتن هر نوع مطلب و یا الصاق هر نوع نوشته و آگهی و تابلو بر روی دیوارهای شهر با رعایت مقررات موضوعه و انتشار آن برای اطلاع عموم .
- ۲۶ - تصویب نرخ خدمات ارائه شده توسط شهرداری و سازمان های وابسته به آن با رعایت آیین نامه مالی و معاملات شهرداری ها .
- ۲۷ - تصویب نرخ کرایه وسایل نقلیه درون شهری .
- ۲۸ - وضع مقررات مربوط به ایجاد و اداره میدانهای عمومی توسط شهرداری برای خرید و فروش مایحتاج عمومی با رعایت مقررات موضوعه .

۲۹ - وضع مقررات لازم در مورد تشریک مساعی شهرداری با ادارات و بنگاه های ذی ربط برای دایر کردن نمایشگاه های کشاورزی ، هنری ، بازرگانی و غیره .
تبصره ۱ - در کلیه قوانین و مقررات که انجمن شهر عهده دار وظایفی بوده است شورای اسلامی شهر با رعایت مقررات این قانون بعد از یک سال از تاریخ تصویب جانشین انجمن شهر خواهد بود .

تبصره ۲ - وزارتخانه ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و سازمان هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است موظف اند در طول مدت یک سال مذکور در تبصره فوق با بررسی قوانین و مقررات مربوط به خود هر کجا نامی از انجمن شهر سابق آمده و وظایفی را به آن محول نموده است جهت اصلاح این گونه موارد لایحه اصلاحی به مجلس شورای اسلامی ارائه نمایند .

۳۰ - نظارت بر حسن اداره امور مالی شهرداری و کلیه سازمان ها ، موسسات ، شرکت های وابسته و تابعه شهرداری و حفظ سرمایه ، دارائی ، اموال عمومی و اختصاصی شهرداری و همچنین نظارت بر حساب درآمد و هزینه آنها با انتخاب حسابرس رسمی و اعلام موارد نقض و تخلف به شهردار و پیگیریهای لازم بر اساس مقررات قانونی .

تبصره - کلیه پرداختهای شهرداری در حدود بودجه مصوب با اسناد مثبت و با رعایت مقررات مالی و معاملات شهرداری به عمل می آید که این اسناد باید به امضای شهردار و ذیحساب یا قائم مقام آنان که مورد تایید شورای شهر باشند برسد .

۳۱ - شورا موظف است در پایان هر سال مالی صورت بودجه و هزینه خود را جهت اطلاع عموم منتشر نماید و نسخه ای از آن را جهت بررسی به شورای شهرستان و استان ارسال کند .

۳۲ - واحدهای شهرستانی کلیه سازمان ها و موسسات دولتی و موسسات عمومی و غیر دولتی در زمینه ارائه خدمات شهری وظایفی را به عهده دارند ، موظفند برنامه سالانه خود در خصوص خدمات شهری را که در چارچوب اعتبارات و بودجه سالانه خود تنظیم شده به شورا ارائه نمایند .

۳۳ - همکاری با شورای تامین شهرستان در حدود قوانین و مقررات .

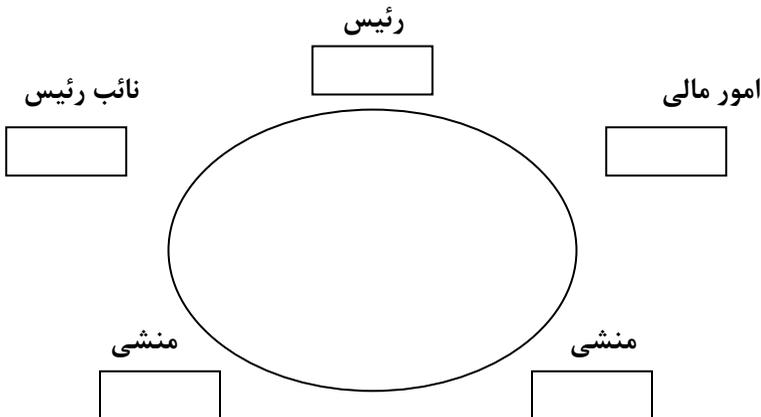
۳۴ - بررسی و تایید طرح های هادی و جامع شهرسازی و تفصیلی و حریم و محدوده قانونی شهرها پس از ارائه آن توسط شهرداری و ارسال به مراجع ذی ربط قانونی جهت تصویب نهائی .

۳ - شورای اسلامی بخش :

در هر بخش شورای اسلامی بخش با اکثریت نسبی از بین نمایندگان منتخب شوراهای روستاهای واقع در محدوده بخش تشکیل میشود و تعداد اعضاء آن پنج نفر خواهد بود از یک روستا نباید بیش از یک نفر در شورای اسلامی بخش عضویت داشته باشد .

این شورا در اولین جلسه رسمی اقدام به تعیین هیئت رئیسه شورا می نماید و از میان خود یک نفر رئیس ، یک نفر نائب رئیس ، یک نفر خزانه دار و حداقل یک نفر منشی انتخاب می کنند .

سپس اعضاء شورای بخش از میان خود (با رأی مخفی و اکثریت نسبی) یک نفر را جهت عضویت در شورای اسلامی شهرستان انتخاب و به فرماندار معرفی می نمایند .
چارت سازمانی شورای اسلامی بخش :



وظایف و اختیارات شورای اسلامی بخش : *

۱ - ارائه طرحها و پیشنهادهای اصلاحی به مسئولین اجرایی منطقه جهت رفع کمبودهای اجتماعی ، فرهنگی ، آموزشی ، اقتصادی ، عمرانی ، بهداشتی و سایر امور رفاهی بخش .

تبصره - مقامات اجرایی ذی ربط موظف به بررسی طرحها و پیشنهادهای مذکور و ارائه پاسخ حداکثر ظرف مدت دو ماه به شورا هستند . در صورت عدم ارائه پاسخ در موعد مقرر مراتب جهت انجام اقدامات قانونی به اطلاع مقامات مافوق خواهد رسید .

۲ - ایجاد هماهنگی لازم بین شوراهای روستاهای واقع در محدوده بخش .

۳ - نظارت بر شوراهای روستاها به منظور رعایت وظایف قانونی .

۴ - حل و فصل مشکلات و اختلافات میان دو یا چند روستا یا شوراهای روستایی واقع در محدوده بخش در مواردی که قابل پیگیری قضایی نیست .

۵ - رسیدگی به امور عمرانی بخش که خارج از حیطه اختیارات و وظایف شورای روستا است .

۶ - ایفای وظایف شورای روستا در مزارع مستقل ، مکان ها و آبادی ها و روستاهایی که به هر دلیل فاقد شورای روستا می باشند .

۷ - تشویق مردم به همکاری و سرمایه گذاری در امور و برنامه های عمرانی بخش از قبیل توسعه کشاورزی ، حمل و نقل ، بهداشت ، صنایع روستایی و دستی ، امور فرهنگی و مذهبی بخش .

۸ - بررسی و تایید طرحهای هادی روستاهای واقع در محدوده بخش و ارسال به مراجع ذی ربط جهت تصویب نهایی .

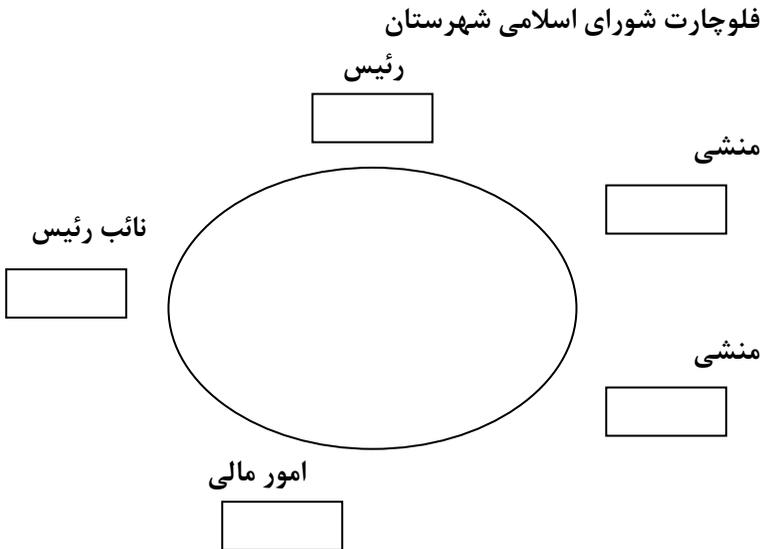
۴ - شورای اسلامی شهرستان :

در هر شهرستان شورایی مرکب از نمایندگان شوراهای بخش ها و شهرهای واقع در محدوده آن شهرستان تشکیل میشود تعداد اعضاء این شورا حداقل پنج نفر

* عین ماده هفتاد - قانون شوراها مصوب ۷۵/۳/۲۳ و آخرین اصلاحات آن در سال ۱۳۸۲ .

می باشد در صورتی که شهرستان کمتر از پنج بخش و شهر داشته باشد بقیه اعضا از بین دیگر نمایندگان شورای شهرها و بخشها به تناسب جمعیت انتخاب میشود .

اعضاء شورای شهرستان در اولین جلسه رسمی خود اقدام به تعیین هیئت رئیسه (یک نفر رئیس ، یک نفر نائب رئیس ، حداقل یک نفر منشی) با اکثریت نسبی و رای مخفی می نمایند و ضمناً یک نفر نماینده از بین خود جهت عضویت در شورای اسلامی استان انتخاب و کتباً به استاندار معرفی می نمایند .



وظایف و اختیارات شورای شهرستان*:

۱ - ارائه پیشنهادات لازم در زمینه توسعه اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و عمرانی شهرستان به دستگاههای اجرایی ذی ربط و کمیته برنامه ریزی شهرستان و شورای استان .

۲ - نظارت بر حسن اجرای تصمیمات شورای شهرستان .

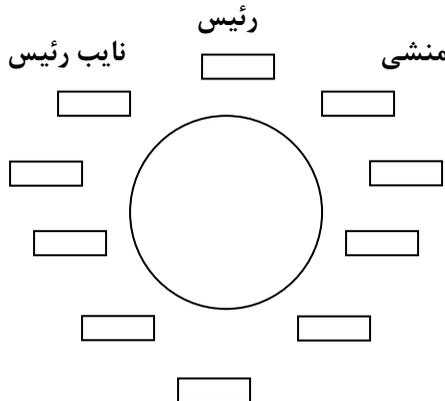
* عین مفاد ماده ۷۸ قانون شوراهها مصوب ۷۵/۳/۲۳ و قانون اصلاحی آن مصوب ۱۳۸۲ .

- ۳- تصویب ، اصلاح ، تتمیم و تفریغ بودجه دبیرخانه شورای شهرستان .
- ۴- هماهنگی و رسیدگی به مسائل و حل و فصل مشکلات فی ما بین شوراهای شهر و بخش در مواردی که قابل پیگیری قضایی نیست .
- ۵- نظارت بر عملکرد و فعالیتهای شوراهای بخش و شهر .

۵- شورای اسلامی استان :

مجموع نمایندگان منتخب و معرفی شده از سوی شوراهای اسلامی شهرستان های تابعه هر استان ، شورای اسلامی استان را تشکیل میدهد . استاندار موظف است پس از وصول معرفی نامه کلیه نمایندگان منتخب شوراهای اسلامی شهرستانهای تابع استان حداکثر ظرف یک هفته برای تشکیل اولین جلسه شورای اسلامی استان از نمایندگان معرفی شده دعوت بعمل آورد . اعضاء شورای اسلامی استان در اولین جلسه خود که حداقل با ۲/۳ ایشان و استاندار تشکیل میشود از بین خود یک نفر رئیس ، یک نفر نائب رئیس و دو نفر منشی با اکثریت نسبی و رای مخفی انتخاب می نمایند و علاوه از آن یک نفر را از بین خود و با رای مخفی و اکثریت نسبی به عنوان نماینده برای عضویت در شورای عالی استانها انتخاب و برای اعلام به وزیر کشور به استاندار معرفی می نماید .

فلوچارت شورای اسلامی استان



تعداد اعضاء شورای اسلامی استان بستگی به تعداد شهرستان های آن دارد (از هر شهرستان یک نفر) ولی حداقل آن پنج نفر می باشد . و چنانچه استانی کمتر از پنج شهرستان داشته باشد بقیه اعضاء از بین شهرستانهایی که جمعیت بیشتری دارند انتخاب میشود .

وظایف و اختیارات شورای استان:*

۱ - بررسی مسائل و مشکلات استان و ارائه پیشنهادهای لازم به منظور رفع تبعیض و توزیع عادلانه امکانات و منابع و جلب همکاری در تهیه برنامه های عمرانی و رفاهی استان به شورای عالی استان ها .

تبصره - سه نفر از اعضاء شورای استان به انتخاب آن شورا در جلسات شورای برنامه ریزی و توسعه استان شرکت می نمایند .

۲ - نظارت بر حسن اجرای تصمیمات شورای عالی استانها در محدوده استان .

۳ - ایجاد ارتباط و هماهنگی لازم میان شوراهای شهرستان در محدوده استان جهت حسن انجام وظایف و حل و فصل اختلافات شوراهای سطح استان ، در مواردی که قابل پیگیری قضایی نیست .

۴ - همکاری با شورای برنامه ریزی و توسعه استان در نظارت بر حسن اجرای طرحهای عمرانی استانی و ملی در محدوده استان و ارائه گزارش و پیشنهاد در جهت بهبود امور به رییس شورای برنامه ریزی و شورای عالی استانها و دستگاههای ذی ربط .

۵ - تصویب ، اصلاح ، متمیم و تفریغ بودجه دبیرخانه شورای استان .

۶ - نظارت بر عملکرد شوراهای شهرستانها در محدوده استان و نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورای استان .

* عین مفاد ماده ۷۸ مکرر قانون اصلاحی شوراها مصوب ۱۳۸۲ .

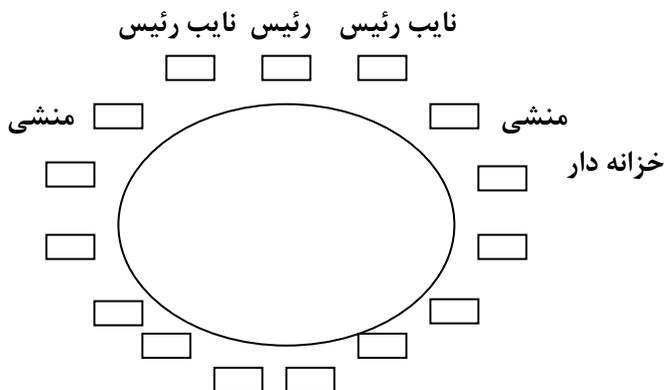
۶- شورای عالی استانها :

شورای عالی استانها بالاترین رده سیستم شورایی کشور می باشد .
شورای عالی استانها حق دارد در حدود وظایف خود طرحهایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند این طرحها بایستی در مجلس مورد بررسی قرار گیرد .

اعضاء این شورا ، شامل نمایندگان منتخب شوراهاى اسلامی استان ها می باشد و در اولین جلسه خویش که با دعوت وزیر کشور و با حضور حداقل ۲/۳ اعضاء تشکیل میشود از بین خود یک نفر رئیس ، دو نفر نایب رئیس ، دو منشی و یک خزانه دار با رای مخفی و اکثریت نسبی انتخاب می کنند .

از استانهای تا دو میلیون نفر جمعیت ۲ نماینده ، از استان های بیش از دو میلیون نفر جمعیت ۳ نماینده و از استان تهران چهار نماینده در شورای عالی استان ها عضویت دارند .

فلوچارت شورای عالی استانها

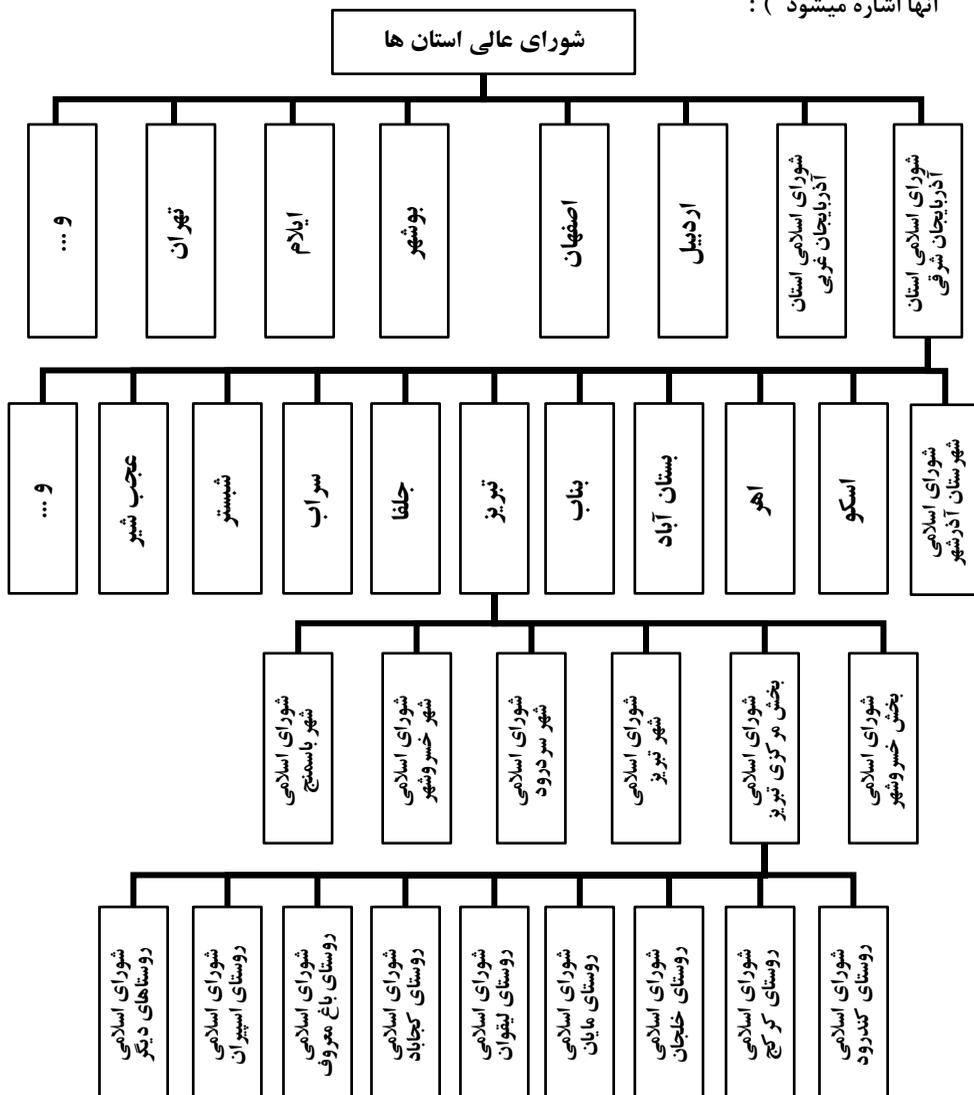


وظایف و اختیارات شورای عالی استان ها : *

- ۱ - بررسی پیشنهادهای واصله از طرف شوراهای استانها و تعیین اولویت هر یک و ارجاع به مقامات اجرائی ذیربط .
- ۲ - اعلام نارسائی ها و اشکالات نهادها و سازمانهای اجرائی در حدود اختیارات و وظایف شوراها به مسئولین مربوطه و پیگیری آنها .
- ۳ - بررسی پیشنهادهای و ارائه آنها در قالب طرح به مجلس شورای اسلامی یا دولت .
- ۴ - تصویب ، اصلاح ، متمیم و تفریغ بودجه دبیرخانه شورای عالی استانها .
- ۵ - سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور موظف است یک نسخه از پیش نویس لوایح برنامه های توسعه و بودجه عمومی کشور و استانها را پس از تهیه در اختیار شورای عالی استانها قرار دهد . شورای عالی استانها پیشنهادهای اصلاحی خود را در مورد برنامه و بودجه مذکور به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اعلام خواهد کرد .
- ۶ - تهیه آیین نامه نحوه هزینه و بودجه شوراها و ابلاغ آن پس از تصویب هیات وزیران به شوراها .
- ۷ - برنامه ریزی به منظور آموزش و آشنایی اعضاء شوراها با وظایف خویش از طریق برگزاری دوره های کوتاه مدت کاربردی در قالب امکانات موجود کشور .
- ۸ - جلسات عادی شورای عالی استانها هر دو ماه یکبار و حداکثر به مدت سه روز تشکیل می گردد . در موارد ضروری شورا می تواند جلسات فوق العاده تشکیل دهد ماده ۷۸ مکرر ۳ - شورای عالی استانها موظف است حداکثر یک سال پس از تشکیل ، ضمن مشخص نمودن آن دسته از امور شهری که توسط وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی انجام می شود و انجام آن در حد توانایی شهرداری ها می باشد طرح لازم جهت واگذاری آن امور به شهرداری ها را تهیه و به دولت یا مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید . توضیح اینکه اگر شخصی از عضویت شورای اسلامی شهر و یا روستا خارج و یا سلب عضویت شود به تبع آن از شوراهای فرادستی نیز سلب عضویت خواهد شد .

* عین مفاد ماده ۷۸ مکرر ۲ قانون اصلاحی شوراها مصوب ۱۳۸۲ .

جهت آشنایی عملی با چارت سازمانی سیستم شورایی در کشور بعنوان نمونه فلوجارت شورای بخش مرکزی شهرستان تبریز از استان آذربایجان شرقی به شرح زیر ترسیم میشود (بدلیل عدم گنجایش تمام اسامی در این صفحه، به ترتیب حروف الفبا به تعدادی از آنها اشاره میشود) :



فصل هشتم:

فرهنگ شورایی

یکی از مراحل دست یابی به توسعه ، برقراری نظام شورایی در رده های مختلف جامعه می باشد ، (منظور از نظام شورایی ، پدید آوردن نظامی است که مردم بتوانند از طرق مختلف در اداره امور کشور ، شهر و محل خویش مشارکت داشته باشند) .

برقراری نظام شورایی در یک کشور ، صرفاً با صدور بخشنامه و اجرای انتخابات شوراها میسر نمیشود بلکه لازم است شرایط محیطی مناسبی جهت استقرار این نظام مهیا شود یعنی بایستی فرهنگ شورایی نیز در بین آحاد مردم آن کشور رشد و اعتلا یابد و اداره امور در تمام رده ها با الهام از فرهنگ مشارکت و شورایی انجام پذیرد . (از اداره یک خانواده ۳ نفری تا تیم فوتبال مدرسه و از اداره یک روستا تا امور یک کلان شهر) .

خصوصاً در کشورهایی که فرهنگ انجام کارها بصورت گروهی یا مشارکتی ، ضعیف است بایستی اولویت را بر غنی سازی فرهنگی در این باره اختصاص داد در غیر اینصورت با گذشت دوره های چندین ساله از برقراری نظام شورایی باز هم به نظام مورد نظر دست نخواهیم یافت . مشارکت و گروهی کار کردن و اخذ تصمیم بصورت شورایی باید در گوشت ، پوست ، خون و استخوان مردم جامعه رخنه کند و این کار نیازمند اجرای برنامه هایی از سنین کودکی بر روی اعضاء جامعه است .

برای ایجاد بستر مناسب جهت استقرار نظام شورایی در جامعه (ایجاد و غنی سازی فرهنگ شورایی) دو راهکار که لازم و ملزوم یکدیگرند پیشنهاد میشود :

الف) آموزش و پرورش

ب) رسانه های گروهی (صدا و سیما و مطبوعات و ...)

الف) نقش آموزش و پرورش در پدید آوردن فرهنگ شورایی.

با مطالعه عملکرد آموزش و پرورش ایران در سالهای گذشته به این نتیجه می‌رسیم که دانش آموزان را از دوران آمادگی و دبستان تا سالهای آخر دبیرستان، بصورت افرادی تک محور، تک رو و یا اصطلاحاً فردگرا بار می‌آورد (یک دانش آموز سعی دارد نمره لازم را در درسهایش کسب نماید و برایش به هیچ عنوان مطرح نیست همکلاسیش نمره بیاورد یا نیاورد)

میزان کارهای گروهی در مدارس بسیار اندک بوده و بدلیل عدم وجود فرهنگ مشارکت اغلب با شکست نیز مواجه میشوند. فلذا در بین دانش آموزان، انجام امورات بصورت فردی و تکی رواج یافته و هر کس سعی دارد استعداد شخصی خود را به نمایش بگذارد. بطور مثال ورزشکاران ورزشهای گروهی مانند والیبال و فوتبال در مدارس کمتر به پله های بالای جدول صعود می‌کنند ولی در ورزشهای تکی و فردی مانند ورزشهای رزمی یا کشتی، افراد توانسته اند خود را به پله های بالا برسانند و حتی در مسابقات استانی - کشوری و بین المللی نیز حضور یابند. مفهوم این مسئله آن نیست که کارهای تکی خوب بوده و جواب لازم را میدهند ولی کار گروهی ابزار لازم جهت رشد را ندارد، بلکه در کشوری مانند ژاپن، درست برعکس ایران، کارهای گروهی نتیجه مطلوب تری نسبت به کارهای تکی و فردی دارند.

و این موضوع دقیقاً بر می‌گردد به نوع فرهنگ حاکم بر جامعه و یک کشور. در کشورمان فرهنگ کارهای تکی رشد یافته است و فرهنگ کارهای گروهی بسیار ضعیف است از سوی دیگر روح نظام شورایی با فرهنگ کارهای فردی و تکی مغایر است. نتیجتاً اینکه برقراری نظام شورایی در ایران مستلزم تغییرات اساسی در فرهنگ جامعه است (تغییر و تبدیل از فرهنگ تکی به فرهنگ گروهی).

عدم وجود فرهنگ گروهی در مدارس ما، سبب شده یک دانش آموز در مدرسه هزار نفری خود فقط ۳ یا ۴ نفر دوست برای خودش پیدا کند. آن هم ترجیحاً از کلاس خود و البته از صندلیهای نزدیک صندلی خویش. (یعنی دایره دوست یابی دانش آموزان ایرانی از شعاع چند متری صندلی خویش تجاوز نمیکند).

طی یک تحقیق علمی که از دانش آموزان یک مدرسه بزرگ بعمل آمده است هر دانش آموز فقط شماره تلفن بطور متوسط ۵ دانش آموز دیگر را در دفترچه خویش دارد که فقط و فقط ۲ شماره تلفن آن را بیشتر مورد استفاده قرار میدهد (این یعنی مشارکت و فرهنگ گروهی در حد صفر) .

به بیان دیگر اگر دانش آموزی در حل یک مسئله ریاضی با مشکل روبرو شود شاید هیچگاه نتواند جواب آن را از جمع هزار نفری دانش آموزان مدرسه بپرسد (از طریق تلفن به منزل دوست) .

در چنین فضایی ایجاد نظام شورایی اگر غیرممکن هم نباشد صد در صد خیلی مشکل خواهد بود .

در محیط منازل ایرانی هم شبیه این رویه حاکم است . اداره امور منزل اکثراً مشارکتی نیست یعنی کودکان در خرید یک وسیله شخصی یا اسباب بازی با والدین مشورت نمی کنند بلکه آنچه را دلشان می خواهد والدین را مجبور به خرید آن می نمایند . پدر هم در تامین مسکن و انتخاب محله و خیابان برای مسکن ، هیچگاه نظر فرزندان را جویا نمی شود . مادر هم به سلیقه خود غذایی را می پزد و بعد مجبور میشود برای فرزندش که بر سر میز نهار آمده و آن غذا را میل نمی نماید چند تخم مرغ نیمرو کند .

مدیر یا کارشناس مدرسه در طراحی برنامه امتحانات ، نظر دانش آموزان را جویا نمی شود و به سلیقه شخصی خود اقدام می کند و هزاران مورد و مثال دیگر . بدین ترتیب فرهنگ تک روی ، از همان ابتداء در زندگی افراد جامعه شکل می گیرد .

آموزش و پرورش مهم ترین نهادی است که در تربیت کودکان و نوجوانان نقش محوری دارد چرا که یک عضو جامعه از سن هفت سالگی وارد آن شده و در سن ۱۸ سالگی از آن فارغ میشود (یعنی بهترین زمان یادگیری یک انسان) .

مولفه اصلی برقراری یک نظام شورایی و مشارکتی در کشور ، وجود خیل عظیم انسانهایی با افکار ، اندیشه و ایده های شورایی می باشد و جهت داشتن چنین

انسانهایی بایستی بر روی نسل جدید کار نمود آنها را و از ابتداء با تربیت شورایی بار آورد و این وظیفه مهم مختص آموزش و پرورش است .

آموزش و پرورش کشورمان با الهام از آموزش و پرورش کشورهای که در این زمینه رشد یافته اند میتواند پدید آورنده بستر مناسب فرهنگی برای مشارکت و نظام شورایی باشد .

برای این منظور لازم است محتوای دروس تغییر کند ، ساختار حاکم بر مدارس عوض شوند و یک سری تغییرات کلی در این نهاد انجام پذیرد .

اگر تا به امروز به دانش آموز یاد می دادیم که به تنهایی و با یک انگشت دست سوراخ سدّ را بگیرد تا آب از آن رخنه پیدا نکند . از این به بعد در کنار آن باید “ یدا... مع الجماعه “ را به او یاد دهیم و اینکه به کمک یکدیگر چه کارهای مهمی را میتوانند انجام دهند .

باید از سنین کودکی به فرزندان جامعه بیاموزیم که چگونه با ایده ها ، تفکرات و نظریات مختلف تعامل داشته باشند ، با مخالف چگونه رفتار کنند و با موافق چه آدابی داشته باشند .

اخیراً در مدارس کشورمان اقدام به برگزاری انتخابات و تعیین شورای مدرسه و شهردار مدرسه می نمایند که این کار بسیار جالب است و به آینده شورایی کشور مفید است ولی باید این کار خیلی جدی گرفته شود حتی جدی تر از انتخابات شوراهای شهرها و روستاها ، چرا که خشت اول بوده و زیر بنای امور است و بایستی دقیقاً و با ظرافت تمام کار گذاشته شود .

ب) نقش رسانه های گروهی در پدید آوردن فرهنگ شورایی

رسانه های گروهی خصوصاً صدا و سیما نقش شگرفی در هدایت افکار عمومی دارند. این رسانه ها از یک خاصیت جامعیت برخوردارند یعنی مختص سن و طبقه خاصی نبوده و تمام اقشار جامعه از کودک تا نوجوان، از جوان تا میان سال، بزرگسال و پیران مخاطب آن هستیم.

فلذا رویه حاکم بر رسانه ها باید تغییر کند و از قهرمان پروری، تشویق به کارهای فردی و تک محور نمودن افراد پرهیز شود و فرهنگ مشارکتی، گروهی و شورایی جایگزین آن شود. طبیعی است برای هر سن و طبقه خاص، برنامه مطابق سلیقه آن سن و طبقه بایستی طراحی - تهیه و پخش گردد.

بطور مثال برای سنین کودکی، بایستی کارتونهایی با مضامین خاص خود تهیه و پخش شود و یک کودک از ابتدا راه و رسم و شیوه کار نمودن بصورت جمعی و گروهی را بیاموزد و اینکه چگونه به نظرات دیگران احترام بگذارد - چگونه نظر خود را مطرح کند و از آن دفاع کند و چگونه تسلیم خواسته اکثریت شود. برای قشر نوجوان و جوان پخش فیلم "ZOOFO" قهرمان افسانه ای و تک محور، توصیه نمی شود بلکه بایستی فیلم هایی با همان تاثیر گذاری و نفوذ لازم ولی بر مبنای فرهنگ گروهی تهیه شوند و اگر قرار است با یک باند زورگو برخورد شود باید همه مردم با مشارکت یکدیگر با آن زورگو برخورد نمایند و نه اینکه فقط یکی جنگ کند و بقیه تماشا کنند. در جامعه ای که ZOOFO وجود ندارد تکلیف چیست؟ و یا در جایی که ZOOFO غایب باشد تکلیف چیست؟ صدا و سیما و مطبوعات نقش قابل توجهی در تغییر فرهنگها دارند و در این مورد بایستی وظیفه خود را در تغییر فرهنگ تک محوری به فرهنگ گروه محوری (مشارکتی) ایفاء نمایند. از این به بعد باید در سریالها، فیلم ها، کارتونها، داستانها و حتی تاریخ، نقش اول را به جمع داد نه به فرد. و باید به تک تک افراد یاد دهیم که چگونه به جمع وارد شوند یا چگونه جمعی را تشکیل دهند؟ ارتباطات فی ما بین در جمع چگونه باشد؟ و نحوه تصمیم گیری، چگونگی اجرای تصمیمات متخذه، و از کنترل و نظارت بر امور و همه موارد یک نظام ایده آل شورایی، در تمام سنین و طبقات

آموزش داده شود. بدین ترتیب بستر لازم جهت برقراری یک نظام سودمند شورایی فراهم میشود. البته اینگونه نیست که هم اکنون یا قبلاً به کارهای گروهی پرداخت نشده است ولی مقدار آن در قیاس با میزان پرداختن به کارهای فردی بسیار اندک می باشد. رسانه ها هر یک وظیفه دارند به نوبه خود به مخاطبین خود نظام شورایی را بشکافند ، تجزیه و تحلیل کنند و باید ها و نبایدهای آن را با کلامی رساتر و با عباراتی شفاف تر بیان کنند .

در خاتمه از کلیه کسانی که در تالیف این کتاب ، مرا یاری نموده اند صمیمانه سپاسگزاری مینمایم خصوصا از خانمها حکیمه بزاز ، زکیه آقاسی جاوید وفیروزه پرتو و آقای محمد علی زاده مهدی که در امور چاپ و نشر این کتاب همکاری نموده اند تقدیر و تشکر مینمایم .

فهرست منابع و مآخذ :

- قرآن کریم
 - تفسیر نمونه
 - تفسیر المیزان
 - تفسیر نور - شیخ محسن قرائتی - موسسه در راه حق - ۱۳۷۴
 - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
 - قانون شوراها - مصوب ۷۵/۳/۲۳ و آخرین اصلاحات آن در سال ۱۳۸۲
 - فرهنگ عمید - حسن عمید - تهران - انتشارات امیر کبیر - ۱۳۶۲
 - انسان کامل - شهید مطهری - انتشارات صدرا - ۱۳۷۵
 - شوری (چهل حدیث) - سید صالح هاشمی - تبریز - انتشارات فص - ۱۳۷۷
 - اطلاعات عمومی - م ریاحی پور - تهران - انتشارات زرین - ۱۳۶۲
 - شوراها آنچه گذشت - انتشارات همشهری - ۱۳۷۹
 - شوراها در گذر زمان - استانداری آذربایجان شرقی - ۱۳۸۱
-
-